

رکن چهارم (اسناد مطبوعات ایران)

۱. دوره قاجار

جلال فرمند

شاید هنگامی که میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۳ق کاغذ اخبارش را منتشر کرد هرگز فکر نمی‌کرد در ایران مشکلات روزنامه‌نویسی تا صد و هشتاد سال بعد همچنان باقی بماند و این نوزاد در دنیای کودکی خود سیر کند. هرچند از نظر نحوه چاپ شکلی روزنامه و مطبوعات پیشرفت بسیار کرده‌ایم ولی متأسفانه مشکلات ساختاری و محتوایی همچنان به قوت خود باقی است. نشانه آن هم این است که خواسته‌ها و آرزوهای روزنامه‌نویسان و خوانندگان آن از زمان مشروطه همان چیزی است که در دهه بیست شمسی و ملی شدن صنعت نفت بود و با در سالهای ۵۶ و ۵۷، فقط ادبیات مقالات و چگونگی استفاده از کلمات تغییر کرده است. مطالب عمده‌تاً حول محور آزادی، دموکراسی، مجلس، حقوق اساسی ملت، قانون و... دور می‌زند. ظاهراً هیچ کسی هم به نتیجه مطلوب خود نرسیده است. چه مردم و چه دولت‌های مورد انتقاد مطبوعات. این ایستایی و عدم پیشرفت مطبوعات در طول یکصد و هشتاد سال اخیر به دو دلیل عمده است:

۱. دیکتاتوری حکومت‌های حاکم که هیچ‌گونه انتقادی را نمی‌پذیرفتند.
۲. حرفه‌ای نبودن و یا نشدن مطبوعات کشور. از همان دوران شروع روزنامه‌نگاری در ایران شاید حرفه‌ای‌ترین روزنامه‌نگاری همان میرزا صالح شیرازی باشد که مطابق همان رشته‌ای که در انگلستان فراگرفته بود با خود چاپخانه کوچکی آورد. با وارد شدن افراد غیرمطبوعاتی و غیرحرفه‌ای به حرفه روزنامه‌نگاری؛ (چون معلمان، روحانیان و صاحبان مشاغل آزاد که فریحه‌ای از نویسندگی داشتند ولی آموزشی در این زمینه ندیده بودند)، دنیایی از آمال و آرزوهای این افراد وارد این حرفه شد. حب و بغض‌های صنفی و شغلی دغدغه این افراد بود و مطبوعات مکانی شد برای جنگ و دعوای این افراد و

روزنامه‌های اصیل از میدان رقابت تقریباً به کناری رفته بودند. بدین لحاظ فضا غبارآلود شد و این حرفه سمت و سویی نامتعادل یافت.

تاریخ مطبوعات ایران فراز و نشیب فراوانی را طی کرده است که برای سهولت مطالعه، می‌توان آن را تا سال ۵۷ به پنج دوره مختلف تقسیم کرد:

۱. از شروع چاپ روزنامه در ایران تا انقلاب مشروطه

۲. از انقلاب مشروطه تا برآمدن رضاشاه

۳. از سلطنت رضاشاه تا شهریور بیست و اشغال ایران

۴. از شهریور بیست تا کودتای ۲۸ مرداد

۵. از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی ۵۷

دوره اول هرچند دوره بی‌جنب و جوشی به نظر می‌رسد ولی در شکل دادن آینده روزنامه‌نگاری در ایران نقش مهمی دارد. قسمت اعظم این دوره در پادشاهی ناصرالدین شاه گذشت. در این دوره بجز وقفه ده ساله‌ای که در انتشار روزنامه کاغذ اخبار تا انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه پیش آمد همیشه روزنامه منتشر می‌شده است. در این دوره نقش بارز سیدجمال‌الدین اسدآبادی در نوشتن مقالات متنوع در عروقه‌الوئقی و چاپ آن در خارج از کشور جای تأمل بسیار دارد.

آقای محیط طباطبایی دوران آغازین نشر مطبوعات تا آخر پادشاهی ناصرالدین شاه (یعنی شصت سال) را چنین تحلیل می‌کند:

پیشرفت مطبوعات ایران از ۱۲۵۳ تا ۱۳۱۴ یعنی در مدت شصت سال چندان تند و درخشان نبود و این کندی در تحول، مانع بروز افراد شایسته و متحرکی بود که قادر به ایجاد تغییر وضع اساسی در کار روزنامه‌نگاری باشند. فقدان سیاست ثابتی که تبلیغ آن و یا دفاعش ضرورت پیدا کند، جدایی روزنامه و مندرجات آن از زندگی مردم، وابستگی کلی آن به دستگاه دیوان و بخصوص شاه قاجار، تنگی مجال بحث و تحریر و اختصاص آن به ستایش و یا گزارش امور شخص سلطان عصر نیازی به نویسنده متفکر و ناقد و نکته‌سنج برای عرض مشکلات اجتماعی و سیاسی باقی نمی‌گذاشت و از این رو میان جراید ایران و خارج نقطه اتصال و ارتباطی وجود نداشت.^۱

در انتهای دوره اول که همزمان با آخرین روزهای سلطنت مظفرالدین شاه است، اندک‌اندک فریاد آزادی‌خواهی عمومی در فضای ایران پیچید، بالطبع مطبوعات نیز که همچنان برای ایرانیان از پدیده‌های نو اطلاع‌رسانی به شمار می‌رفت با این فریاد مردمی

۱. محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران، بهشت، ۱۳۶۶، صص ۵۹ و ۶۰.



ناصرالدین‌شاه به مطالعه روزنامه‌های فرانسوی علاقه خاصی داشت. اعتمادالسلطنه در حال خواندن ترجمه جرارد خارجی | ۱-۲۵۴۴

هماهنگ و به مشکل واقعی خود نزدیک شد، تیراژ و عناوین نشریات سر سعودی به خود گرفت و به موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدل و قانون، نظم و ترتیب، عبرت کار ژاپن، تذکر مفاخر قدیم، دعوت به اخوت اسلامی و معرفی سیاست روس و انگلیس در آسیا بیشتر پرداخته می‌شد.

در ایجاد غلیان عمومی و شور و شوق عدالتخواهی روزنامه‌های فارسی زبان چاپ خارج که با تمهیداتی به داخل ایران راه می‌یافتند نیز نقش مؤثری داشتند. مشروطه برپا گردید و شاه در آخرین روزهای عمر فرمان مشروطه را صادر کرد. قانون اساسی تصویب شد و مقدمات انتخابات مجلس برپا شد و مطبوعات به عنوان رکن چهارم مشروطیت جایی والا یافتند. از این زمان به بعد دوره دوم تاریخ مطبوعات شروع می‌شود.

هیجانهای سیاسی و تشکیل انجمنهای سری و علنی موج جدیدی از نشریات را اشاعه دادند که زبان گویای آن انجمنها که شکل اولیه احزاب بودند شمرده می‌شوند. در این نشریات شعارهای تند انقلابی و نظریات تندروانه آشکار و عیان بود. نظریاتی که گاه با فرهنگ و اعتقادات مردم تضاد داشت و شاید برای فکر مردم آن روزگار و حتی الان سنگین و هضم ناشدنی باشد.

روزنامه‌نگاران غیر حرفه‌ای موجی از فحاشی را در نشریات نسبت به محمدعلی شاه و گروههای مخالف خودشان نثار می‌کردند و بالطبع طرفداران محمدعلی شاه نیز همین عمل را انجام می‌دادند. اصل بیستم قانون اساسی که متضمن نشر آزاد و بدون ممیزی مطبوعات بود پیشنهاد خوبی برای افزایش آزادی مطبوعاتی شده بود و اصل ۷۹ متمم قانون اساسی محاکمه بدون هیئت منصفه را غیرقانونی اعلام کرده بود که به دلیل فقدان قانون، اهل مطبوعات هر چه می‌خواستند می‌نوشتند. محمدعلی شاه نیز از وضعیت استفاده کرده و با شبه کودتایی ضمن به توپ بستن مجلس چند تن از مسئولان نشریات را در باغشاه اعدام کرد و اولین خونهای صاحبان مطبوعات در ایران به زمین ریخته شد و تعداد بیشتری از روزنامه‌نگاران مخفی شدند.

پس از فتح تهران و سرنگونی محمدعلی شاه از قدرت مجدداً سردبیران و نویسندگان مطبوعات آزادی یافتند و نشریات تعطیل شده منتشر شد. این نشریات عمدتاً در قالب دو حزب جدیدالتأسیس دمکرات یا «اجتماعیون عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» مطلب می‌نوشتند. این دوره دوازده ساله تا کودتای سوم حوت دوره مناسبی برای نشو و نما و حرفه‌ای شدن مطبوعات بود هرچند که وقوع جنگ جهانی اول و دخالتهای کشورهای بیگانه آن را کند کرد.

نقطه عطف این دوره کودتای سوم حوت است. فردای کودتای رضاخان با صدور



جلسه تن از اجرای روزنامه ایران | ۴-۴۰۱

اعلانی کلیه روزنامه‌ها را ممنوع‌النشر کرد و این روند تا آخرین روزهای نخست‌وزیری سید ضیاء‌الدین طباطبایی ادامه یافت. سید ضیاء که خود روزنامه‌نگار بود با شدت بیشتری نسبت به دیگر سیاسیون با هم‌قطاران خود برخورد کرد.

با سقوط کابینه سیدضیاء مجدداً نشریات رو به ازدیاد نهادند. ولی این بار با شخص مقتدری روبه‌رو بودند که درافتادن با وی یعنی ساقط شدن از همه چیز، وی فرمانده کل قوا، یعنی رضاخان سردار سپه بود. وی اولین ضرب شست خود را به مطبوعات نسبت به حسین خان صبا (کمال السلطان) نشان داد که مقاله‌ای بر علیه عاملان قتل کلنل پسیان نوشته و این امر به سردار سپه سنگین آمده بود. وی صدمات زیادی از شلاق قزاقان برخوردار دید. از این زمان به بعد مطبوعات به دو جناح مخالف و موافق رضاخان تبدیل شدند. البته روزبه‌روز از تعداد مخالفان کاسته و به صفوف موافقان رضاخان، با تطمیع و یازور افزوده می‌شد. اولین قربانی مخالفان رضاخان، میرزاده عشقی بوده که جان خود را بر سر مخالفت با رضاخان گذاشت و ترور شد.

برتخت نشستن رضاشاه در ۲۵ آذر ۱۳۰۴ فصل جدیدی در تاریخ مطبوعات است. دوره سوم، یعنی دوره رکود و خاموشی شروع شد و ۱۶ سال تمام مطبوعات به خواب عمیقی فرو رفتند. دوره چهارم تاریخ مطبوعات ایران با سقوط رضاشاه و اشغال ایران در شهریور بیست شروع می‌شود. این دوره، دوره پر شروشوری محسوب می‌شود. آمار عجیب ۵۸۰ نشریه در این دوره و فقط تا سال ۱۳۲۶ نشان از باز شدن فضای سیاسی ایران دارد. مردمی که حدود شانزده سال را با دیکتاتوری رضاشاهی سپری کرده بودند و مطبوعات جز مدح وی کاری نمی‌توانستند انجام دهند با باز شدن این فضا شکاف عمیق اطلاعاتی را احساس می‌کردند. حرکت شتاب‌آلود اطلاعات و اخبار گوناگون سعی در پر کردن این شکاف اطلاعاتی را داشتند. اخبار داخلی بی‌پرده و عریان و گاه با تحریف و دروغ و ناسزا در معرض قضاوت مردم قرار گرفت؛ هرچند که متفقین اخبار خارجی و خصوصاً جنگ را سانسور می‌کردند.

با وارد شدن احزاب چپ به عالم سیاست ایران که از افراد با سواد و تحصیل کرده به حساب می‌آمدند مطبوعات در رقابت با یکدیگر حال و روز بهتری پیدا کردند. با نگاهی گذرا به این دوازده سال پربار با هر نوع نشریه‌ای روبه‌رو می‌شویم نشریاتی وزین و پربار، نشریاتی که سرتاسر آن از دروغ و فحاشی و ناسزاگویی پر بود و نشریاتی که کارکردهای روزمره و اتفاقی داشتند.

کودتای ۲۸ مرداد نقطه پایانی بر این چند سال پر تحرک بود. محمدرضا پهلوی نیز مانند رضاشاه نشریات آزاد را برنمی‌تابید و کلیه نشریات مخالف را تعطیل کرد. دستگاه قدرتمند نظامی و اطلاعاتی که در رأس آن شخصی چون تیمور بختیار قرار داشت

هر گونه حرکتی را زیر نظر داشت. این وضع تا اوایل دهه چهل شمسی که فشار بین‌المللی و خصوصاً آمریکا بر آن قرار گرفت که اصلاحاتی در ایران شکل گیرد، ادامه داشت. در دوره نخست‌وزیری امینی جرقه‌هایی از آزادی مطبوعاتی دیده می‌شود که پس از دو سال مجدداً رو به خاموشی رفت و تا سال ۵۶ و آغاز قیام مردم ایران مجدداً آرامش و رکود بر صحنه مطبوعاتی ایران سایه افکند.

سانسور و قانون مطبوعات در ایران

با توجه به اینکه مطالب و محتوای جراید مستقل همواره با منافع و خواسته‌های حاکمان تضاد داشته، آنان با تمام ابزار موجود سعی در محدود کردن جراید داشتند. این امر فقط در ایران سابقه نداشتند و حتی قبل از اینکه در ایران نشریه‌ای پای بگیرد در اروپا اعمال می‌شده است. به عنوان نمونه می‌توان به نامه ناپلئون بناپارت به فوشه وزیر پلیس امپراتوری اشاره کرد که ناپلئون خطاب به وی می‌نویسد:

روزنامه‌ها را کمی بیشتر سرکوب کنید، مجبورشان کنید که مقاله‌های خوب بنویسند به سردبیر ژورنال ددبا و بوبلی سیست بفهمانید که سرانجام روزی فرا خواهد رسید که آنها دیگر مفید نخواهند بود، آنها را همراه با روزنامه‌های دیگر تعطیل خواهم کرد و تنها یک روزنامه را باقی خواهم گذاشت... زمان انقلاب به سر آمده، تنها یک حزب در فرانسه باقی است، اجازه نخواهم داد که روزنامه‌ها علیه منافع من چیزی بنویسند.^۱

دستگاه‌های حاکمه برای اعمال فشار بر مطبوعات معمولاً از دو طریق اقدام می‌کردند. راه غیرقانونی سانسور و راه قانونی و موجه قانون مطبوعات. سانسور ساده‌ترین شیوه برای کنترل مطبوعات بود. مأموری از سوی دولت با کلیه امکانات ممکن مطلب یک نشریه اعم از روزنامه یا هفته نامه و غیره و یا حتی کتاب را قبل از چاپ بررسی کرده و سپس با جرح و تعدیل لازم مجوز چاپ می‌داد و یا اینکه به کل، چاپ آن را موقوف می‌کرد. محیط طباطبایی آغاز سانسور را از زبان ناصرالدین شاه می‌داند و در این باره به دو سند اشاره می‌کند. اولین سند اعلانی است که در نمره ۵۵۲ روزنامه دولت علیه ایران درج شده است:

در این اعلان ناصرالدین شاه برای جلوگیری از نشر کتابها و آثاری که مضر به اخلاق عمومی و فاسد کننده خلق و خوی خرد و بزرگ باشد و آنان را در گرداب و سانسور شیطانی می‌کشد صنیع‌الملک نقاشباشی را سرپرست کلیه چاپخانه‌های ممالک

۱. پیر آلبرو فرمادترو، تاریخ مطبوعات جهان، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، پاسارگاد، ۱۳۶۳، ص ۵۰.

مخروسه کرد که از نشر و طبع نسخه‌هایی که موجب انزجار طباع و مخالف اوامر شرعی است جلوگیری کند و کتابهایی که ظاهراً و باطناً سودمند و بی‌زیان است چاپ شود.^۱

پس از نصب ابوالحسن خان نقاشباشی به این کار مهم از آن روز بر بسیاری از کتب که حتی کتب فقهی را نیز در بر می‌گرفت مهر اداره سانسور به نام «صنیع الملک ملاحظه شد» دیده می‌شود.

سند دوم سخنی است که شمس‌العلماء عبدالرب آبادی در کتاب مآثر و الآثار از زبان محمدحسن خان صنیع‌الدوله می‌نویسد:

اداره سانسور که عبارت از تفتیش کتب و روزنامه‌های وارد از خارج است (یکی از مآثر عصر ناصری است)، چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن و قدح و هجو و هزل بود به لحاظ مبارک (ناصرالدین شاه) می‌رسید، از انتشار آن همواره آثار کراهت بر جبین همایون هویدا بود، تا وقتی که رساله هجو سلاله شیخ هاشم شیرازی مطبوعه یمینی را به تهران آوردند و نسخه را حضور بردند. از مشاهده آن اشعار ناسزا، شعله خشم زبانه زد و در وقت به اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت. بنده نگارنده حاضر درگاه بود، معروض نمود که دولتهای اروپا برای سد راه این عیب دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن «سانسور» است فرمان رفت، تا زیر نظر این خانه‌زاد در حدود ایران سانسور ایجاد و از آن وقت باز راه این عیب بسته است.^۲

تا اعلام مشروطه به همین نحوه با کتب و روزنامه‌ها برخورد می‌شد و کارها و اعمال انجام شده کاملاً سلیقه‌ای و بسته به نظر مأمور سانسور بود ولی پس از تصویب قانون اساسی، ظاهراً اختلاف اشخاص و یا حکومت با مطبوعاتیان بر طبق قانون مطبوعات باید انجام می‌گرفت که باز هم تصویب قانون مطبوعاتی نه چندان عادلانه موجب به بن‌بست رسیدن مطبوعات مستقل شد. تا سال ۵۷ سه قانون مطبوعاتی در ایران تصویب شد. اولین آن در محرم ۱۳۲۶ق و در زمان سلطنت محمدعلی شاه قاجار بود که خود چندان پایبندی به قانون نداشت و مطبوعات بیشترین حملات بی‌پروا را به وی می‌کردند. البته با اعمال نظر وی مفادی از قانون مطبوعات در جهتی قرار گرفت که مطبوعات حق انتقاد جدی نسبت به شاه را نداشتند. اصلاح بعدی قانونی در ۱۰ آبان ۱۳۰۱ انجام گرفت. و چیز جدیدی که به قانون مطبوعات افزوده گردید این بود که مسئولان جرایم و مجلات را مجبور می‌کرد هرگاه بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب مطلبی چاپ کنند قبلاً بایستی به ناظر شرعیات مراجعه کنند.

۲. همان، ص ۴۸.

۱. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ص ۲۷.

دومین قانون مطبوعات و متمم آن در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق تصویب شد که آزادی عمل بیشتری می‌داد ولی قانون هنوز به طور کامل اجرا نشده بود که با کودتای ۱۳۳۲ش، مجلس هیجدهم ضمن رد قانون قبلی سومین قانون مطبوعاتی را به تصویب رسانید که تا سالهای قبل از انقلاب و حتی مدتی پس از انقلاب نیز مورد استفاده دادگستری بود. هرچند در قوانین مطبوعاتی برای مطبوعات حداقلی از آزادی را نیز در نظر گرفته بودند ولی مطبوعات موجود با توجه به دخالت‌های بیش از حد حکومت که از طریق سازمان امنیت و شهربانی اعمال می‌شد هیچ‌گاه به طور جدی به مسائل اجتماعی و سیاسی داخلی نپرداختند و همواره شخصیتی چون محرم‌علی خان تا سالها به عنوان مأمور رسمی سانسور دولتی در محافل مطبوعاتی به کار خود با اقتدار کامل به وظیفه‌اش عمل می‌کرد.

در دو شماره از فصلنامه تاریخ معاصر مجموعاً تعداد ۱۳۳ سند در معرض دید خوانندگان محترم قرار گرفته است که به دو بخش اسناد قاجاریه و پهلوی تقسیم شده‌اند که اسناد دوره قاجاریه در این شماره از فصلنامه و اسناد دوره پهلوی در شماره آینده تقدیم خواهد شد. اسناد بخش قاجار خود به چهار قسمت مستقل تقسیم شده‌اند:

الف: درخواست مجوز انتشار مطبوعات (از سند شماره ۱ تا ۸)

ب: توقیف مطبوعات و پیامدهای آن (از سند شماره ۹ تا ۵۸)

ج: مطبوعات و حکومت (از سند شماره ۵۹ تا ۸۲)

د: مطبوعات و سیاست خارجی (از سند شماره ۸۳ تا ۱۰۴)

و اسناد دوره پهلوی که از سند شماره ۱۰۵ آغاز شده و تا شماره ۱۳۳ به پایان می‌رسد. بیشتر اسناد مطبوعاتی دوره قاجار مربوط به دوره دوم تاریخ مطبوعات است و اسناد پهلوی نیز عمدتاً مربوط به دوره پنجم تاریخ مطبوعات است.

دوره قاجاریه

درخواست مجوز انتشار مطبوعات (۱)

[۱]

انامه واغیناک سرکیسیان به قوام‌السلطنه و درخواست انتشار روزنامه به زبان ارمنی |

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

این ایام که سعادت و آتیه ایران شش هزار ساله به واسطه اقدام عاقلانه آن هیئت محترم تأمین شده و امتیاز نفت شمال به یک شرکت بی طرف داده شده، ایضاً اقدامات بیموقع اجانب نیز در این خصوص پیش آمده است عده کثیری از ارامنه وطن پرست را

مسرور و از طرف دیگر متأسف ساخته است که چرا در همچو یک روز تاریخی نتواند اظهار عقیده نمود. همزبانان دور دست خود را در این روز مسعود با خیر سازند؛ چون، طوری که حضرت اشرف به خوبی مسبوق هستید، بدبختانه فقط عده قلیلی از ارامنه ایران می‌توانند از جراید فارسی استفاده نمایند. ما منتظر بودیم جرایدی که به زبان ارمنی منتشر می‌شوند این مسئله حیاتی را به طور خوبی در تحت مطالعه درآورده این امر مهم را گوشزد تمام ارامنه ایران خواهند نمود. ولی مع‌الاسف معلوم نیست به چه ملاحظاتی در این باب سکوت اختیار کرده‌اند. لهذا خیلی لازم است ما جریده داشته باشیم و حقایقی که دیگران می‌خواهند زیر پرده نگاهدارند باز نموده به اطلاع عموم برسانیم.

از آنجایی که نیت ما فقط خدمت به وطن و منافع ملت است امید داریم مضایقه نخواهید فرمود که اجازه انتشار یک جریده به زبان ارمنی به چاکر داده شود و از آنجایی که این مسئله مهم عصر جدیدی در تاریخ ایران مفتوح می‌نماید، به اصطلاح دیگر، صبح جدیدی بالای افق ایران طلوع می‌کند. این است که بنده می‌خواهم به یادگاری این مسئله تاریخی اسم جریده صبح جدید، که به زبان ارمنی (نوژارود) گفته می‌شود، انتخاب نموده، چون فوت وقت برای بنده و رفقای بنده در این موقع یک تقصیری به شمار می‌رود، امیدوارم مقرر خواهید فرمود که اجازه انتشار جریده فوق حتی‌الامکان زودتر داده شود که مزید تشکرات صمیمانه از طرف بنده و عده کثیری خواهد شد. احترامات خالصانه تقدیم می‌دارد.

واغیناک سرکیسیان^۱

به تاریخ ۱۴ برج قوس ۱۳۰۰

[در حاشیه:] جواب ندارد و ضبط شود.

[۴۳۹۹ و ۴۳۹۸-ن]

رتال جامع علوم انسانی [۲]

[نامه اسدالله موسوی خارقانی به قوام‌السلطنه و درخواست چاپ روزنامه ندای اسلام] ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۰

به عرض می‌رساند: چنان که در باب امتیاز جریده ندای اسلام خاطر مبارک را مسبوق داشته‌ام، اعضاء جامعه مقدسه اسلامیه به وسیله دعاگو جداً برای نشر قوانین شرع

۱. وی قبلاً فصلنامه‌ای اجتماعی و ادبی به نام آکاتان به زبان ارمنی در تبریز منتشر می‌کرده است. برگرفته از: مسعود برزین، شناسنامه مطبوعات ایران، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۷۱. بیشتر اطلاعات ارائه شده در پانویس صفحات بعد از همین کتاب استفاده شده است.

مقدس نبوی تقاضای اجازه را دارند. خاطر مبارک کاملاً مستحضر است که در تحت هر عنوان و مسلکی و هر قسم اشخاص امتیاز جریده گرفته‌اند با این حال سزاوار نیست که هیئت محترمه دولت اسلامی به تقاضای مشروع عده‌ای که فقط می‌خواهند به استعانت مالی خودشان حفظ مقام ارجمند دیانت محمدی (ص) را بنمایند عطف توجه نفرمایند، و به علاوه، در واقع، این اقدام تقویت وظیفه هیئت محترمه دولت که اجرای قوانین آسمانی است می‌نماید و این نکته را خاطر نشان می‌کند که اعضاء جامعه مقدسه تا اندازه‌ای مطلع به اوضاع امروزه دنیا بوده از بعضی اظهارات که بر خلاف وضعیت امروزه عمومی دنیا از نقطه نظر دیانتی است خودداری خواهد کرد.

حال، دعاگو خواهشمند است با حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء در این باب مذاکره فرموده تا آنکه از مقصود صمیمیت خاطر مبارکشان مسبوق شده اجازه امتیاز جریده را مرحمت فرمایند.

الاحقر اسدالله الموسوی الخارقانی^۱

[در حاشیه:] آقای محتشم‌الدوله، جواب بدهید خودتان مستحضرید که برحسب مقررات کلیتاً^۲ تا قانون هیئت منصفه در مجلس نگذشته است امتیاز روزنامه داده نمی‌شود. در این صورت، در این مورد هم نمی‌توان...^۳ شود.

[۳۰-۱۳۷۲]

[۳]

انامه مجدالاسلام کرمانی به قوام‌السلطنه برای انتشار روزنامه سرنوشت

۱۸ صفر

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمه

در این موقع انقلابات به هر یک از نویسندگان ملت لازم است که به وسیله انتشار مقالات علمیه عالیه افکار عامه را با مسلک دولت متبوعه خود همراه سازند؛ لهذا این بنده، مجدالاسلام کرمانی که سالها امتحان دولتیخواهی و درست قلمی خود را داده‌ام، به معاونت جناب آقای میرزا حسین خان قزوینی، که او هم در حضور مبارک معروف است، مصمم شده‌ایم روزنامه‌ای موسوم به سرنوشت ایجاد نماییم و از این راه خدمات عمده به دولت متبوعه خود را ذمه‌دار هستیم و ملتزمیم که هرگز از قانون مطبوعات تخلف

۱. در طول تاریخ مطبوعات به سه تن مجوز انتشار نشریه به نام ندای اسلام داده شده که نامی از شخص

فوق‌الذکر به میان نیامده است. ۲. در متن «کلیه»

۳. ناخوانا



مجدالاسلام کرمانی | ۱۱-۱۲

نورزیم. استدعا آن که در حاشیه عریضه به وزارت جلیله معارف دستخط ابلاغ صادر شود تا اجازه رسمیه به ما بدهند.

ایام عظمت مستدام
مجدالاسلام

[در حاشیه:] باریاست وزراء مذکره شود که اساساً در دادن امتیاز جریده چه نظریات دارند.
[در حاشیه:] رأی هیئت وزراء این است که تا شش ماه روزنامجات سیاسی مطلقاً داده نشود.

[در حاشیه:] آقای اعتلاء السلطنه تصمیم نامه صادر فرمایید که تا شش ماه امتیاز اجازه طبع روزنامجات و مجلات سیاسی صادر نشود. ابلاغی هم به وزارت علوم صادر

۱. مجدالاسلام کرمانی قبل از این نشریات کشکول، محاکمات و ندای وطن را منتشر می‌کرد.



قوام السلطنه به اتفاق عباس قلی میرزا اعزاز السلطنه (نوامبر ۱۹۲۳) | ۱-۸۰۹

[۹۶ و ۹۵-۴]

فرمایید؛ برای امضاء بیاورند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی [۴]

[نامه محمود آزادی به قوام السلطنه و درخواست انتشار روزنامه]

«مطبعه سعادت»

کاغذ فروشی - صحافی

I I I

S

حضرت اشرفا، چاکر در حالی که می دانست تصمیم شده است تا تعیین هیئت

منصفه امتیاز جراید به کسی داده نشود تقاضای امتیاز نامه آزادی^۱ را از آن مقام منیع نمودم به این امید که حس معارف پرورانه حضرت اشرف عالی بعد از ملاحظه عریضه چاکر هرگز راضی نخواهد شد جواب یأس به حقیر بدهند. در عین حال که جواب یأس شنیدم باز هم ناامید نیستم دو مرتبه به حضور مبارک متوسل و با کمال ادب و احترام عرضه می‌دارم:

آقای رئیس‌الوزراء محبوب، شما حق دارید که از دادن امتیاز جراید عجلتاً خودداری می‌نمایید زیرا بر همه کس ثابت شده است که اکثر جراید امروزه طهران جز یک ورق پاره‌های مملو از اغراض شخصی و منافع خصوصی چیز دیگری نیست ولی تصدیق بفرمایید که نوع بشر همه یکسان نیستند و ممکن است از بین یک طایفه فاسدالاخلاق و دروغگو یک یا چند نفر آدم صالح و خیرخواه پیدا شوند که آرزویی جز خدمت به وطن و مملکت خود نداشته باشند. پس شما، ای رئیس محترم مملکت، همه را به یک نظر ملاحظه نفرمایید و به آتش تصمیم خود خشک و تر را با هم نسوزانید؛ محض تشویق اشخاص خیرخواه و معارف دوست امر فرمایید امتیازنامه آزادی صادر شود تا مندرجات این نامه به سمع مبارک برسد و ملاحظه فرمایید که عرایض امروزی چاکر صحت داشته و از روی صداقت قلب بوده است.

در خاتمه، باز هم مصدع می‌شوم، چون غرض از تأسیس این نامه فقط نشر معارف و تهذیب اخلاق و آداب آدمیت است و بس اگر امتیاز روزنامه ممکن نیست تمنا می‌نمایم امر فرمایید به عنوان مجله آزادی امتیاز داده شود.

آرزومند به اصلاحات ایران بدبخت،

محمود آزادی

[۳۵-۱۱۳۷۲]

[۵]

نام‌نامه حسین لنگرانی به قوام‌السلطنه و درخواست چاپ روزنامه اتحاد اسلام |

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف آقای قوام‌السلطنه رئیس‌الوزراء دامت شوکته مدتی بود که در نظر داشتم که به وسیله یک جریده اسلامی وظایف دیانتی خود را انجام دهم تا در کابینه سابق حضرت اشرف با تحمل زحمات زیاد امتیاز جریده اتحاد اسلام^۲ را صادر نمودم. طبع آن به تأخیر افتاد. یکی از مهم‌ترین علت تأخیر انتشار آن این

۱. این هفته‌نامه خبری انتقادی در سال ۱۳۰۲ مدتی منتشر شد و سپس توقیف گردید.

۲. روزنامه سیاسی و دینی. در سال ۱۳۰۳ به جای نشریه لواء بین‌النهرین به شکل دو شماره در هفته منتشر شد.

بود که مشاهده رویه شرم‌آور بعضی از جراید که حقیقتاً مقام ارجمند جریده‌نگاری را ننگین می‌کند به من اجازه نمی‌داد که یک نفر روزنامه‌نویس معرفی شوم و قبل از انقضای شش ماه مدت ورقه امتیازنامه به موجب قبض رسید موجود در وزارت جلیله معارف تقاضای تجدید آن را نمودم. چندی هم مطلب به مسامحه گذشت. اخیراً اوضاع خطرناک مملکت و تحریکات همسایه جنوبی و شمالی و افراط و تفریط مستخدمین مادی و متدینین سطحی که هر لحظه حیات جامعه را تهدید می‌کند طاقت تحمل را سلب و مرا وادار به تعقیب و قیام به این امر نمود.

پس از مراجعه به وزارت معارف آقای وزیر فرمودند قدری تأمل کنید تا قانون هیئت منصفه بگذرد. با اینکه از وعده گذشتن قانون هیئت منصفه خیلی مسرور و امیدوار شدم از تعلل در تجدید امتیازی که قبلاً صادر شده تعجب کردم. در صورتی که چنان بیانیه‌ای راجع به مطبوعات از طرف رئیس دولت صادر شده تا اینکه معلوم شد سبب این مسامحه یادداشت ریاست وزراء و انجام امر منوط به تصویب اشرف عالی است.

شرحی در کمال سادگی معروض و تقدیم داشتم و آن را حقیقتاً آخرین اقدام خود تصور می‌نمودم. به واسطه تأخیر جواب، مراجعه به آقای وزیر معارف کردم. پس از چند جلسه مذاکره، به همان بهانه دومی متمسک و جواب دادند که آقای رئیس‌الوزراء تأکید کردند که چون قانون به مجلس فرستاده شده قدری تأمل بفرمایید.

من عجالتاً از بحث در اطراف بیانیه حضرت عالی راجع به مطبوعات خودداری کرده ولی اجازه می‌خواهم سؤال کنم در صورتی که بیانیه شما می‌گوید «تا تشکیل هیئت منصفه هر جریده که ... الخ توقیف خواهد شد» و نسبت به یک قسمت از جراید هم به موقع اجرا گذاشته‌اید دیگر منع صدور امتیاز چه معنی دارد؟ اگر این تصمیم را اتخاذ فرموده بودید خوب بود در بیانیه ذکر کرده تا مجبور به این همه لفاظی و عبارت‌پردازی نشوید؛ و علاوه چه شده است این همه جدیدیت را در مورد من بالخصوص به کار می‌بندید؟ و دیگر اینکه خوب است بفرمایید جرایدی را که پس از صدور در بیانیه توقیف فرمودید با محل بوده یا نبوده اگر بفرمایید با محل بود، و حقیقتاً مطابق مندرجات بیانیه رفتار فرموده‌اید، دیگر چرا قبل از تشکیل هیئت منصفه از توقیف خارج کردید؟ در این صورت یا قبول بفرمایید که بیانیه عملاً لغو شده والا حق داده‌اید گفته شود که تمام اینها وسایلی است که برای اعمال نظریات شخصی تهیه شده و شئون دولت ایران فدای اغراض خصوصی می‌شود.

گذشته از همه اینها این امتیاز متجاوز از یازده ماه است که صادر شده؛ بنده امتیاز جدیدی نخواستم که اعطاء آن مخالف با تصمیم دولت باشد و هنوز هم منتشر نشده تا بهانه‌ای به دست داده باشد. آیا قصاص قبل از جنایت خوب است؟ هرگاه به این

استدلالات قانع نشوید آن وقت است که جا دارد گفته شود غرض شخصی در کار است در صورتی که بین من و شما سابقه سوء مخصوص در بین نیست و برای یک نفر رئیس‌الوزراء خیلی قبیح است که اختلافات سیاسی را سبب اعمال نظریات خصوصی قرار دهد مگر اینکه بگوییم از طرف اخوی محترمان آقای وثوق‌الدوله نیابت فرموده چون غایبند از جانب ایشان می‌خواهید تلافی کنید در حالی که خوب است نتایج تلخی را که «کابینه قرارداد» از اتخاذ این رویه گرفت آینه عبرت قرار داده و محیط آن کابینه را برای خود تجدید نکنید که آن وقت با هم مجبور شویم وسایل معتابیهی تدارک نماییم. از آنجایی که اداری نیستم که امید اشغال مقام و یا ارتقاء رتبه و یا بیمی از انفصال داشته باشم و تا به حال حاضر نشده‌ام و هم بعد از این حاضر نخواهم شد که در یغمای بیت‌المال با غارتگران شریک شوم و ننگ خود می‌دانم که بازی کردن با حیات جامعه را وسیله استفاده خود قرار دهم و طماع هم نیستم که عملیاتم بر زمینه منافع باشد از بیان حقایق بیمی ندارم و هیچ قدرتی هم نمی‌تواند مؤثر در عقیده من شود و به حول و قوه الهی با نیت پاک در مقابل پیشامدهای سوء مقاومت می‌کنم و از خدای قادر منتقم استعانت می‌جویم.

سبحان‌الله در لندن جراید اسلامی طبع می‌شود و در طهران دولت حاضر نیست اجازه طبع آن را بدهد. من نمی‌خواستم صفحات این جریده را صحنه مشاجرات شخصی نمایم، من نمی‌خواهم روزنامه‌نویسی را وسیله ارتزاق خود قرار دهم، من نمی‌خواهم این اسم مقدس را موهون کنم؛ من می‌خواهم به این وسیله شاید موفق شوم خدمتی به عالم اسلامی کرده باشم. من هنوز آن را منتشر نکرده‌ام که معلوم شود مخالف با سیاست شماست یا نیست.

آقای قوام‌السلطنه، ما گذشته را به آتیه سپرده و در چنین موقعی قائل نیستم مشغول کشمکشهای داخلی شده و فرصت به دست دشمنان خارجی بدهم؛ شما هم حاضر نباشید. من امیدوارم که به یاری خدا این جریده بتواند از تهاجم قوای اجانب، به اسم مردم و مسلک و عناوین دیگر، در مملکت اسلامی جلوگیری کند. ولی در صورتی این مطلب مورد تحسین واقع می‌شود که مخاطب علاقه به صیانت استقلال جامعه و حفظ حیثیات ملی داشته باشد.

در هر صورت جریده اتحاد اسلام، انشاء‌الله تعالی، به هر وسیله و هر ترتیبی باشد منتشر خواهد شد ولی خوب است زحمت ما و خود را کم کرده و بیش از این کم لطفی نفرمایید. من قول می‌دهم اگر رضایت به تجدید این امتیاز بدهید چیزی از فعالیت شما نخواهد کاست.

در خاتمه، با یک لهجه عاری از هرگونه تملق و چاپلوسی، بدون اینکه آنچه را از سایرین متوقع و منتظرید از من انتظار داشته باشید، درخواست می‌کنم که از تجدید این امتیاز مضایقه نفرمایید. بنده بالخصوص این مشروحه را به طور خصوصی تقدیم داشتم

و هیچ مایل نیستیم که مجبور به تظاهر شوم. از اطاله کلام معذرت خواسته و موفقیت حضرت اشرف را در اصلاح مفساد مملکتی از دربار حضرت احدیت جلت عظمة خواهانم.

ایام شوکت مستدام باد

شیخ حسین لنکرانی

[۲۸ و ۲۷-۱۳۷۲]

[۶]

[نامه قوام السلطنه به شیخ حسین لنکرانی]

به تاریخ ۱۳ برج اسد ۱۳۰۱

ریاست وزراء

نمره ۵۵۴۵

جناب آقای آقا شیخ حسین لنکرانی

شرح خصوصی که راجع به امتیاز جریده اتحاد اسلام نگاشته بودید واصل گردید. با توضیحات مشروحی که داده‌اید، لازم است مسائلی را متذکر شوم که مقصود از تعویق اجازه امتناع از اعطای امتیاز نیست. منطبق جناب عالی و رویه و عقیده جناب عالی اعتراضی نبوده است؛ فقط به مناسبت وضعیت عمومی جراید، که خودتان هم اشاره به آن نموده‌اید، در ابتدای تشکیل کابینه هیئت وزراء تصمیم نمودند تا گذشتن قانون هیئت منصفه در مجلس شورای ملی اجازه و امتیاز جدید یا تجدید امتیازاتی که منتشر نشده است داده نشود.

چون نقض تصمیم حاضر به اینکه قانون هیئت منصفه قریباً در مجلس خواهد گذشت اشکال دارد و نظایر اینکه مقتضی است عجلتاً تأمل فرمایند بعد از تصویب قانون البته اجازه امتیازی نموده‌اید داده خواهد شد با ذکر مراتب فوق تصدیق خواهید نمود که مندرجات مکتوب خارج از موضوع بوده است.

[۲۵-۱۳۷۲]

[۷]

[نامه گله‌آمیز شیخ حسین لنکرانی به قوام السلطنه در مورد عدم اجازه چاپ روزنامه اتحاد اسلام]

هو

حضور مبارک بندگان حضرت اشرف آقای قوام السلطنه رئیس الوزراء دامت شوکت
بلاخره پس از مدتی مرقومه شریفه در جواب مشروحه قانونی بنده راجع به تقاضای

تجدید امتیاز جریده اتحاد اسلام - که قبل از انقضاء مدت و صدور بیانیه رئیس دولت درخواست تجدید آن تقدیم وزارت جلیله معارف شده - واصل و از مطالعه مضمون آن یک حال تعجیبی دست داد. من فقط می توانم آن را مصادره به مطلوب تلقی نمایم. تصور می شود اگر توجهی به استدلالات بنده شده بود این قسم جواب داده نمی شد. تمنی می کنم مجدداً مراجعه به مشروح بنده در مرقومه شریف فرموده انصاف دهید که آیا در مقابل آن مطالب این جواب منطقی است!؟

بنده معارضه به مثل نمی کنم؛ نمی گویم جواب شما خارج از موضوع است. ولیکن اگر پس از تطبیق خودتان عدم تناسب آن را تصدیق فرمایید اجازه داده اید که مضمون هر دو ورقه خطاب و جواب عیناً منتشر و قضاوت در آن به افکار عامه محول شود. در هر حال، باز هم با یک لحن ساده خالی از هرگونه ظاهرسازی تجدید تقاضا کرده و به تقدیم احترامات فائمه مطلب را ختم و منتظر حضرت عالی هم به کم مرحمتی خود خاتمه داده و ریسمان را طناب نکنید.

ایام شوکت مستدام

شیخ حسین لنکرانی

[۱۳۷۲-۵۸]

[۸]

یادداشت قوام السلطنه به شیخ حسین لنکرانی

ریاست وزراء

جناب آقای آقا شیخ حسین لنکرانی

شرحی که درباب امتیاز اتحاد اسلام نوشته بودید واصل گردید. روز دوشنبه پنجم ماه جاری چهار ساعت قبل از ظهر به منزل شخصی تشریف بیاورید که ملاقات حاصل و حضوراً در این باب جواب داده شود. [۱۳۷۲-۵۷]

توقیف مطبوعات و پیامدهای آن (۲)

[۹]

نامه صدیقه دولت آبادی به سید ضیاءالدین طباطبایی برای رفع توقیف روزنامه زبان زنان

از اصفهان

شماره ۱

روزنامه زبان زنان

روز ۹ حمل

سال ۱۳۰۰

مقام منبع آقای رئیس الوزراء

در کابینه آقای سپهدار اعظم بدون حرف حسابی قانونی غفلتاً آقای حاکم اصفهان



صدیقه دولت‌آبادی | ۱۷۱۲-۴

حسب‌الامر آقای رئیس‌الوزراء روزنامه زبان زنان^۱ را به بهانه اینکه گویا امتیاز نداریم توقیف کرد. هرچه ما داد زدیم که امتیاز در سال ۱۳۳۷ تحت نمرة ۵۱۸۰ از وزارت جلیله معارف به نام من «صدیقه» صادر شده است، کسی گوش نداد. در تاریخ ۱۳ برج دلو ۱۲۹۹ مرقومه‌ای از طرف آقای رئیس‌الوزراء تحت نمرة ۱۱۱۴۶ در جواب نگارش نمرة ۹۹ من واصل گردید که در پنجم [جمادی‌الثانی] سال ۱۳۳۹ شرحی جواباً عرض کردم و تاکنون از طرف اولیای امور توجه به عدالت نشده است و اداره ما گرفتار بی‌تکلیفی و مقروض و پریشان مانده است.

۱. دو هفته‌نامه، ویژه بانوان، اولین روزنامه‌ای که کلمه زن در عنوان آن وجود دارد، خانه مدیر آن از طرف مخالفان سنگ‌بازان شد و وی ناچار عازم تهران گردید.

اینک که کابینه جوان تحت ریاست حضرت اشرف شیخ نویسندگان تشکیل یافته، لزوماً یادآوری نموده استدعا دارم بذل توجه فرموده که بیش از این اداره روزنامه ما به جرم حق‌نویسی و ایران‌پرستی گرفتار به حبس نامعلوم نباشد. اگر مقصود کامکاری دشمنان ایران بود آن هم گویا برای آرزومندانش کافی بوده باشد.

مدیره روزنامه زبان زنان

صدیقه دولت آبادی

[در حاشیه:] انطباعات سابقه داده و جواب را تهیه نماید. ۲۸ حمل ۱۳۰۰

[۴۴۳۵ - ن]

[۱۰]

انامه وزیر معارف به سیدضیاءالدین طباطبایی برای رفع توقیف روزنامه زبان زنان

وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

دائرة انطباعات

نمره ۳۵۹

تاریخ ۲۹ برج حمل [۱۳۰۰]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

معروضه مدیره جریده زبان زنان دائر بر تقاضای رفع توقیف جریده مزبوره واصل گردید. اینک توضیحاً معروض می‌دارد که در زمان تصدی آقای سپهدار جریده مزبوره بدون مراجعه به وزارت معارف از طرف حکومت اصفهان توقیف گردید. در تعقیب تظلم مدیره مزبوره وزارت معارف از ریاست وزراء وقت کسب تکلیف و درخواست رفع توقیف نمود. جوابی به امضای آقای سپهدار اعظم به این مضمون واصل گردید که جریده مزبوره به واسطه بعضی ملاحظات سیاسی توقیف شده است. اینک اگر حضرت اشرف صلاح می‌دانند مجدداً اجازه انتشار داده شود.

رضاقلی^۱

[در حاشیه:] عینی معروضه لفاً اعاده داده شد. ضبط شود.

[۴۴۳۴ - ن]

۱. رضاقلی خان نیرالملک هدایت وزیر معارف دولت سید ضیاءالدین طباطبایی.

اشرف امع ابوالعارف والمکارم آقای وثوق‌الدوله روحی فداه و مدیریت بنده فقط برای خدمت به ادبیات تأسیس گردیده.

ولی در غیبت و مسافرت آن حضرت رهی نتوانست کاملاً به وظیفه ادبی خود رفتار نماید چنانچه کتاب سرگذشت اردشیر هم که به تصدیق همان بزرگوار یگانه، بر تمام دواوین شعری که در سیصد سال به این طرف از این نمط شعر گفته‌اند رجحان دارد - و پس از تقبل آن حضرت مخارج طبع و نشر را که بالغ بر دوهزار تومان است بنده مأمور انجام حک و اصلاح آن بودم - به همان حالت اولیه باقی ماند و حک و اصلاح به انجام نرسید (چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود).

باری به مناسبت اینکه برخلاف جراید امروزی من در دو روز ده رو و صد زبان و هزار لباس نمی‌توانستم داشتن هر کابینه نو خسارتی تازه برایم ارمغان می‌آورد و کابینه نحوست زای اخیر به دست توقیف و تهدید یکباره سرمایه‌ام را به باد داد:

برتاب عنان وحید از این راه	تا چند ز راستی فسانه
مفروش چنین متاع جانکاه	زیرا که نمی‌خرد زمانه
از راستی است زیر خرکاه	حمال پلاس استوانه
در کجرویند اختر و ماه	بسر چسرخ گرفته آشیانه
کج شد چو کمان هرانکه ناگاه	زد تیر مراد بسر نشانه
ور زانکه زمن نمی‌نیوشی	باید به علاج خویش کوشی
چون تیغ دو رویه باش و خونخوار	تا لعل بدامننت نشانند
یک روست سپر چو روز پیکار	شمشیر کجش به فرق رانند
بشکن چو فلک نبسته زنه‌ار	تا بر سر اخترت فشانند
زالماس هزار رو به بازار	صد بسدره زر بها ستانند
و ایینه که یک زبان به گفتار	چو بیینه قفس سزاش دانند
وز فیض دو روی و صد زیانه	زد دست به زلف یار شانه

نقل از مجله ارمغان - شماره نخست سال اول

ولی همه فوق السماک محلها	ولکن لحظی من الحضیض نصیب
رای الفلک الدوار سعی فقال لی	اتسئلینی خطا دانت ادیب

پس از آنکه در پایان شب سیاه صبح سپید زمامداری بندگان حضرت اشرف طلوع کرد امیدوار شدم که عن قریب آب رفته ارمغان به جوی باز آید و کاخی را که بزرگواری یگانه شالوده ریخته به دست همت دومین بزرگ استوار گردد. ناگاه، برخلاف امید، خبر رسید که در ضمن توقیف تمام مطبوعات مجله ارمغان هم توقیف شد. اینک برای

درخواست اجازه طبع یک مجله پرهیزکار از سیاست و هم دریافت جواب عریضه محتویه بر قبض اشتراک سال اول که اخیراً در خراسان ارسال حضور مقدس شده، رباعی ذیل را از لحاظ انور گذرانیده و ادای وظیفه حقیقی شاعرانه خویش را موکول به موقع فرصتی می‌دارم که به همراهی حضرت مستطاب اجل آقای فهیم الملک دام اقباله شرفیاب حضور معرفت دستور خواهم شد.

رباعی

ای مرد هشیوار سیاست انباز وای برگ صلاح ملک و علت ز تو ساز
تو صبح سعادت سپیدی؛ مپسند بر من که شود شام سیاهم آغاز
وحید

[۴۳۳۵ و ۴۳۳۴ - ن]

[۱۲]

[نامه احمد قوام السلطنه مبنی بر آزادی انتشار مجله ارمغان]

ریاست وزراء

تاریخ ارسال ۲۹ جوزاء ۱۳۰۰

حکومت نظامی طهران

مجله ارمغان، که یک مجله ادبی است و تحت مدیریت آقای وحید اصفهانی طبع و نشر می‌شود، کماکان آزاد است که انتشار یابد؛ قدغن نمایند از طبع و نشر آن ممانعت نکنند.

[۴۳۳۳ - ن]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع [۱۳] علوم انسانی

[نامه فرخ دین پارسا به مشیرالدوله و اعتراض به تبعید همسر و خسارات مالی از توقیف مجله جهان زنان]

۱۸ حمل ۱۳۰۱

مقام منبع مبارک ریاست وزراء عظام دامت عظمة

با کمال احترام مصدع خاطر مبارک می‌گردد: در جواب عریضه خانم محترم فدوی که استدعای توجه به قوانین آسمانی و موضوعه مملکتی را نموده و از نتیجه آن جبران

خسارت، اعاده شرف، اجازه مراجعت، شروع به انتشار مجله جهان زنان^۱ در انجام خدمات نوعیه را منتظر بود، عدم اقتضای موقع را برای انجام مستدعیات مشارالیه مانع تعیین فرموده و به اجرای هیچ یک از قوانین تصمیمی اتخاذ نفرموده‌اند.

مشارالیه و فدوی چون قدرت استکفاف از انجام اوامر دولت را در خود نمی‌بینیم نه هوچی و نه جزو حزب و دسته، نه بسته به نظام و نه دارای تشکیلات اجتماعی و غیره و غیره می‌باشیم. ناچار برای انجام اوامر مبارک حاضر می‌شویم. ولی ای کاش مجلسی هم افتتاح نمی‌شد و مشروطیتی در ایران جریان نمی‌یافت و قوانینی وضع و تدوین نمی‌گردید که در مقابل این نظام مراجعه به مواد قانون اقلماً ما را عصبانی نمی‌کرد و تحریک به دادخواهی و احقاق حق نمی‌نمود!

به هر حال، اکنون یک عائله هفت نفری با اطفال معصوم برای قبول این مظالم حاضر است، اما آیا باید دارای حیاتی باشند که بتوانند تحمل نمایند؟

مطابق صورتی که لفاً از لحاظ مبارک می‌گذرد و قسمتی از آن نیز به مجلس مقدس شورای ملی (به تصور حقیقت و معنویت آن) عرض شده است - از قبول این مظالم تاکنون قریب دو هزار تومان و کسری^۲ خسارت متوجه فدوی شده است که در مقابل آن پنج ماه از بابت حقوق خدمت در اداره شوسه طهران به قم و عراق مبلغ سیصد و پنجاه تومان از قرار ماهی هفتاد تومان به فدوی عاید گردیده است.

متأسفانه تقصیری که فدوی برای خود اذعان و اعتراف می‌نماید همسری و همفکری با یک نفر خانم ایرانی مسلمان دانشمند معارف دوست و وطن‌پرست است و این گویا از توجه اولیاء معارف‌پرور دولت ایران بزرگ‌ترین تقصیر برای اشخاص است که باید مجازاتها و خسارات متنوعه را متحمل شوند؟!

خداوند علیم شاهد و گواه است که دیگر فدوی و خانم محترم را نه اندوخته و نه لباس و نه حتی اعتبار بیش از هزار تومان اعتبار است والا شرافت خود را باز هم حفظ نموده از عرض چنین عریضه که به در یوزه‌گری شبیه است خودداری می‌نمودیم.

در این صورت و با نداشتن معیشت چه قسم می‌فرمایید اوامر مبارک را اجرا نموده و محکوم مقتضیات شده برای خواندن قوانین آسمانی و زمینی بی‌سواد و عامی صرف شویم؟ اگر مقتضیات اجازه جبران خسارت و اعاده شرف و مراجعت خانم را عاجلاً نمی‌دهد اقلماً برای بهتر مراعات شدن همان مقتضیات قبل از آنکه حب حیات مخالفت با آن را ایجاب نماید مقرر فرمایید حفظ حیات یک عائله را در نظر گیرند.

۱. مجله ماهانه ویژه بانوان. این مجله به مدیرمسئولی فرخ دین‌پارسا منتشر می‌شد و همسرش خانم فخرآفاق پارسا نیز با وی همکاری می‌کرد. خانم فخر آفاق نخستین بانویی بود که به سبب فعالیت مطبوعاتی تبعید شد.

۲. در متن «کثری»

به طور خلاصه استدعای فدوی از طرف خانم محترمام احضار و جبران خساراتی که لفاً صورت داده شده و اجازه انتشار مجله است و از طرفی تا موقعی که مشارکین باید برای مراعات مقتضیات (!) از طهران دور و از خدمات نوعی محروم باشند تعیین محل مخارج او و هفت نفر اطفال حقیر و عائله بی‌گناهی می‌باشد که مطابق صورت معروضه مقرر فرمایید عاید دارند - و حاضر است اختیار دهد که این مبلغ را توسط هر اداره یا هر شخصی که آن مقام منبع صلاح بداند به مصرف مخارج برساند و اگر اضافه بر مخارج آنها بود مازاد را ضبط نماید که تصور استفاده‌ای نرود. امیدوار به اتخاذ تصمیم عادلانه آن مقام منبع است.

فرخ دین پارسا^۱

آدرس: قم

صورت خسارات داده به فدوی و خانم محترمام به واسطه تحمل بارگران تبعید جابرانه و خلاف و خلاف قانون از ۶ عقرب ۱۳۰۰ تا حمل ۱۳۰۱

نمبره ترتیب	نرخ خسارات	مبلغ دینار - قران
۱	مخارج انتشار پنج شماره مجله جهان زنان در مشهد و طهران ^۱	۵۰۰۰
۲	خسارات معینه بابت فروش اثاثیه و ارزاق تهیه شده که به مجلس شورای ملی نیز عرض نموده است. ^۲	۴۰۰۰
۳	قیمت ملبوسی که در جامه‌دان بوده و بواسطه تسریع در حرکت از دستگاه افتاده و مفقود گردیده به مجلس شورای ملی هم عرض شده است. ^۳	۲۵۰۰
۴	مخارج شش ماهه قناعت‌مندانه یک عائله هفت نفری در موقع زمستان که وارد قم گردیده است از قرار ماهی یک صد و پنجاه تومان	۹۰۰۰
	جمع	۲۰۵۰۰

(۱) قریب دویست تومان از مشترکین مجله دریافت شده که چون ایفای عهد

۱. فرخ دین پارسا سابقه‌ای طولانی در نشر مطبوعات دارد. وی در انتشار هفته‌نامه اجتماعی اخلاق، مجله ماهانه جهان زنان، مجله ماهانه راهنمای تجاری ایران و مجله ماهانه عصر جدید تلاش بسیار داشته است.

ن توانسته است قطعاً باید مسترد گردد.

(۲) در ششم عقرب حکم تبعید فدوی با خانم محترم و اجبار در حرکت بیست و چهار ساعته صادر و آنچه احتیاج زمستانی برای یک خانواده هفت نفری تهیه شده بود با تعدادی ائاثیه خانه به جهت تسریع حرکت به نصف و ثلث قیمت به معرض فروش گذاشته که قروض خود را پرداخته و حرکت نماید و از این راه مبلغ فوق را تحمل خسارت نمود.

(۳) جامه‌دان لباس فدوی و خانم و اطفال در راه از دستگاه افتاده و هرچه تفحص نمود نیافت مخصوصاً در همان موقع به رئیس چاپارخانه قم و مأمور ژاندارمری قلعه محمدعلیخان که در آن نزدیکی جامه‌دان افتاده بود اطلاع داد که تحقیق و تفحص نماید. این هم بواسطه لزوم در تسریع حرکت بوده است.

(۴) خرج مسافرت که دولت متحمل بود، در این صورت قید نشده است.

[۴ و ۳ و ۲ - ۱۵/۴۹۱]

[۱۴]

[تشکر فخرآفاق پارسا مدیر مجله جهان زنان از احمد آذری]

سواد مراسله خانم فخرآفاق پارسا مدیره مجله جهان زنان ۴ ثور ۱۳۰۱

هم قلم محترم

این اواخر می‌بینم یا به وجود مقتضیات و یا به جهت تذکارات همسر محترم مظلوم‌نوازی فرموده و به حال من بدبخت دور از وطن در جراید مرکزی دلسوزیها می‌شود. من در مقدمه، چه این فریادها اثر بدهد و چه ندهد، شخصاً مدیون تشکر و در نتیجه اگر اثری بر آنها مترتب شد مرهون بلکه خجل از سپاسگذاری خواهم بود ولی برای آنکه خودهم فریادی زده یادآوری کرده باشم استدعا می‌کنم:

تاروخ من افسرده نشده و تندباد ظلم و اعتساف یأس را در قالب من تزریق ننموده (که امیدوارم قبل از مرگ ننماید) اقدامی عملی تر بفرمایید تا بلکه بتوانم مولود نازپرورم، جهان زنان را در آغوش محبت گرفته پرورش دهم.

مدیره مظلومه جهان زنان، فخرآفاق پارسا

سواد مطابق اصل است.

[۷ - ۱۵/۴۹۱]

[۱۵]

نامه احمد آذری مدیر جریده نهضت شرق به مشیرالدوله
و تقاضای استخلاص مدیر مجله جهان زنان]

۹ برج ثور ۱۳۰۱

نهضت شرق

نهضت اسلام

(۱۳۴۰)

بندگان حضرت اشرف اعظم آقای مشیرالدوله رئیس الوزرای ممالک محروسه ایران دامت شوکتہ
با کمال افتخار لفاً سواد مراسله خانم فخرآفاق پارسا مدیره مجله جهان زنان را که به
حکم دولت به قسم تبعید شده است از نظر مقدس می گذرد.
جریده نهضت شرق از رأفت و بزرگواری بندگان حضرت اشرف منتظر است که بذل
توجهی فرموده خانم مزبور را اجازه و رخصت مراجعت به طهران بفرمایند و متنی به
کارکنان این روزنامه بگذارند.

الامر الاشرف مطاع

احمد آذری

[در حاشیه:] به عرض می رسد. به آقای آذری تلفون شد؛ امروز بعد از ظهر خودشان به
هیئت می آیند در این باب مذاکره نمایند.

| ۱۵/۴۹۱-۶ |

[۱۶]

نامه فخرآفاق پارسا مدیر مسئول مجله جهان زنان به مشیرالدوله
و تقاضای تعیین تکلیف برای بازگشت از تبعید]

۱۴ ثور ۱۳۰۱

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

ضمن مندرجات شماره ۳۱ جریده شریفه اقدام ذیل معروضه استمدادیه کمینه
شرحی اشعار داشته اند دال بر اینکه اجازه مراجعت کمینه از طرف حضرت اشرف
مرحمت شده است. هنوز نمی دانم محیط و سیاست آن مقام منبع را و ادار به تکذیب
مندرجات مذکوره کرده است یا خیر؟
در صورت تکذیب همان طور که مکرر عرض استدعا شده - و این کار دوسیه قطوری

در مجلس و کابینه محترم ریاست وزراء تشکیل داده است - مستدعی است تکلیف مخارج گذشته و آینده کمیته و عائله بیچاره را معین فرمایید. در صورت عدم تکذیب و صحت مندرجات مذکوره و اذعان به مرحمت این اجازه، مقرر فرمایید که آیا همین آزادی مراجعت است یا آن که به خسارات متوجه کمیته و همسر محترم نیز که به آتش کینه سوخته است توجهی می شود و آیا مجله نوزادم در آغوش نازپرورم برای پرورش گذاشته خواهد شد؟ کمیته مظلوم شدم ولی متمرّد نمی توانم بشوم. دیروز کمیته را کتباً امر به توقیف و انتظار موقع مساعد فرمودید، امروز چطور شفاهاً یا برطبق مندرجات یکی از جراید آزاد متمرّد شده و مراجعت نماید؟

به هر حال منتظر است در صورت تصدیق مندرجات مذکوره و نسبت به اجازه حضرت اشرف مقرر فرمایید معلوم نمایند که برای انتشار مجله هم آزادی خواهد داشت و توجهی به خسارات متحمّله و قروض کمیته هم خواهد شد یا به همان آزادی سارقانه و مخفیانه باید قناعت نمایم؟

اگر اولی است مرقوم فرمایید تا مشتاقانه پرواز نماید و اگر ثانوی است و باید مخفیانه آزاد باشد (!) برای من توقف قم در همین حال زنده به گوری بهتر است تا داشتن آزادی به دزدی! بالاخره در صورتی [که] تاکنون محکوم به اعدام نشده‌ام مقرر فرمایید محل معیشت کمیته را معین فرمایند که تحت حکم اجبار امرار حیات بتوانم.

مظلومه مدیره جهان زنان

فخرآفاق پارسا

[۵-۴۹۱/۵]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

[۱۷]

[نامه زین العابدین رهنما به مشیرالدوله]

به تاریخ ۴ برج ثور ۱۳۰۱

تهران

روزنامه یومیه «ایران»

نمره ۲
۱۳۴۹

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکت

مراسله‌ای توسط این اداره رسیده که لفاً تقدیم می شود. متمنی است بذل توجه فرموده که خاتمه به اوضاع ناگوار این فامیل داده شود.

ایام شوکت مستدام باد

ز. رهنما

[در حاشیه:] کابینه، چقدر از طرف دولت داده می‌شود؟
از طرف دولت چیزی داده نمی‌شود فقط آقای فرخ دین در اداره راه ماهی هفتاد تومان دریافت می‌دارند. عجالتاً ضبط شود.

| ۱-۴۹۱/۱۵ |

[۱۸]

[نامه مدیر روزنامه میهن به قوام‌السلطنه در مورد حمله آژانها به دفتر روزنامه]

به تاریخ ۲۵ برج سرطان ۱۳۰۱

اداره روزنامه میهن

«تهران»

نمره ۲۵

" "

مقام منبع هیئت وزراء عظام دامت شوکتہ

دیشب یک ساعت قبل از نصف شب یک عده آژان به اداره میهن و مطبعه‌ای که روزنامه در آن به طبع می‌رسد حمله‌ور شده برخلاف تمام قوانین جاریه دنیا دو روزنامه هفتگی و یومیه میهن^۱ را توقیف می‌نمایند. سپس یک عده اشرار مجهول‌الهویه به دفتر اداره به خیال سوءقصد به مدیر حمله‌ور شده اظهار می‌دارند که با اجازه رئیس‌الوزراء می‌خواهیم سزای مدیر میهن را بدهیم. تا اجزاء اداره پلیس اخطار می‌کنند حمله کنندگان فراری شده‌اند ولی در اواخر شب باز آنها را در حوالی اداره دیده‌اند.
از این ساعت من امنیت جانی و مالی و شرافتی ندارم، بدیهی است هیئت معظم دولت مسئول هر حادثه خواهد بود.

مدیر و مؤسس

[ابوطالب بنان‌السلطنه شیروانی]

| ۳۴-۱۳۴۱ |

۱. نشریهای که به صورت روزنامه و هفته‌نامه در طی سی سال به عناوین مختلف منتشر می‌شد. در دوره اول که توقیف شد و ستاره شرق به جای آن ظاهر گردید مدیر آن توقیف و زندانی شد و به او شلاق زدند. در دوره‌های بعد به نامهای تهران امروز، تهران مصور و عالم چاپ شد.

[۱۹]

[توضیح و استداهل در مورد حمله به نشریه روزنامه میهن]

مورخه ۲۴ شهر ذی‌العقده الحرام مطابق ۲۹ برج سرطان ۱۳۴۰ نظمیه طهران
نمره ۱۶۱

خدمت ذی شوکت حضرت مستطاب اجل امجد اکرم عالی آقای شکوه‌الملک دام اقباله العالی
عین مراسله روزنامه میهن را که یک عده آژان برای توقیف روزنامه به اداره مزبور
حمله‌ور گردیده و بعد جمعی اشرار مجهول‌الهویه به دفتر روزنامه میهن به خیال
سوء قصد نسبت به مدیر آن هجوم نموده‌اند به این اداره ارسال و مقرر فرموده‌اند اقدام
مقتضی به عمل آید. با اعاده مراسله فوق‌الذکر، اطلاعاً تصدیح می‌دهد توقیف روزنامه
مطابق بیانیه صادره و حکم هیئت محترم دولت بود و فقط یک نفر آژان به دفتر روزنامه
مزبور رفته و توقیف آن را اخطار نموده است. درخصوص اشخاص مجهول‌الهویه هم به
مجرد وصول مراسله روزنامه میهن یک نفر آژان برای محافظت و مراقبت به اداره مزبوره
اعزام و هنوز هم احضار نشده است و در آنجا توقف دارد. رئیس کل تشکیلات نظمیه
و استداهل

| ۱۳۴۱-۳۳ |

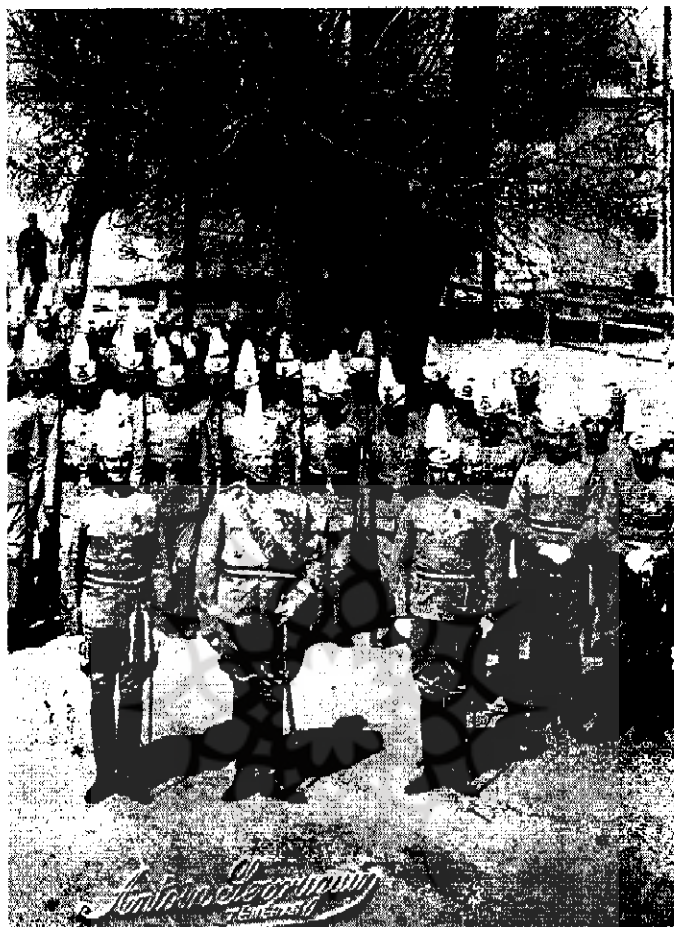
[۲۰]

[تلگراف شکوه‌آمیز اتحادیه علمای اصفهان از برخی جراید]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از اصفهان به طهران نمره قبض ۱۲۹۲۷ نمره تلگرافی ۱۴۴ تاریخ وصول ۱۳۰۱ |
مقام محترم ریاست وزراء عظام، کپیه: جریده ایران، کپیه: حضور امنای دارالشورای
کبری شیدالله ارکانه

تاکی باید به عرض و ناموس محترمین اهالی ایران دستخوش هواوهوس اکاذیب
جریده نگاران بوده باشد و همه روزه یک خیال باطل اسباب مفاسد دین و دولت شوند؟
و البته تصدیق می‌فرمایند جریده نگاران عالم عاقل و وطنخواه اروپا را نمی‌توان قیاس به
جریده‌نگاران معلوم حال جاهل ایرانی نمود که غالب آنها می‌خواهند به عنوان جریده
نگاری خود را از سوء سابقه تطهیر نمایند. اگر قانونی قلم آزاد دست حفظ عرض و



استاداهل رئیس سوندی تشکیلات نظمیہ نفر جلو همراه
با تعدادی دیگر از افسران ایرانی و سوندی | ۴۰۶۰-۱۴

رتال جامع علوم انسانی

ناموس اهالی هم قانونی است.

مستدعی است علاجی از برای تجاوزات اینها بفرمایید و اگر باید قانونی از برای آنها در مجلس مقدس وضع شود که جلوگیری از اعراض و تجاوزات و مفساد جزاییه آنها از برای دولت و ملت بشود.

اتحادیه علمای اصفهان

[۱۳۷۵-۱۴]

[۲۱]

[نامه جامعه اهل منبر و شکایت از روزنامه میهن]

بسمه تعالی

از طرف هیئت جامعه اهل منبر زادالله توفیقاتهم

حضور محترم هیئت محترمه وزراء عظام دامت شوکتهم

تصدیع عرض می‌دهد که چنانچه هفته قبل درخصوص جسارات مدیر جریده میهن در تحت نمرة (۳) شرحی حضور مبارکتان عرض و اظهار شد، در حسب تکلیف شرعی مجازات آن شخص جسور را فوراً استدعا و تمنی نمود. و تاکنون از طرف قرین الشرف جوابی و تکلیفی که سبب اطمینان عامه، خاصه این مجمع دعاگویان جامعه اهل منبر، به مقام با شرافت دولت اسلامیة دامت شوکتہ بشود نرسیده این است که لزوماً و مجدداً تصدیع می‌نماییم که زودتر فوراً جواب مساعد رحمت شود تا آنکه اسباب اطمینان و خوشوقتی عموم شود و اگر نه محتمل است از عامه و خاصه بعضی اقدامات شود که اسباب زحمت اولیاء عظام دولت قوی شوکت شود و بالخصوص از مقام منبع ریاست وزراء محبوب خودمان دامت شوکتہ انتظار اقدام جدی کافی وافی برای جلوگیری از محاذیر فوراً داریم.

ایام شوکت مستدام باد.

رئیس جامعه اهل منبر

سلطان المتکلمین

| ۴۳۸۲-ن |

[۲۲]

[نامه قوام السلطنه به علماء در مورد تعطیلی روزنامه‌های میهن و پژوهش]

ریاست وزراء

نمرة ۵۸۷۵

به تاریخ ۲۸ برج میزان ۱۳۰۱

خدمت ذی‌شرافت جنابان مستطابان ملاذالانام حجج الاسلام آقایان علماء اعلام دامت برکاتهم مرقومه شریفه راجع به جریده میهن و پژوهش^۱ زیب وصول داد. به طوری که اشعار و تقاضا فرموده‌اند امر شد این دو روزنامه توقیف ابدی و مدیران آن تبعید شوند. ضمناً

۱. روزنامه خبری، دو شماره در هفته. مدیر میرزا ابوالقاسم کخالزاده سال ۱۳۰۱ در تهران منتشر می‌شد.

کخالزاده در سال ۱۳۰۴ روزنامه خبری استقلال وطن را نیز منتشر می‌کرد.

خاطر محترم آقایان را متذکر می‌شوم نظر به اینکه تقاضایی را که از هیئت دولت فرموده‌اند انجام شده دیگر علتی برای اجتماع متصور نیست. مقتضی است به قاطبه مجتمعیین نصیحت و تأکید فرمایند که متفرق شده و به کارهای خود مشغول شوند.
[۲۸۴-۱۳۴۱]

[۲۳]

[شکایت میرزا محمد فرخی یزدی به رضاخان سردار سپه از توقیف غیرقانونی طوفان]

وزارت جنگ

سواد عرضحال مدیر طوفان

مورخه ۱۷ سنبله

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف آقای وزیر جنگ دامت شوکته

چنانکه خاطر مبارک مستحضر است خاتمه تحصن به اتکاء قول و امضای حضرت اشرف صورت گرفته و تنها مسئله که این جانب را برای خروج از تحصن قانع نمود همان تعهدات و تضمینات آن مقام منبع بوده و چنانچه البته در خاطر باقی است یکی از سواد مشروط مصونیت طوفان^۱ در حدود قانون از تعرض توقیف می‌باشد. متأسفانه بدون هیچ‌گونه نص قانونی در کابینه آقای قوام‌السلطنه طوفان قریب دوماه و نیم دستخوش توقیف و از این راه لطمه اقتصادی بزرگی که جبران آن به این زودی ممکن نیست به اداره طوفان وارد آمد و با اینکه مکرر به هیئت دولت وقت تذکر داده و دوسیه کامل آن نیز در پارلمان و هیئت وزراء مضبوط می‌باشد عموماً به وعده‌های بی‌نتیجه گذرانیده شده است. اکنون فقط به پاس حفظ احترام امضا و قول حضرت اشرف چنانکه حضوراً هم تعهد فرموده‌اند متمنی است به دوسیه کامل خسارت وارده مراجعه و چنانچه لازمه ایفای به عهد است هرچه زودتر در حدود قانون کارکنان طوفان را رهین امتنان و تشکر فرمایید.

فرخی مدیر طوفان

[۹۵۸۲ - ن]

۱. روزنامه سیاسی تندرو، سه شماره در هفته، به صاحب امتیاز فرخی یزدی، بعدها فرخی در زندان کشته شد. وی علاوه بر این روزنامه هفته‌نامه ادبی و تاریخی طوفان هفتگی را نیز منتشر می‌کرد.

[۲۴]

اگزارش اداره نظمیہ در چگونگی توقیف روزنامه طوفان و درگیری با مدیر آن

اداره نظمیہ
پلیس تأمینات

نمره راپورت - شعبه اول
طهران به تاریخ ۳ برج قوس ۱۳۰۱ موضوع توقیف روزنامه طوفان
متن راپورت

مقام محترم ریاست پلیس تأمینات، در لیلہ جمعہ ۲ برج جاری کہ کشیک شب بہ عہدہ این بندہ محول بود در ساعت نہ و نیم بعد از ظہر حضرت معاونت کل تشکیلات بہ توسط تلفون از کمیساریای مرکز بندہ را احضار و مقرر فرمودند کہ بہ مطبعہ روشنائی رفتہ و روزنامہ طوفان [را] کہ تحت طبع است توقیف نمایم. این بندہ بہ اتفاق یک نفر آژان بہ مطبہ مزبور رفتہ بدو مسئول مطبعہ را خواستہ سنوال نمودم کہ چہ روزنامہ را مشغول طبع ہستید. جواب داد طوفان و عصر جدید تحت طبع است. بعد بہ اتفاق ایشان بہ اطاق مطبعہ رفتہ در صورتی کہ آقای فرخی مدیر روزنامہ طوفان ہم جلوی میز ایستادہ و مشغول دستورات بہ صفحہ بند بودہ. بندہ ابلاغ توقیف روزنامہ طوفان را بہ مسئول مطبعہ گفتہ.

بعد آقای فرخی شروع بہ ہتاکی نسبت بہ آقای قوام السلطنہ نمود. و مخصوصاً بہ ریاست محترم تشکیلات ہم فحاشی زیاد نمود و اظهار داشت از فردا در این شہر انقلابی فراہم بیاورم کہ ہر تکہ از اعضای بدن مأمورین تأمینات و نظمیہ بہ دست ہزارہا کارگر می افتد؛ و بعد از بندہ حکم کتبی خواستہ فوراً پلاک خود را بہ ایشان ارائه کہ مجدداً بہ عنوان ابوالہولہای تأمینات شروع بہ فحاشی نمود و گفت اگر ادارہ نظمیہ مطابق دستورات آقای قوام السلطنہ رفتار می کند و خود را طرفدار اجنبی نمی دانند پس چرا کاغذی را کہ من بہ نظمیہ نوشتہ و تقاضا نمودم کہ بہ امر کدام مقام مرا مدت ۱۸ ساعت در تأمینات توقیف نمودہ جواب ندادند؟

بعد کارگران مطبعہ روشنائی بنا بہ اظهارات فرخی با بندہ طرف مشاجرہ شدہ و مانع از توقیف حروف روزنامہ شدند. این شد کہ مجدداً بہ توسط تلفون از مقام محترم معاونت کل کسب تکلیف شدہ البتہ بہ ہر طور بود حروفات روزنامہ طوفان را از یکدیگر جدا نمودہ و التزام گرفتہ شد کہ طوفان را درج نمایند، و فرخی ہم بہ کارگران مطبعہ اظهار داشت کہ اگر مأمورین تأمینات قصد بردن حروف مطبعہ را داشتند بہ من اطلاع بدہید تا جلوگیری نمایم و بعد از درب اطاق خارج شد. تا اینکہ صبح جمعہ از ساعت

هفت و نیم از ناحیه دولت تقی خان نایب دوم به توسط تلفون اطلاع داد سر مقاله را که فرخی شب قبل می‌خواست در طوفان درج نماید و توقیف گردید امروز در روزنامه بیکار درج و توزیع شده. مراتب را فوراً به منزل آقای معاون کل اطلاع و دستور دادند که به کمیساریای مرکز تأکید شود که روزنامجات بیکار را توقیف و از مطابع نیز التزام گرفته شود که روزنامه بیکار را درج نمایند. مطابق دستور به کمیساریای مرکزی ابلاغ و مراتب را جهت اطلاع عرض می‌نماید.

عضو شعبه اول
[امضاء؟]

[در حاشیه:] به مقام ریاست تقدیم دارند.

[۹۱۶۹۳-۱۳۴۱]

[۲۵]

اگزارش اداره نظمیہ در چگونگی توقیف روزنامه طوفان

اداره نظمیہ
پلیس تأمینات

راپورت

طهران به تاریخ ۴ برج قوس ۱۳۰۱

متن راپورت:

مقام محترم ریاست پلیس تأمینات

لیله جمعه که کشیک به عهده یوسف خان بهرامی عضو شعبه اول بوده حسب الامر حضرت آقای معاون کل، روزنامه طوفان توقیف و از مدیر طبعه روشنایی التزام گرفته شد که روزنامه طبع نشود. با دادن التزام، روزنامه بیکار که متعلق به کارکنان طوفان بوده با تغییر اسم مدیر طبع و توزیع نموده‌اند. این است راپورت میرزا یوسف خان را تقدیم و مراتب نیز عرض گردید. التزام در کمیساریای مرکز...^۱ ۵۵ ورقه روزنامه هم، که جمع شده، در کمیساریای مرکز توقیف است.

[در حاشیه:] عیناً برای اطلاع بندگان حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمة به

اداره محترمه کابینه ریاست وزراء عظام ارسال فرمایند.

۴ برج قوس ۱۳۰۱
 | اوستداهل |
 | ۹۰-۱۳۴۱ |

[۲۶]

[نامه فرخی یزدی به مشیرالدوله در مورد خسارات وارده به روزنامه طوفان]

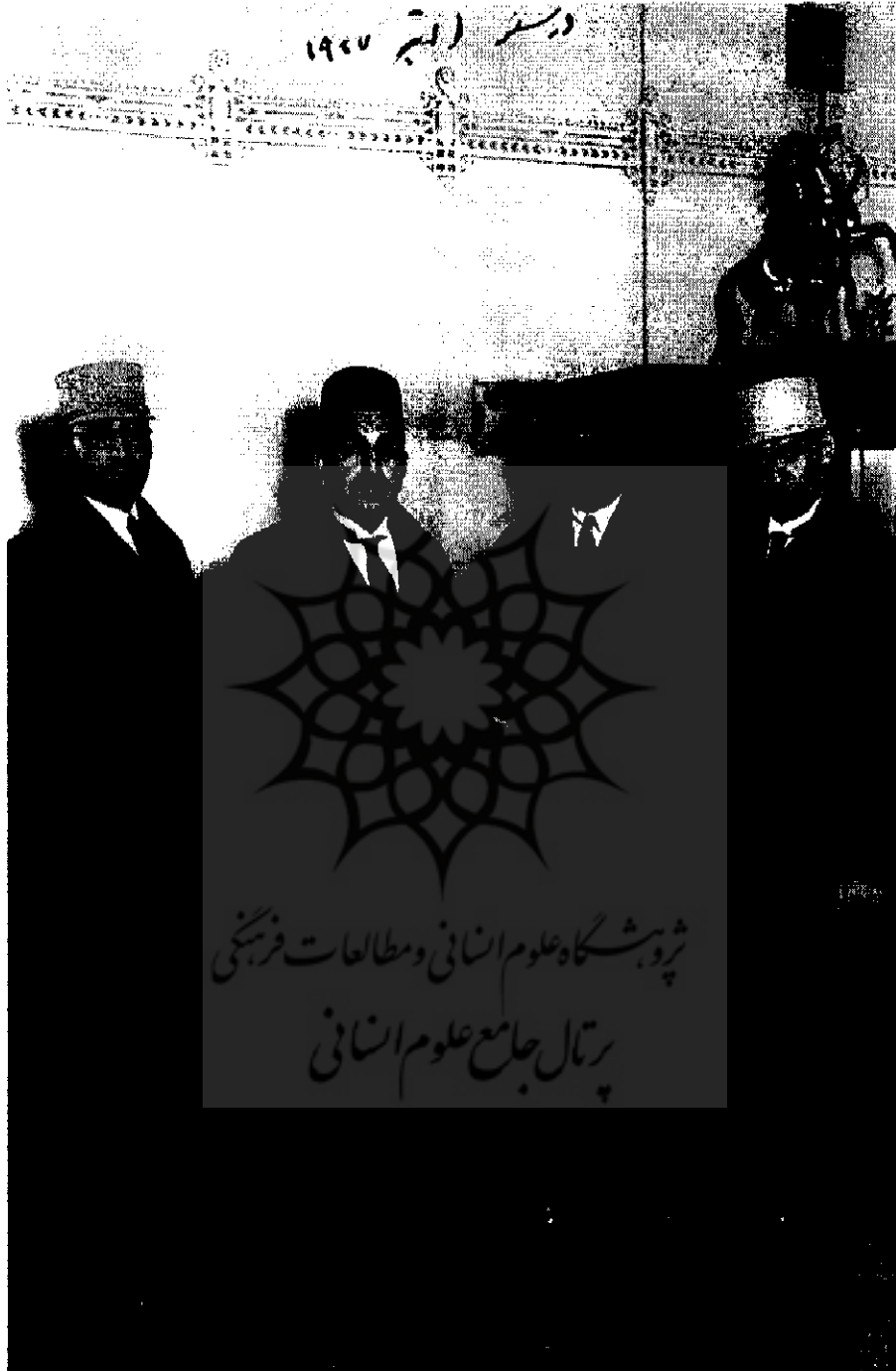
طوفان

نمره ۴۳۵

تاریخ ۳۰ برج سرطان ۱۳۰۲

مقام متبع ریاست وزراء و هیئت محترم دولت دامت شوکتهم محترماً، تذکر می‌دهد: چنانچه خاطر آن هیئت محترم مسبوق است عاقبت مسئله تحصن به شرایطی خاتمه پیدا نمود که آن شرایط در طی مراسله آقای وزیرجنگ به سفارت جمهوری روس مذکور افتاده و اکنون سواد آن به ضمیمه مراسله دوستانه آن سفارتخانه به این اداره موجودی باشد. یکی از آن تضمینات، که مصونیت طوفان از تعرض توقیف در حدود قانون بود، در کابینه آقای قوام السلطنه نقض گردیده و قریب سه ماه طوفان در پنجه توقیف دست و پا می‌زد. در این مدت به موجب دوسیه کاملی که در اداره تقنینه ضبط و آقای مؤتمن‌الملک از جزئیات آن مطلع می‌باشند. قریب ۱۵۰۰ تومان خسارت داخلی و اداری طوفان شد که گذشته از سه هزار تومان خسارت اعتباری از قبیل توقیف روزنامه در پستخانه، لاوصولی آبونمان ولایات عموماً و غیره مبلغ فوق در کابینه‌های سابق نیز مطالبه می‌شده است. اگرچه کارکنان طوفان نمی‌توانند تشکرات خود را از آقایان رئیس‌الوزراء و وزیرجنگ و مؤتمن‌الملک و وزیر امور خارجه در جدیتی که برای احقاق حق ایشان نموده‌اند مستور و مخفی بدارند ولی: بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول.

به علاوه پس از اینکه مدتی اوقات آقای رئیس‌الوزراء و هیئت وزراء اشغال و نتیجه نبخشیده است عملی نشدن این مسئله ما را ناگزیر می‌نماید که برای آخرین مرتبه به پاس حفظ آبروی هیئت دولت و متوسل نشدن به غیر توجه آن هیئت محترم را به این نکته جلب نمایم که: کارکنان طوفان می‌توانند تا اثنائیه در اداره باقی است به وعده‌های پی‌درپی مستظهر باشند ولی البته، همان طور که هیئت دولت سزاوار نمی‌دانند مسئله خسارت سابقه شود و مسلماً راضی نخواهند شد توقیف بیجهت نیز برای یک جریده‌نگاری که حیات او بر حیات و شرافت روزنامه متکی است سابقه گردد، به طور تحقیق جایز



از راست: ابوطالب شیروانی، فرخی یزدی، سلیمان میرزا اسکندری و علی دشتی (مسکو ۱۹۲۷) | ۱-۱۴۹۱

نمی‌شمارند که شرافت و حیثیت روزنامه که سعی می‌کنند ملی معرفی شود استیصالاً برای توسل به دیگران لکه‌دار بماند. با این حال، ولو برای احترام هیئت دولت و حفظ امضای وزیر جنگ هم شده، لزوماً مستدعی است توجه عاجلی به وصول این خسارت که در مقابل قرض طوفان به چیزی شمرده نمی‌شود فرموده و به صبر و تحملی که کارکنان این اداره را فرسوده نموده خاتمه دهد زیرا کارکنان طوفان هیچ‌گونه مساعدتی از اولیای امور توقع نداشته بلکه احقاق خود را می‌خواهند.

فرخی یزدی
(طوفان ۱۳۸۸)
[۹۶۰۷ - ن]

[۲۷]

انامه ابراهیم ضیاء الواعظین به قوام السلطنه و شکایت از توقیف روزنامه ایران آزاد

شرکت
روزنامه ایران آزاد
طهران
نمره ۷۰۵

مورخ ۶ برج قوس ۱۳۰۱
ضمیمه ندارد

مقام منبع هیئت وزراء عظام دام‌اقباله

متجاوز از یک ماه است که روزنامه ایران آزاد^۱ بدون مجوز قانونی از طرف ریاست وزراء عظام برای دفعه دوم توقیف گردیده و از این رهگذر خسارت مهمی نسبت به مؤسسه روزنامه وارد آمده است. لهذا در تعقیب مراسله سابقه تذکر می‌دهد که خسارت مزبور متوجه دولت خواهد شد و تأدیه آن هم البته به عهده دولت می‌باشد و ضمناً متذکر می‌شود که خسارت توقیف اولیه هم هنوز نرسیده است.

ابراهیم ضیاء الواعظین
[۲۲۵-۱۳۴۱]

۱. روزنامه سیاسی و اجتماعی تندرو که دو شماره در هفته منتشر می‌شد. بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۱ در دو دوره منتشر شد. یک بار مدیر مسئول آن تبعید گردید.

[۲۸]

اعتراض فرقه دموکرات اصفهان به تعطیلی جراید

مجلس شورای ملی

سواد معروضه از فرقه دمکرات اصفهان

نمره ۹۸ مورخه ۲۹ برج قوس ۱۳۰۱

که منضمماً به مراسله مورخه ۱۳۰۱/۱۰/۹ نمره ۱۵۰۵۶ ارسال می‌شود

ساحت مقدس مجلس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

بعد از هفده سال مشروطیت و چهار دوره تقنینیه هنوز درباره مطبوعات که رکن اعظم مشروطیت و آزادی است عوامل اختناق حکمفرما و متأسفانه مشاهده می‌شود جراید یک به یک، بدون مجوز قانونی، توقیف می‌شوند. این است که به نام آزادی و حکومت ملی اقدام هیئت دولت را راجع به توقیف جراید شدیداً اعتراض و انتظار داریم هرچه زودتر رفع توقیف از جراید شده فقط تجاوزات مطبوعات را بوسیله هیئت منصفه محاکمه و جلوگیری نمایند.

محل امضاء محمدحسین

محل مهر (مجلس محلی اصفهان فرقه دموکرات ایران)

| ۸۶-۱۳۴۱ |

[۲۹]

تلگراف نیرالسلطان به قوام السلطنه در مورد ندای گیلان

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

کشف تلگراف نیرالسلطان

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکتہ العالی

مفتاح نمره ۲، روزنامه ندای گیلان اخیراً صورت خوبی ندارد؛ بیشتر شباهت به یک روزنامه انقلابی دارد. مثلاً ورود اعلیحضرت را در یک سطر خیلی ساده در آخر روزنامه درج کرده، به تمام رؤسای ادارات توهین نموده، از اتاشه نظامی انگلیسیها که اخیراً وارد شده خوش ننوشته [و] اسم حضرت اشرف را هم به خوبی نبرده است. لازم است محرمانه حضرت اشرف به فوریت تلگراف کشف برای توقیف آن صادر شود؛ چه،

بارها نصیحت شخصی شده، مفید واقع نگشته است.

۱ جدی نمره ۳۸
نیرالسلطان
[۱۳۴۱-۲۳۱]

[۳۰]

[سواد تلگراف قوام السلطنه به نیرالسلطان]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۱۸۳۰

تاریخ ارسالی ۴ جدی ۱۳۰۱

رشت، حکومت جلیله

مطابق اطلاعات واصله روزنامه ندای گیلان اخیراً مقالاتی مخالف ماده ۴۹ قانون مطبوعات منتشر نموده است؛ لازم است اداره نظمیّه را به نقض قانون وظایف خود متذکر دارید.

[۱۳۴۱-۲۳۰]

[۳۱]

[تلگراف مدیر ندای گیلان به قوام السلطنه]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از رشت به طهران نمره قبض ۲۲۶۸۹ نمره تلگراف ۵۵۲ تاریخ وصول ۲۸ جدی [۱۳۰۱]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکة

نظر به اینکه حکومت گیلان مایل بود یگانه روزنامه ملی ندای گیلان را که حافظ و حامی حیثیات سیاست دولتی است بر حسب تمایل روسها سانسور نماید این بنده سانسور روزنامه را قبول نکرده و ندای گیلان بدون هیچ جهتی توقیف شد. منتظر بذل توجه و رفع توقیف است. نمره ۴۲۰

مدیر ندای گیلان
مجتهدزاده گیلانی
[۱۳۴۱-۲۳۳]

[۳۲]

[نامه تشکر آمیز هیئت طلاب از تعطیل شدن برخی جراید و بخصوص بدر]

به شرف عرض حضرت اشرف عالی می‌رسانیم:

همیشه دوام و بقاء وجود حضرت اقدس را از خداوند متعال مسئلت نموده و می‌نماییم و غلبه و ظفر آن وجود را بر شیاطین و کسانی که به وسیله ورق پاره‌هایی که سبب برداشتن اتحاد از بین مسلمانان و سلب عقاید مردم نسبت به علماء بوده و سیاست دولت را خراب و اغراض شخصیه خود را اعمال و انجام می‌دادند از درگاه عبودیت خواهانیم. و در هر عصر که اینها نغمات شیطانیه را بلند و اقلام فحاشه را کشیده به واسطه بعضی موانع غیرمعتنی به زمامداران امور سکوت اختیار می‌نمودند. ولی بحمدالله حضرت اشرف چشم از هر طور موانع پوشیده و روزنامه‌هایی که مخرب عقاید و برای برداشتن دین و مذهب دریافت کوشش می‌نمودند، که من جمله از آنها روزنامه بدر است، توقیف نموده.

ماهیت طلاب تشکرات صمیمانه خود را به حضرت اقدس از توقیف جراید هتاکه، علی‌الخصوص روزنامه بدر^۱، را تقدیم می‌داریم ولی بدبختانه از قرار مسموعات بعضی از شیاطین و عالم‌نماها نمی‌گذارند روزنامه مزبوره در توقیف بماند. لهذا وجود مبارک را مسبوق می‌داریم که اینها همانا نظریه سوء را می‌خواهند یا به دوست و یا به هموطنان خود اعمال دارند و امید است که انشاءالله حضرت اشرف مقامات حفظ شرف و اسلام را اولی بر این طور اعمال و اغراض این اشخاص معلوم‌الحال دانسته و هر جریده که پای از حد خود خارج سازد ولو بالاشاره توقیف و امیدواری ملت را نسبت به خود جلب فرماید.

در خاتمه، فریاد می‌زنیم: شکسته باد قلم و بریده باد زبانی که بخواهد حمایت روزنامه‌های توقیف شده را بنماید. و بعد از تمام شدن عرایض، ما امضاءکنندگان از جانب خود و هموطنان عزیز خود استدعا می‌نماییم که امر فرمایید یک هیئت مدقه تشکیل و تمام جراید داخله را به دقت ملاحظه نمایند ولو آنکه به تصریح یا کنایه باشد مجازات آنها را به زودی معین نمایند که باعث تجزّی دیگران نگردد و ممتنی است عرایض ما را پذیرفته و ما و ملت امیدوار را خوشنود فرمایید. زیاده، ایام شوکت و عزت مستدام باد.

[حدود سی امضاء و مهرمختلف]
| ۲۰۵ و ۲۰۴-۱۳۴۱ |

۱. هفته‌نامه خبری به مدیرمسئولی حسنعلی فردوس، ری علاوه بر بدر هفته‌نامه خبری صیحه را در سال ۱۳۰۱ و مجله هفتگی اجتماعی ستاره طرق را نیز منتشر می‌کرد.

[۳۳]

[سوادنامه جمعی از اهالی قم در اعتراض به تعطیلی جراید]

مجلس شورای ملی

سواد عریضه جمعی از اهالی قم

نمره ندارد مورخه ندارد برج ندارد

که منضمماً به مراسله مورخه ۱۹ دلو ۱۳۰۱ نمره ۱۶۴۶۱ ارسال می‌شود

تهران، توسط حضرت مستطاب اشرف والا شاهزاده سلیمان میرزا دام اقباله

مقام منبع رفیع دارالشورای ملی شیدالله ارکانه، کبیه بهارستان، موقع افتتاح کعبه آمال ایرانیان پس انتظارات علت داشته و دارند که اساس مشروطیت و معدلت استوار و بنیان جور و اعتساف کنده شود. مع‌الاسف هرروز خیر اسف‌آوری می‌رسد که جراید پی‌درپی توقیف بدون محاکمه مورد حمله واقع می‌شوند. مخصوصاً جریده اقدام^۱ در این مدت قلیل معرفی خود را در حق‌گویی نمود و باکی از احدی نداشته. هرگاه مشروطیت ایران لفظی نیست آثار آن را علت انتظار دارند. تصور می‌رود این نوع اقدامات اولیای امور لطمه به حقوق ملت وارد آورده سنوال مشمول آن ذوات محترمه است. استدعای عاجزانه معارف خواهان قم این است رفع توقیف جراید خاصه نامه اقدام را خواسته و متی بر سر دعاگویان بگذارید. انتظار اقدامات آزادیخواهانه نمایندگان معظم را داریم. به مهر ۲۱۹ نفر از معارف خواهان

[در حاشیه: سواد مطابق اصل است. رئیس دارالانشاء.]

[۱۳-۱۳۴۱]

[۳۴]

[نامه شیخ عبدالنبی نوری به رئیس الوزراء]

به شرف عرض می‌رساند:

در این موقع که عامه طبقات از اوضاع حاضر، خسته خود را به آسایش عامه و ترقیات مملکت و اجرای قوانین مقدسه اسلامیت به وجود مبارک بشارت می‌دهند،

۱. روزنامه سیاسی و جنگالی که به وسیله احمد دهقان و عباس خلیلی منتشر می‌شد. این روزنامه پس از شهریور بیست مخالف قوام و موافق سید ضیاء‌الدین طباطبایی بود. دو دوره انتشار با فاصله فراوان دارد. در دوره اول یعنی همین زمان‌نامه فوق عباس خلیلی تبعید گردید و به جای آن هفته‌نامه‌های آرزو، بازپرس، بیدار، تهران‌منصور، کانون، محیط، مظفر و ندای آزادی منتشر می‌شد.

مستحضرید کلیه طبقات مسلمین که اجتماعات نوعیه این مملکت را تشکیل می‌دهند در حقیقت وجود مبارک را برای مملکت و مملکت را برای ترویج شریعت می‌خواهند و اگر سایر امور اجتماعی مملکت اصلاحاتش منوط به مقدمات صعب‌الحصولی باشد ترویج شریعت اسلام با موافقت طبیعت نوعیه اسلامی عامه مقدماتی ندارد.

لذا برای بقای عزت و انفاذ قدرت و موفقیت حضرت اشرف و جلب خواطر عامه و جذب قلوب، انتظار داریم امر فرمایید کلیه منهیات شرعیه ممنوع خصوصاً بعضی صاحبان جرأید که هر روز به تحریک اجانب برای تهیه انقلابات و تحصیل بهانه، قانونی از قوانین مقدسه اسلامی را هتک می‌نمایند جداً مجازات بالاخص شماره ۱۶۹ روزنامه اقدام منطبه اول عقب در تحت عبارت منکوسه فلسفه وجود یکسره نوامیس و عصمت مسلمانان را تزییع کرده به نحوی که مایه عبرت بقیه اشرار آشوب‌طلب دین و دنیای مردم گردد سیاست و مجازات شوند، زیاده موفقیت حضرت مستطاب اشرف را برای شوکت اسلام به صمیم قلب مسئلت دارم. من الاحقر عبدالنبی النوری نورالله قلبه
الامرالعالی مطاع

[۹۵۶۸ - ن]

[۳۵]

[نامه ابوالقاسم کاشانی به رضاخان سردار سپه]

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند: بعد از تقدیم دعوات خالصانه، با آنکه هیچ نمی‌خواهم در امور، به خصوص مطالبی که به نظر مستطاب اشرف عالی صورت خارجی به هم می‌رساند، مداخله کنم معذالک لازم شد در باب آقای میرزا عباس مدیر اقدام مصادغت نمایم. مشارالیه از ارادتمندان و اخلاص‌کیشان حضرت اشرف عالی است. اغلب نمرات روزنامه او شاهد این مدعاست. هر دفعه که داعی را ملاقات می‌نمودند از مداحی و ثناجویی خودداری نداشت. شخصاً از فامیل جلیل مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای حاجی میرزا حسین حاج میرزا خلیل طهرانی است. اعمام و بنی اعمامش همه از اعظام علماء هستند. چندی قبل به آقای مکرم‌السلطان که از صاحب‌منصبان نظام و از محترمین است وصلت نموده.

بیست روز است عیال خود را به منزل آورده جمع کثیری به داعی مواجه نموده و عزم به تصدیع شده‌ام که از مقام عظمت حضرت اشرف عالی استدعای عفو و اغماض را درباره مشارالیه بنمایم. مستدعی است تا به سر حد نرسیده امر و مقرر فرمایید عودت داده شود. همین مقدار در تنبیه او کافی است. عریضه جلیله مکرم‌السلطان عیال مشارالیه



عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام | ۱۳۲۴-۱۳۲۴ ط

هم لفاً تقدیم می شود. دیگر اختیار با حضرت اشرف عالی است ایام شوکت مستدام باد.
فی ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۴۲

الجانی، ابوالقاسم الحسینی الکاشانی
[۹۵۰۸ - ن]

[۳۶]

[تلگراف عباس خلیلی به سردار سپه]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از کرمانشاه به تهران نمره قبض ۱۲۲۶ نمره تلگراف ۱۳۴ تاریخ وصول ۱۲ ثور ۱۳۰۳

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمة

مخاطرات بنده در بین‌النهرین؛ با مقدمات توسط ملک‌فیصل مرتفع قول شرف می‌دهم پس از ده روز اقامت طهران برای تصفیه حساب و فروش اسباب به خارجه مسافرت وگرنه به کارگزار دستور داده از کرمانشاهان مسافرت کنم. در هر حال ابدأ مایل به بقاء ایران نیستم. مرض بنده حمله قلبی.

خلیلی

[در حاشیه:]

۱. جواب صادر فرمایید می‌توانید برای تسویه امور شخصی موقتاً به طهران مسافرت نمایید.
۲. به وزارت جنگ بنویسید، به خلیلی مدیر اقدام اجازه داده شده است که موقتاً برای تسویه امور شخصی به طهران بیاید؛ از حرکت او ممانعت ننمایند.

[۸۸۰-ن]

[۳۷]

[نامه ابراهیم فخرایی به مشیرالدوله در مورد انتشار روزنامه]

۲۵ برج ثور ۱۳۰۲

مقام مقدس ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در تاریخ دهم شهر ربیع‌الاول ۴۱ امتیاز جریدهٔ پیام^۱ از وزارت جلیله معارف به نام فدوی صادر، تاکنون رئیس معارف گیلان بدون هیچ مجوز قانونی انتشار آن را مانع و مأخذ و مدرک اقدامات خود را تلگراف از آقای قوام‌السلطنه قرار می‌دهد. نظر به اینکه برای نشر روزنامه مزبور فوق‌العاده متحمل خسارت شده و جلوگیری انتشار جریدهٔ پیام قبل از طبع و نشر قصاص قبل از جنایت و فقط به علت غرض شخصی و منافع خصوصی تضییقات مزبوره پیش آمد نموده از آستان مقدس مستدعی است امر و مقرر شود طبع و نشر جریدهٔ پیام را، که طلیعه‌اش منتشر شده، اجازه داده برخلاف حق ممانعت ننمایند.

امر امر مبارک مطاع است

ابراهیم فخرایی

[۹۵۱۷-ن]

۱. هفته‌نامه ادبی و اجتماعی که در سال ۱۳۰۱ در رشت منتشر می‌شد. ابراهیم فخرایی علاوه بر این نشریه نشریاتی از قبیل رشت، طلوع و فروع را نیز منتشر کرده است.

۱۵ ربیع الثانی ۱۳۴۲

مقام مقدس است و زنا به مقام دست نرسد
 در تاریخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۴۲ بمقام آیت الله العظمی بروجردی
 صدر آئین شریف رسیدن بودیچ مجریه زنا است از آن رو که در
 دعوات خود در آن روزها قلم پیچیده بودید و نظر آنکه باین ترتیب
 تمیز است نه و بویژه بنابر آنچه در قلم پیچیده بودید و در این
 بیت توضیحی در بیان تمیزی تفصیلات بزرگ می‌گردد که در آنجا
 در آورده شد پس در بویجه بایم که در پیوسته است. بجز در
 در روز مبارک است
 بر اینجاست

سند شماره ۳۷
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 [۳۸]
 کتابخانه جامع علوم انسانی

افتوای شیخ جمال‌الدین اصفهانی در مورد نشریه فروهر و جوانان

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آیت الله تعالی فی العالمین
 آقای حاجی شیخ جمال‌الدین اصفهانی دامت برکاته و ادام الله ظلالة علی رؤس المسلمین
 به عرض می‌رسانیم: چه می‌فرمایید در خصوص روزنامه فروهر که در شماره
 چهاردهم مورخه ۱۹ شهر شوال المکرم ۱۳۴۱ شرحی راجع به دوازده جلد کتاب
 ناسخ التواریخ که «پر است از افسانه‌های زنانه و تبلیغات و معجزات خرافات آیات» و غیره
 نوشته و نامه جوانان که در شماره یک مورخه سه‌شنبه ششم شهر صفر ۱۳۴۲ در آخر
 ستون سیم تحت عنوان «پیشهاد مهم» شرحی راجع به برداشتن حجاب از نسوان نوشته

و هر دورا به نظر مبارک حضرت آیت‌اللهی رسانیده‌ام و به دقت از نظر مبارک گذشته است. آیا این‌گونه عبارت و مضامین مضرّ به دیانت اسلام و مذهب حقه است یا خیر؟ آنچه به نظر مبارک آیت‌اللهی می‌رسد در صدر ورقه به خط و خاتم مبارک مرقوم و مزین فرمایند که عن‌الحاجه حجت بوده باشد. دوام الله ظلالکم علی رؤوس المسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب مسئله شرعی: بلی ملاحظه نمودم؛ مضرّ به دیانت اسلام است و بر اولیای دولت علیه اسلامیه ادام‌الله تأییداتهم العالیه جلوگیری لازم است، و انشاء‌الله تعالی مسامحه و کوتاهی در اعلاء کلمه حقه اسلامیه و ترویج شعائر دینیّه نخواهد فرمود و فقهم الله تعالی لمرضاته. حرره الاحقر الجانی الحاج شیخ جمال‌الدین النجفی الاصفهانی. فی ۲۴ شهر صفر المظفر ۱۳۴۲

| ۹۵۲۳ - ن |

[۳۹]

انظلم خانواده حسنعلی خان فردوس مدیر روزنامه بدر از دستگیری وی

مقام منبع ریاست وزراء دامت شوکتہ

البته خاطر شریف مستحضر است که حسنعلی خان مدیر روزنامه بدر و صبحه^۱ چندی است غیر معلوم در نظمیّه توقیف می‌باشد. تاکنون آنچه به مقام محترم عرض حال از طرف این کمیته داده شده جواب مساعدی مرحمت نشده. حال عاجزانه از حضور مبارک استدعا دارد که در این اول زمستان مرحمتی در [۹] عیال و همشیره‌های آن بدبخت بفرمایید.

علاوه از این که قریب چهل روز است اوضاع زندگی و معاش ما بیچارگان مختل شده دو لطمه بزرگ هم در این مدت به خانواده ما وارد آمده: یکی اینکه در موقع آوردن عریضه و توسل به دامان حضرت اشرف افتاده و پایم مجروح شده و دیگر آنکه همشیره او به واسطه هول و تکانی که در موقع گرفتاری برادرش بر او وارد شده مریض و بچه سقط نموده. اگر او مقصر است خود دانید و انصافتان، لااقل مصارف زندگانی ما را معین بفرمایید با این ترتیب از چه محلی باید خرجی تحصیل کرده و امر معاش خود را بگذرانیم امیدوارم که به فوریت جواب مساعدی که دعاگویان آسوده نماید مرحمت فرمایید.

کمیته، سکینه مادر حسنعلی خان

۱. در متن «صحبہ»

[در حاشیه:] ورود به کابینه ریاست وزراء ۱۳۰۲/۱۰/۴

[۹۵۶۷ - ن]

[۴۰]

[تظلم حسنعلی فردوس مدیر بدر از دستگیری بی دلیلش]

تهران

«اداره روزنامه بدر»

نمره خصوصی است

تاریخ ۱۴ برج دلو ۱۳۰۲

مقام متبع بندگان حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزراء دامت شوکت
 این بنده از بدو وزارت بندگان حضرت اشرف الی حال نسبت به آن حضرت معتقد و
 علاقه مند و خدمتگزار بوده و حضرت اشرف نیز کمال رأفت و مرحمت را درباره این
 بنده داشتند. کلیه جرایدی را که بنده ناشر و مسئول آن بوده‌ام بهترین گواه است ولی
 معاندین حسود به عرض راپورتها جعلی خاطر مبارک را از این بنده رنجانیده و بدون
 جهت و من غیرحق مورد بی لطفی آن حضرت واقع شده بدون هیچ گونه تقصیری قریب
 دو ماه در مجلس اداره نظمیہ دوچار هزارگونه خسارات فوق الطاقه گردیده‌ام. لذا در این
 موقع که بی تقصیریم کاملاً به آن مقام ثابت و واضح شده است و با رجاء واقعی که به
 مراجع بندگان حضرت اشرف دامت عظمه دارد در مقام تصدیع برآمده عاجزانه
 استدعای رفع پریشانی و جبران خسارات وارده خود را می‌نمایم. حسنعلی فردوس
 مدیر بدر

[۹۵۳۱ - ن]

[۴۱]

[تظلم خانواده حسنعلی فردوس نسبت به دستگیری وی و وضع ناهنجار مالی]

مجلس شورای ملی، سواد عریضه مادر حسنعلی خان مدیر روزنامه بدر

نمره مورخه برج

که منضمماً به مراسله مورخه نمره ۹۵۵۵ ارسال می‌شود

مقام محترم مجلس مقدس شورای ملی، شیدالله ارکانه

با کمال احترام عرضه می‌دارد: البته خاطر آن ذوات محترم مستحضر است که از جمله اشخاص تبعید شده یکی حسنعلی خان مدیر روزنامه بدر است که پس از هشت ماه توقیف متوالی در مجلس نظمیه و تحمل خسارات فوق‌العاده بالاخره به کلات اغرامش داشتند. از آن موقع تاکنون خانواده‌اش را که عبارت از مادر و عیال و طفل صغیر و دو همشیره با چندین بچه کوچک و بزرگ باشند بدون خرجی گذارده و آنچه به مقامات مربوطه از قبیل نظمیه و حکومت نظامی و غیره عرض حال داده و برای مخارج استعانت جستیم آنچه به جایی نرسید فریاد بود و ابداً از هیچ‌یک از اولیای امور مساعدتی ظاهر نشد و تاکنون هرچه از اثاثیه باقی مانده بود فروخته و به مقدار زیادی قرض بی‌محل بر این هشت بینوا تحمیل شده و حال هم که مرخصشان کرده‌اند در ولایت غریب همین‌طور او را سرداده و سرگردان گذارده‌اند؛ در صورتی که اگر او مقصر بود ما که تقصیری نداشتیم. شما را به وجدان انسانیت، شما را به احترام این مقام مقدس، آخر شما پناه و ملجأ ملت و اشخاص ستم‌دیده می‌باشید، آخر یک تکلیفی برای معاش و زندگانی ما معین کنید؛ اگر شما هم به داد نرسید پس به کجا درآوریم؟

کمینه مادر حسنعلی خان مدیر روزنامه بدر

[در حاشیه:] سواد مطابق اصل است. رئیس دارالانشاء ۱۳۰۳/۸/۴

[۸۸۲ و ۸۸۳ - ن]

[۴۲]

[نامه ابوالقاسم تویسرکانی به سردار سپه برای رفع توقیف روزنامه‌های بدر و صیحه]

به شرف عرض اقدس عالی می‌رساند: از زمان تأسیس دو اداره محترم چریده بدر و صیحه کلمه‌ای که بر خلاف شرع انور بوده باشد دیده نشده. از قرار معلوم، این دو روزه از طرف بندگان حضرت اشرف عالی مدظله‌العالی توقیف نموده‌اند. مستدعی است مقرر فرمایید چنانچه صلاح است از توقیف خارج نمایند و چنانچه علت غامضی دارد مرقوم فرموده که باعث استحضار شود. ایام اقبال و اجلال و شوکت مستدام باد.

العبد، شیخ ابوالقاسم التویسرکانی

[۳۱ - ۱۱۳۴۱]

[۴۳]

[نام سردار سپه به ابوالقاسم توپسرکانی]

ریاست وزراء

عرض می‌شود: مراسله جناب عالی راجع به توقیف دو روزنامه بدر و صیحه واصل گردید. در صورتی که به شماره‌های اخیر این دو روزنامه مراجعه فرمایید علت توقیف بر جناب عالی معلوم خواهد شد.

زیاده زحمت نمی‌دهم [رضاخان سردار سپه]
[۳۰-۱۳۴۱]

[۴۴]

[نامه همسر مدیر روزنامه نسیم شمال و تقاضای رفع توقیف از آن]

مقام منبع بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء فرمانده کل قوا دامت عظمة‌العالی تصدق آستان مبارکت کردم. حضرت اشرف اعظم را به شرافت و بزرگواری خودشان قسم می‌دهم که در حق مدیر نسیم شمال^۱ این سید پیرمرد با جمعی عائله ذریه پیغمبر اکرم (ص) بذل مرحمت و مساعدت فرمایید. خدا شاهد است تمام زندگانی ماها به بهای نان خالی رفته، چیزی نداریم؛ حسب‌الامر حضرت اشرف که روزنامه از توقیف خارج و طبع شد باز هم نمی‌دانیم به چه علت هنوز توزیع نشده ثانیاً امر به توقیف آن صادر گردیده است. حضرت اشرفا، ای پناه و زنده‌کننده ایران در حق چند نفر اولاد پیغمبرتان مرحمت فرمایید که از گرسنگی تلف نشوند.

امر امر مبارک است.

عریضه کمینه عیال مدیر نسیم شمال، اشرف‌الدین الحسینی

[در حاشیه: ضبط شود.]

[۸۷۵-ن]

۱. هفته‌نامه ادبی و فکاهی به وسیله سید اشرف‌الدین الحسینی گیلانی منتشر می‌شد. از روزنامه‌های معروف عصر خود بود ولی بسیار نامرتب منتشر می‌شد. این نشریه توقیف شد.



اشرف‌الدین حسینی قزوینی مدیر نسیم شمال | ۷۶۰-۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
[۴۵]

[تلگراف حاج حسین طباطبایی قمی به سردار سپه]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به طهران نمره قبض ۴۴۱۵ نمره تلگراف ۶۸ تاریخ وصول ۱۲ عقرب ۱۳۰۳

مقام منبع حضرت اجل اشرف ریاست جلیله وزراء دامت شوکتہ النصارالدین از اقداماتی که در حفظ حدود شریف مطهره و نظم مملکت و آسایش اهالی به ظهور نمی‌رسید استکشاف کمال علاقه‌مندی به دیانت و حسن تدبیر و سیاست حضرت

اشرف می‌شد پاره‌ای [پیشامدها و عدم جلوگیری از ورود مجله فرنگستان^۱ به داخله با آنکه مملو است از منافیات مذهب و کفریات و مزخرفات و نظایر خلاف مامول و موجب اسف.

با اینکه اولین هم هر دولتی جلوگیری از منافیات دیانت و سیاست آن دولت است رجاء و اتق آنکه در آتیه به نحو اکمل تدارک فرموده از تلقی کلمات موحشه و تاسیات متضرره، عامه که اولین ثمره آن اختلاف کلمه و اختلال نظم و منشاء تلف اموال و اراقه دماء است...^۲ از محرکین جلوگیری فرمایند.

در خاتمه به تشکر مرحمتی که توسط جناب اجل اکرم آقای امیرلشکر شرق دام‌اجلاله اظهار شده از حضرت احدیت جلب عظمته از دیاد شوکت حضرت اشرف را در حفظ نوامیس دین و جلوگیری از مخربین مسئلت می‌نمایم.

الطباطبایی القمی
[۸۹۴ و ۸۹۳ - ن]

[۴۶]

تلگراف حسین خزاعی به سردار سپه

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به طهران نمره قبض ۴۴۱۶ نمره تلگراف ۶۹ تاریخ وصول ۱۲ عقرب [۱۳۰۳]

مقام منبع بندگان حضرت اشرف ریاست جلیله وزراء و فرمانده کل قوا دامت عظمته با جلب توجه خاطر مبارک، مفاد درخواست تلگرافی حجت‌الاسلام آقای حاج آقا حسین قمی، منتظر است که هر نوع امر مبارک راجع به مجله فرنگستان شرف صدور می‌یابد جواب معزی‌الیه داده شود.

امیر لشکر شرق

حسین خزاعی

[در حاشیه:] داخله مطرح شد؛ جواب داده شود اقدام شد. تلگراف هم به وزارت معارف برای توجه امر فرستاده شود. مدیرالملک ۱۴ عقرب

[۸۹۲ - ن]

۱. مجله ماهانه، ناسیونالیست، ارگان جوانان ایرانی مقیم آلمان. از مطبوعاتی که ایرانیان در خارج از کشور منتشر می‌کردند. مقالات آن درباره مطبوعات ایران و جراید اروپا است.

۲. ناخوانا

[۴۷]

[سوادنامه مدیر روزنامه توقیف شده ناهید به مجلس شورای ملی]

مجلس شورای ملی

سواد مشروحه به امضای مدیر جریده ناهید راجع به توقیف جریده مزبوره که منضمماً به مراسله مورخه ۱۳ / جدی / ۱۳۰۳ نمره ۱۱۷۹۵ ارسال می‌شود.
(روزنامه کاریکاتور)

(ناهید)

نمره ۳۵۳

۱۸ قوس ۱۳۰۳

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

به عرض می‌رساند: راجع به شماره ۵۱ روزنامه ناهید^۱ بر اثر هیاهوی بعضی از وکلای پارلمان نظمیه سردبیر روزنامه را توقیف نموده. لذا به شرح ذیل خاطر محترم راتصدیع می‌دهد: اولاً به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی قوای مملکت به سه قسمت متمایز از یکدیگر تجزیه می‌شوند که یکی از آنها قوه قضاییه است و به موجب فقره دو در اصل ۲۷ مرجع صلاحیت‌دار محاکم عدلیه‌اند و حفظ قانون برعهده شخص اشرف عالی است. و تذکراً عرضه می‌دارد که این اقدام اداره نظمیه برخلاف اصول ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ قانون اساسی و برخلاف مواد ۴۶، ۴۷، ۴۹ قانون مطبوعات می‌باشد زیرا که اگر روزنامه باید توقیف شود باید به موجب ماده ۴۶ از طرف اداره انطباعات در معرض بازخواست درآمده در عدلیه مورد محاکمه واقع شود و اگر مشمول ماده ۴۹ باشد باید اداره پلیس با مأمورین معارف ضبط و حبس کنند. در صورتی که ابداً مندرجات روزنامه منطبق هیچیک از فقرات ۶ گانه ماده ۴۹ نمی‌باشد و اگر هم کسی در تشخیص خلافی تطبیقی با ماده ۴۹ بنماید باید به حکم ماده ۵۰ قانون مطبوعات از طرف ۲۴ ساعت به اطلاع محکمه قانونی برساند که حکم توقیف یا آزادی روزنامه را صادر و اعلام نماید نه اینکه از ظهر یکشنبه تا این ساعت ظهر سه‌شنبه است چنین اقدامی به عمل نیامده سهل است که برخلاف اصول فوق‌الذکر و مواد مطبوعات و روح تمامی قوانین مملکتی سردبیر را توقیف و اداره روزنامه را مهروموم نمایند. براین اقدامات قانون‌شکنانه نظمیه نسبت به روزنامه و سردبیر و اداره روزنامه

۱. روزنامه‌ای سیاسی و فکاهی بود در دو شماره در هفته. به وسیله ابراهیم خان ناهید و سید محمود قمی منتشر می‌شد. این نشریه در سه دوره منتشر شد. در دوره اول توقیف گردید.

اعتراض و به نام حفظ و صیانت قانون مقدس اساسی، اقدامات مقتضیه را از پیشگاه اشرف عالی تقاضا دارد.

محمد - مدیر ناهید
[۹۶۶ و ۹۶۵ - ن]

[۴۸]

[تلگراف تعدادی از علماء مشهد به علماء تهران]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران
از مشهد به طهران نمره قبض ۳۵۱۰۶ نمره تلگراف ۳۵۰ تاریخ وصول ۱۳ جدی [۱۳۰۳]
حضور حضرت آیه الله خوئی مدظله، کپیہ حضرات آیات آقای نوری، آقای بهیانی، آقای اصفهانی دامت برکاتهم، مجلس شورای ملی، هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم
نصرت دین استهزاء روزنامه خبیثه ناهید به مقام شریف شارع مقدس موجب هیجان و این خدام شریعت مطهره مستهزه را مهدورالدم و قتل او را از دولت خواستار به حمایت چنین مرتد را حالی کفر می دانیم.
الاحقر محمد قوچانی، الاحقر حسن برسی، مرتضی رضوی، الاحقر محمد هاشم، حسن ابن عبدالله کاشی، مرتضی بجنوردی، محمدرضا حسینی، محمد نهایندی
[۹۹۴ - ن]

[۴۹]

[تلگراف احمد خراسانی به حجت الاسلام بهیانی]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران
از مشهد به طهران نمره قبض ۳۵۲۹۷ نمره تلگراف ۴۱۸ تاریخ وصول ۱۵ جدی [۱۳۰۳]
حضرت حجت الاسلام بهیانی دامت برکاته
کفریات جریده ناهید قلوب عامه را مجروح و احداث هیجان در آنها نموده؛ همه منتظرند که ریاست وزراء عظام دامت عظمت بعد از تشریف فرمایی به مرکز چه اقدامی خواهند فرمود.

احمد خراسانی
[۹۸۵ - ن]

[تلگراف علماء و طلاب مشهد به سردار سپه]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به طهران نمره قبض ۳۵۵۲۲ نمره تلگراف ۴۸۶ تاریخ وصول ۱۶ جدی [۱۳۰۳]
مقام منیع و موقع رفیع ریاست محترم مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه، کبیله بندگان
حضرت اشرف ریاست وزراء عظام دامت شوکته

امیدواری عامه علاقه‌مندان به دیانت فقط به مجلس مقدس شورای ملی و شخص
حضرت اشرف که در موقع حدوث سانحه به ارکان اسلام اعم از حفظ ثغور مسلمین یا
حیثیات احکام حضرت اشرف المرسلین بدون تعلل و مسامحه موجبات رفع آن حادثه
را فوری ایجاب؛ فوق‌العاده مورد تعجب که چگونه آن مسلمانان غیور مشاهده و کفریات
و اراجیف آن خبیث طاغی را فرموده‌اند و ثانیه‌ای عمل و خودداری را جایز شمردند؟
مگر قائل به کلام شریف دنیا مزرعة الآخرة غیر از شخص اول امکان است که قال، عَزَّ
مَنْ قَالَ، و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى مگر مشمول کلام مقدس آسمانی
مسلمین این دوره نیستیم؟ و ماکان محمداً ابا احدٍ من رجالکم و لکن رسول‌الله و
خاتم النبیین.

ای نگهبانان جامعه اثنی عشریه و حامیان حوزه^۱ اسلامیه ادام‌الله اظلالکم علی
رنوس العامه، بعد از فرمایش مولای متقیان در ذیل آن خطبه وثیقه در داستان جلب
قرطی از گوش ذمیمه یهودیه لوماة‌المسلم بعد ذالک اسفا ماکان عندی ملولاً، دیگر بعد
از استماع و ملاحظه این اباطیل برای مسلمانان دنیا چه حیثیت باقی و به کدام اعتبار و
آبرو در مقابل^۲ اعداء اسلام و خارجیان سربلند و مدعی انسانیت بوده باشند؟

قلب ارباب بصیرت و دیانت را داستان این بی‌دین از قضیه قل ولاتقل هجرا مجروح‌تر
نموده که موجب ...^۳ و اندوه چندین هزار نفوس در ...^۴ متعدده شده. علی‌العجاله، بعد
از تقاضای مجازات واقعی او را از منتقم علی‌الاطلاق غدواً و اصیلاً به ساحت مقدس آن
زامداران انور جامعه علیه اسلامیه پناهنده و متضرعیم که فوری امر به اعدام آن مرتد را
علی‌الاشهاد صادر و دعاگویان را به وجد و نشاط ثانوی قرین مسرت فرمایند.

خاتماً شخص محترم اول مملکت و هیئت معظمه مجلس مقدس را تذکر داده که
بعد از حکم علماء اعلام بر اعدام آن ملعون جای هیچ عذری باقی نیست و چنانچه

۲. در متن «مقامی»

۱. در متن «حوضه»

۳ و ۴. ناخوانا

مسامحه شود اهالی این سامان از اطراف و بلوک و قراء با نهایت متانت و ادب در روضه علیه عالیّه و آستانه مقدسه رضویه علیه آلاف الثناء و التحیه متحصن و تذکر خیر و دعای حامیان شیعه اثنی عشری و طرد و لعن ناصران مرقه ضاله مشغول تا موقع وسیعلم الذین ظلموا آی منقلب ینقلبون.

بسم الله تعالی آقایانی که این ورقه مزین فرموده‌اند از اهل علم و تجار می‌باشند و معروف می‌باشند حرره احقر حسن الموسوی مراتب سطور صحیح است، احقر احمد خراسانی و چهل امضای دیگر.

[۱۰۰۳ تا ۱۰۰۰ - ن]

[۵۱]

تلگراف رضاخان سردار سپه به علماء مشهد

ریاست وزراء
ورقه تلگرافی

مشهد جواب نمره ۵۲۷

توسط ایالت جلیله، جنابان مستطابان آقایان حجج اسلام و علماء اعلام دامت برکاتهم، کیه تجار محترم و آقایان وعاظ و هیئت محترم سادات حسینی

تلگراف آقایان محترم در موضوع جریده ناهید عز وصول داد. بعد از نشر مقاله ناهید که به آن اشاره فرموده بودید از طرف دولت روزنامه توقیف و نویسنده مقاله در حبس است تا بعد از محاکمه مطابق قوانین موضوعه البته نویسنده مجازات خواهد شد. نمره

۱۰۲۹۵، ۲۱ جدی ۱۳۰۳، نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارئیس الوزراء

[۹۹۵ - ن]

پرتال جامع علوم انسانی

[۵۲]

تلگراف رمز ابوالفتح طباطبایی به سردار سپه

وزارت داخله

تلگراف رمز ایالت خراسان

به توسط حضرت وزیر داخله، مقام منبع حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت شوکت به مسئله روزنامه ناهید که اسباب شکایت علماء و متدینین شد مخالفین مرکز رنگ

سیاستی زده و می‌خواهند به علیه دولت پیراهن عثمان و در ولایات اسباب اشتعال درست کنند و چون در این قبیل موارد انگشت خارجی هم بی دخالت نمی‌شود و بنابراین مادامی که افکار علماء با احساسات عوام توأم شده است هر قدر ملایمت و مماشات بشود به صلاح نزدیک‌تر است. در این چند روزه با ملاقات از علماء طبقه اول و رؤسای طبقات از تصمیمی که برای بستن بازار و تعطیل عمومی در نظر داشته جلوگیری کرده‌ام؛ باز هم مراقبت تا که خواهم داشت که تولید مشکلات نشود.

لیکن دو اقدام را از طهران مفید می‌دانم: اول اینکه مقرر فرمایند مراقب باشند که از ولایات دیگر تلگرافی به علمای اینجا نرسد که بیشتر آنها را مشتعل کند؛ ثانیاً اگر صلاح بدانید امر فرمایید تلگرافی کشفاً مخابره شود که من خودم بیشتر از همه کس مراقب حفظ احترام مذهب و ترویج شرع و مسائل دین هستم و البته بعد از محاکمه با رعایت ملاحظات مقررات شرع انور اجرا و از مجازات مقصر کوتاهی نخواهد شد. چون علماء نسبت به جمله قوانین موضوعی که در دستخط تلگرافی ذکر شده است معترض هستند برای اینکه بهانه برای اشخاص مغرض پیدا نشود صلاح این طور می‌دانم در این مسئله کاملاً خود را مجبور در تحقیق و علاقه‌مندی به مسائل دین نشان بدهم تا به مرور مسئله کهنه و حرارتها تمام و تخفیف پیدا کند.

۲۷ جدی نمره ۶۲
ابوالفتح طباطبایی
[۱۰۴۵ - ن]

[۵۳]

[نامه مجمع آزادیخواهان قزوین به سردار سپه]

مجمع آزادیخواهان قزوین
و قرائتخانه
نمره ۱۵
به تاریخ ۲۸ برج جدی ۱۳۰۲

مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت عظمة

امتداد توقیف غیرقانونی روزنامه ملی ناهید و تعرضی که نسبت به سردبیر آن شده لطمه بزرگی به حیثیات مطبوعات وارد آورده و از نقطه نظر حفظ قوانین مملکتی فوق‌العاده تأسف آور است. عموم آزادیخواهان و ملت حساس قزوین از حضرت اشرف استدعا می‌نمایند که عطف توجهی به این موضوع فرموده امر فرمایند که روزنامه ناهید از

توقیف خارج و سردبیر آن از هرگونه تعرض مصون بوده که مزید تشکرات عمومی خواهد بود.

[امضاء]

[۱۰۲۰ - ن]

[۵۴]

[تلگراف سردار سپه به ابوالفتح طباطبایی]

ریاست وزراء

به تاریخ ۲ دلو [۱۳۰۳]

ایالت جلیله، از چندی به این طرف تلگرافاتی از آقایان حجج اسلام راجع به مجازات مدیر ناهید می‌رسد: اگرچه به هر یک از آنها جداگانه جوابی مخابره شده است ولی از ادامه تلگرافات همچو استنباط می‌شود که کاملاً متوجه نظریات دولت نشده‌اند و لازم است به آقایان عظام خاطر نشان کنید که این جانب بر حسب عقیده و وظیفه‌ای که دارم پیش از همه مقید و متوجه به حفظ شعائر مقدسه اسلام و مراعات احکام شرع انور می‌باشم و هیچ وقت اجازه نخواهم داد که مختصر اقدامی برخلاف این معنی پیش آید. بهتر این است چندی تأمل فرمایند و زحمت مخابرات را به خود راه ندهند تا محاکمه ختم و مدیر ناهید به کیفر اعمال خود برسد.

[۱۰۴۳ - ن]

[۵۵]

[نامه تعدادی از احرار تهران به مجلس شورای ملی]

مجلس شورای ملی

سواد مشروحه جمعی از احرار طهران راجع به توقیف جریده ناهید و تقاضای خروج آن که منضمماً به مراسله مورخه ۱۳ جدی ۱۳۰۳ نمره ۱۱۹۷۸ ارسال می‌شود

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

توقیف روزنامه بی‌آلایش ناهید که از بدایت انتشار تاکنون خط‌مشی جز تزکیه نفوس و تعدیل اخلاق عمومی اتخاذ نموده قلب علاقه‌مندان به سعادت ایران را مجروح و مقروح نموده است؛ چه که جلوگیری از قلم مخالف و مناقض با قوانین مدونه اساسی و قضایی مدنی ایران است، بالاخص چنین نامه محبوبی که فقط به اتکاء و استظهار عقیده

پاک خود در این مدت متمادی به عالم اخلاق خدمت کرده و مقصودی جز تنبیه عقول و افکار نداشته است.

به هر حال، ما طرفداران آزادی مطبوعات به نام حریت قلم و پاس خدمات چندین ساله جریده مزبوره استخلاص سردبیر آن و رفع توقیف ناهید را خواهانیم.

به امضای ۱۳۴ نفر

[۹۶۹ - ن]

[۵۶]

[سواد نامه چاپخانه‌های تهران به مجلس شورای ملی]

مجلس شورای ملی

سواد مشروحه نمایندگان مطابع مرکزی طهران راجع به توقیف جریده ناهید و تقاضای خروج آن که منضمماً به مراسله مورخه ۱۳ جدی ۱۳۰۳ نمره ۱۱۷۹۸ ارسال می‌شود.

مقام منبع مجلس مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

نظر به توجهات مخصوصه که عموم نمایندگان محترم بر بسط عدالت و اجرای قوانین همیشه اوقات داشته و دارند در این موقع که میرزا ابراهیم خان ناهید به واسطه انتشار شماره اخیر روزنامه ایشان به امر حکومت جلیله نظامی اداره و روزنامه ناهید توقیف و خود ایشان نیز در نظمیّه محبوس هستند چون رسیدگی و تحقیق در تمام مندرجات مطبوعات بخصوصه تطبیق مندرجات جراید با موازین شرعیّه قانوناً با اداره ناظر محترم شرعیات در وزارت جلیله معارف می‌باشد خصوصاً از اینکه این امر از طرف علماء اعلام کثرالله امثالهم تأکید و ناظر محترم شرعیات نیز به نظریات آن ذوات محترم تعیین گردیده است و حق رسیدگی در این موضوع بخصوصه نیز به آن معظمّه می‌باشد این جانبان امضاکنندگان ذیل، نمایندگان مطابع مرکزی طهران، به نام عموم علاقه‌مندان به معارف مملکت استدعا می‌نماییم امر و مقرر فرمایید به وزارتخانه مربوطه و یا به حکومت جلیله نظامی که هرچه زودتر مشارالیه را از اداره نظمیّه با مأمور مخصوص به وزارت جلیله معارف و دائره محترم ناظر شرعیات اعزام نمایند که تحقیقات لازمه از نمره روزنامه مطبوعه خودشان به عمل آمده حکم مقتضی صادر نمایند که سریعاً تکلیف ایشان معلوم و رفع سوءظن از اذهان عمومی بشود. در خاتمه، با تقدیم احترامات فائقه، منتظر تسریع در صدور اوامر عالیّه می‌باشیم.

مطبوعه سعادت، شرکت برادران باقرزاده، مطبوعه تمدن، مطبوعه روشنایی، رئیس مطبوعه بوسفور، مطبوعه شرکت تمدن، [او] چهار امضاء دیگر. [۹۶۸ و ۹۶۷ - ن]



مطبوعه‌ای برای چاپ روزنامه در تهران قدیم | ۹۸-۹۴

[۵۷]

[نامه مدیر روزنامه شعله و اظهار ناراحتی از توقیف آن]

تهران

اداره روزنامه شعله

نمره خصوصی

به تاریخ لیله ۱۷ شهر رجب ۱۳۴۳

مطابق ۲۲ برج دلو ۱۳۰۳

تصدقت کردم

بعد از ادای وظیفه بندگی توقیراً به عرض می‌رساند براینکه: چون قریب دو سال می‌باشد که روزنامه شعله توقیف است و به سبب خسارات وارده مبالغی مدیون می‌باشم و در ضمن مشروحاً مطالب و گزارشات را شفاهاً به حضور مبارک عرضه داشته لذا مستدعی است به طوری که رأی مبارک باشد در انجام استدعای چاکر سعی فرمایند که روزنامه شعله از توقیف خارج شود؛ نهایت تشکرات احقر افزوده خواهد شد.

در خاتمه خاطر عاطر را فرین استحضار می‌دارد که بر حسب قول شفاهی تا عمر دارم تغییر مسلک نخواهم داد و حتی الامکان به طرفداری دولت و فداکاری حاضر و در اوامر مطاع حضرت مستطاب عالی فرمانبر دارم.

ایام شوکت مستدام باد

یدالله طهرانی زاده

[در حاشیه:] آقای محقق‌العلماء این مراسله را فرستاده و استدعا دارند روزنامه شعله که دو سال است توقیف است از توقیف خارج شود.

[۸۶۹ - ن]

[۵۸]

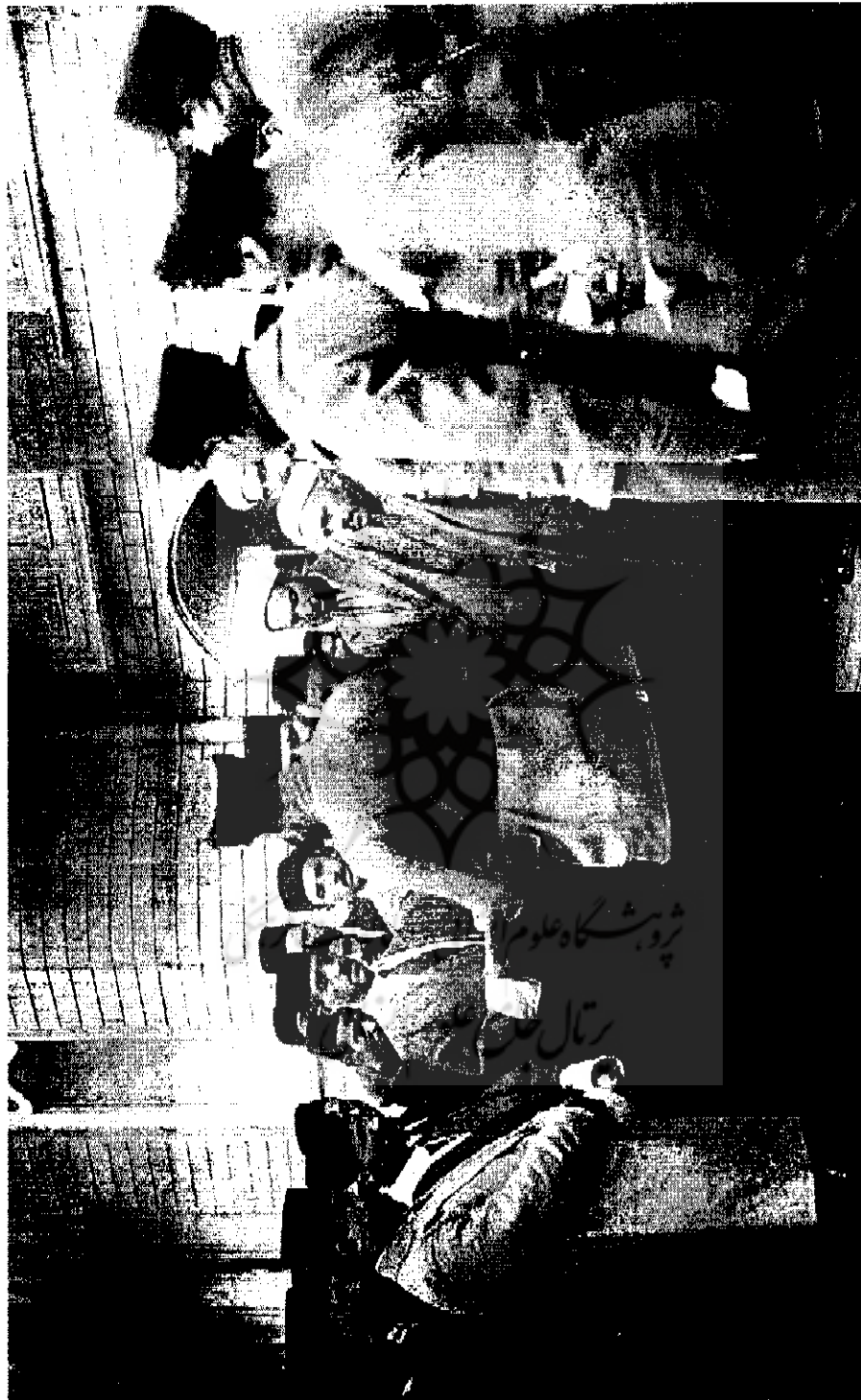
[نامه ابوالقاسم کاشانی به سردار سپه و تقاضای رفع توقیف از روزنامه شعله]

سلخ رجب ۱۳۴۳

به عرض می‌رساند: روزنامه شعله که از قرار مذکور چون معترض مقام سلطنت شده بود در زمان آقای مستوفی‌الممالک توقیف شده و از طول توقیف هم دچار خسارت گردیده؛ متمنی است امر به رفع توقیف بفرمایند و یقیناً برخلاف میل حضرت اشرف و مصلحت مملکت قلم‌فرسایی نمی‌نماید بلکه مداح هم خواهد بود. انشاءالله عنایت می‌فرمایید.

ایام عظمت مستدام باد

الجانی ابوالقاسم الحسینی الکاشانی



استقبال نمایندگان مجلس و روزنامه نگاران از ورود رضاخان سردار سپه به تهران پس از سرکوب شیخ خزعل، در عکس محمد تقی بهار و رضاخان دیده می‌شوند | ۱-۲۸۰۰

[در حاشیه:] ضبط نمایند؛ هر وقت جواب خواسته شد به خبر فوق حواله داده شود.
[در حاشیه:] جواب بنویسید به شرف عرض رسید، جوابی نفرمودند.

[۸۶۷ - ن]

مطبوعات و حکومت (۳)

[۵۹]

ارفع توقیف روزنامه نوبهار از سوی احمدشاه

اداره روزنامه «نوبهار»
تهران
نمره ۴۰۴
به تاریخ ۱۵ شهر ذی‌قعدة ۱۳۳۳
مطابق ۲ برج میزان ۱۲۹۴

قربان خاکپای آسمان فرسای مبارکت گردد

در موضوع توقیف نوبهار^۱ به هیچ‌یک از قوانین موضوعه متمسک نمی‌شود و روح کلیه قوانین را در رضای خاطر اقدس همیونی ارواحنا فداه می‌داند، و از توقیف نوبهار و تحمل یک خسارت جسیم نیز در صورت رضای آن اعلیحضرت متأسف نبوده بلکه در قبال یک قصور حاضر است که جان خود را فدیة نماید ولی به خاک پای تو که آن هم بزرگ سوگند است. اگر روح جان نثار از آن اعلان مشنوم خبر داشته، و فقط تقصیر بلکه قصور به عهده اداره است؛ و اکنون هرگاه اراده ملوکانه بر ادامه توقیف تعلق گرفته است امری است جداگانه ورنه هرگاه حس عطوفت و رعیت‌پروری و ملت‌نوازی آن اعلیحضرت یک حکمیت شاهانه را بر یک حکمیت عادی و متعارفی ترجیح می‌دهد. رواست که زیاده بر این توقیف یک جریده ملّیه را در خور آن مقام بلند ندانسته و اجازت انتشار نوبهار را امر صادر فرمایند. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

[در حاشیه:] جناب اشرف رئیس‌الوزراء، استدعای عفو مدیر روزنامه نوبهار را قبول فرمودیم. قدغن نمایند روزنامه او را از توقیف خارج نمایند.

۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۳۳

[احمدشاه]

[۶۶۷۵]

۱. دو هفته‌نامه سیاسی و ادبی وابسته به فرقه دموکرات ایران. مدیر آن محمدتقی بهار ملقب به ملک‌الشعراء بود. در پنج دوره منتشر شد که در دوره اول توقیف گردید.

[۶۰]

[شکایت احمدشاه از مطالب روزنامه شرق]

گلستان

طهران در قصر

حضرت اشرف نایب السلطنه، انشاءالله احوال شما خوب است. ضمناً لازم دانستم این مطلب را که در روزنامه شرق نوشته‌اند به حضرت اشرف اطلاع بدهم که بی‌اصل است. ماه رمضان خواتین محترمه منزل من نیامدند که به حالت رقص از فتح رحیم خان خبر بدهند و در این ماه هم کسی نیامده. خیلی به نظر من غریب آمد.

هر کس این فضولی دروغ را نموده باید عقب کرد تا پیدا شود که من بعد از این، از این فضولها نکنند. یقین دارم که روزنامه شرق را ملاحظه نمودید. سابقاً در روزنامه نجات هم از این بابت نوشته بودند؛ ملاحظه کردیم. چون در این خصوص حضرت اشرف مؤاخذه نکردید شرق هم در این بابت نوشت. حتماً این شخص مفسد دروغگو باید پیدا بشود که منبع جرایدهای دیگر از این چیزها نویسد.

| احمدشاه |

| ۴۱ و ۴۰-ن |

[۶۱]

[تلگراف قوام السلطنه و توقیف روزنامه تازه بهار]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به طهران

تاریخ وصول

۹ جدی [۱۲۹۹]

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام

روزنامه تازه بهار^۱ در شماره ۶۶ مورخه ۱۸ ربیع الثانی شرح توهین آمیزی نسبت به ادارات طهران درج کرده و اظهار داشته بود در طهران دولت وجود خارجی ندارد. در ضمن اخبار داخلی نوشته بود به موجب اطلاعات خصوصی کابینه استعفای خود را در پرده به مقام مقدس سلطنت تقدیم داشته است. چون انتشار این اخبار اذهان را مشوب و

۱. هفته‌نامه سیاسی، ادبی که ملک‌الشعراى بهار به جای نوبهار منتشر کرد.

خلی نظری قوی - آمد مهر که در این فصول
 دروغ را نمود به بایه عقب که تا پدید آمد
 که نسیب از این از این فظوالی یا نکتند بیضی
 در آن که روزی تا به شرق را ملاحظه نمود پدید
 سابقاً در روزی تا به نجات هم از این بابت
 نوشتند بودند ملاحظه کردیم چو در این
 خصوص حضرت از شرق ملاحظه کردند
 شرق هم در این بابت نوشتند که این کتوف
 مضمون دروغ گو با به پیش میگوید که ~~...~~
 مستحب صراحت بای دیگرا از این صن ~~...~~
 با ملاحظه ~~...~~



حضرت از شرق تا به اسطوره از اله
 احوال ملاحظه است - ضنا لازم است
 این مطلب را که در روزی تا به شرق
 نوشتند از شرق حضرت از شرق اطلاق
 به آنکه اصل است ماه رمضان
 حقایق حضرت به نزل این نیامند
 که نکات رقص از فتح و پیروان
 خبر به رند و در این ماه هر کسی بنده

شهر به هرج و مرج می‌شود قدغن کردم روزنامه مزبور را به مدت غیرمعلومی توقیف نمودند.

۸ جدی، [نمره] ۲۵۰۴
قوام السلطنه
[۵۰۱۰۳ - ن]

[۶۲]

[تلگراف شکوه‌آمیز قوام السلطنه از روزنامه تازه بهار]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از مشهد به طهران نمره قبض ۵۴۶۹ نمره تلگراف ۱۷۸ تاریخ وصول ۲۴ جدی [۱۲۹۹]

مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام

در ضمن نمره ۲۵۰۴ عرض کرده بودم که روزنامه نوبهار در شماره ۶۶ نسبت به اهالی طهران و ادارات طهران عبارات توهین‌آمیزی درج کرده بود که یک جمله آن را محض اطلاع درج می‌نمایم: «هر رئیس اداره در طهران یک شعبه از منابع عایدات ما را در دست گرفته و هر روز به یکی می‌فروشد یا به مزایده می‌گذارد و امروز به یک خریدار و فردا به دیگری. دیگر دولتی در طهران وجود ندارد.» و نیز نوشته بود: «هرچه می‌گردیم جز طهران و هیكل طهران را مخرب و مفسد نمی‌شناسیم. صفحه ایران کاریکاتوری است که طهران در آن صفحه کاریکاتور با یک قیافه درهم و ژولیده آلات قاتله در دست گرفته به زودی بناها و خانمان تاخت و تاز می‌کند و آنچه می‌خواهد می‌برد و هرچه میل دارد خراب و ویران می‌سازد.» همچنین در اخبار داخله نوشته‌اند کابینه حاضر به علمی که هنوز معلوم نیست استعفاء داده.

چون انتشار این مقالات در ولایات اثرات بسیار بدی داشت روزنامه مزبور توقیف شد. پس از ده روز در ضمن نصایح و سفارشات مؤکده در ترک این رویه اجازه طبع داده شد. متأسفانه پس از رفع توقیف در اولین نمره که انتشار داده است همان مشی اول را تعقیب و از توقیف ده روزه متنبه نشده است.

البته تصدیق می‌فرمایند مادام که مرکزیت و اعتبارات دولت محفوظ است این نوع انتشارات و توهینات نسبت به ادارات متبوعه مرکزی فوق‌العاده بد اثر و مورث هرج و

مرج است. محض جلوگیری از نظایر ...^۱ لازم بود روزنامه مزبور ثانیاً توقیف و از انتشار آن جلوگیری شود و قدغن شد توقیف روزنامه را به مدیرمسئول آن ابلاغ نمودند.

۲۳ جدی ۲۵۹۸

قوام السلطنه

[در حاشیه:] این تلگراف را لازم است جناب ملک الشعراء ملاحظه فرمایند والا تصدیق خواهید فرمود که این رویه اخیر اثرات خیلی بدی می‌نماید. به ایالت هم تلگراف شود که البته این روزنامه را توقیف نمایند. و هریک از این قبیل در شکل بخواهند بنویسند باید توقیف شود.

[۱۲-۹۷۹/۹]

[۶۳]

اگزارش تلگرافی مصدق السلطنه در مورد روزنامه گلستان و بهارستان

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به طهران نمره قبض ۱۸۰۶ نمره تلگراف ۴۵ تاریخ وصول ۱۴ دلو [۱۲۹۹]

توسط جناب آقای متین الدوله به مقام منبع حضرت مستطاب اشرف اعظم بندگان ریاست وزراء عظام دامت عظمته

تلگراف مبارک نمره ۱۰۴۰۷ [را] زیارت نموده مدیران جراید گلستان^۲ و بهارستان^۳ به طور خصوصی حاضر شدند مندرجات خود را به این قسم جبران نمایند که آنچه را ایالت جلیله خراسان به عنوان تکذیب مرقوم فرمایند در جراید خود درج نمایند که به کلی رفع غائله شود. بنده در تحت این نظر تلگرافی به ایالت جلیله خراسان عرض نمودم. جوابی که مرقوم فرموده‌اند مفادش این است که به این قسم اقدام نمی‌فرمایند و باید مدیران جراید مخبرین خود را معرفی نمایند که مطابق مقررات قانون رسیدگی و از محاکم صالحه تکذیب بخواهند.

بعد از وصول این تلگراف مدیران جراید چنین اظهار فرمودند: حال که ایالت جلیله

۱. ناخوانا

۲. هفته‌نامه و روزنامه سیاسی محافظه‌کار به مدیر مسئولی ملک‌المحققین تقوی و سید محمدتقی گلستان که توقیف گردید. این دو با همکاری هم مجله ادبی و خیری گل سرخ را نیز منتشر می‌کردند.

۳. هفته‌نامه سیاسی به مدیر مسئولی حبیب‌الله نوبخت. دو دوره منتشر شد که توقیف گردید.

خراسان می‌خواهند مطابق قانون رفتار نمایند لازم است معلوم فرمایند کدام قانون ما را به معرفی مخبرین ملزم می‌نماید؟ هرگاه چنین قانونی را تعیین فرمودند مخبرین خود را معرفی می‌نماییم والا در این موارد مسئول مدیر جریده و حاکم قضایا قانون مطبوعات است و به موجب قانون مزبور خودمان برای محاکمه حاضریم. این است خلاصه عرایض آنها؛ دیگر منوط به امر مبارک است که به هر قسم امر دستور فرمایید اقدام نماید.

[در حاشیه:] ایالت خراسان تلگراف شود راجع به روزنامه بهارستان و گلستان ایالت فارس این‌طور اطلاع می‌دهد، حضرت عالی می‌دانید با این قانون مطبوعات محکومیت مدیران جراید غیر ممکن است. اگر میل دارید به یک مدت محدودی از انتشار این دو روزنامه جلوگیری شود والا راه دیگری که منتهی به مدارک قانونی باشد اظهار فرمایید اقدام شود.

[۸۰۹-۹۷۹]

[۶۴]

نامه یحیی ریحان مدیر روزنامه نوروژ از زندان به سید ضیاءالدین طباطبایی و انتباه از گذشته خود

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمة

حضرت اشرف، از گوشه محبس به نگارش این معروضه مصدع خاطر مبارک می‌گردم. اگر توقیف جریده نوروژ^۱ و توقیف مدیر جریده نوروژ در این قرن بیستم از طرف شخص حضرت اشرف، که یکی از پیشوایان آزادی افکار و جریده‌نگاران قرن حاضر ایران به شمار می‌روند، واقع می‌شد این بنده حق داشتم فریاد شکایت و اعتراض خود را، اگرچه از گوشه محبس، بلند سازم ولی، در مقابل اعتراضهای عموم مردم، حضرت

۱. میرزا یحیی‌خان ریحان تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ روزنامه گل زرد را منتشر می‌کرد. همزمان با کودتا این نشریه تعطیل شد ولی به علت رفاقتی که وی با سید ضیاء داشت امتیاز روزنامه سیاسی نوروژ را به دست آورد. این روزنامه اولین روزنامه منتشره پس از کودتا بود. بدین علت همه فکر می‌کردند که ناشر افکار دولت است. شماره اول هیچ مسئله‌ای نداشت ولی در شماره دوم به علت انتشار مقاله «غارنگران مفتخر» که به وسیله تیگران ارمنی نوشته شده بود روزنامه تعطیل شد و مدیر مسئول آن به زندان و در حقیقت به دارالمجانین فرستاده شد. همان یک شبی که وی در دارالمجانین به سر برد برایش کافی بود که از عمل خود توبه کند! برگرفته از: سید فرید قاسمی. صد خاطره از صد رویداد. تهران، انتشارات اصالت تنشیر، ۱۳۷۷.

اشرف کاملاً حق داشته‌اند هرگونه اقدام سخت دربارهٔ بنده و جریدهٔ بنده به جا بیاورند. مقصود از توقیف بنده فقط هواداری از افکار مردم و رضایت خاطر عموم بوده است و چون این مأمول به جا آورده شده و این مسئله در جراید هم منعکس گردیده است تصور نمی‌نمایم حضرت اشرف راضی باشند بیشتر از این چند شبانه‌روز یک نویسنده و شاعر جوان در محبس زیست نماید.

خدای من شاهد است که از نقطه نظر آزادی‌طلبی و آزادی فکر و عقیده بود که من مقالهٔ مزبور را در جریدهٔ خود منتشر ساختم و ابتدا این تصور را نمی‌نمودم که اینقدر گرفتار بی‌مهری و خشم حضرت اشرف و سایر مردم واقع خواهم شد ولی حالا که این اقدام بنده در نظر دیگران یک اقدام جنون‌آمیزی به شمار رفته است باور کنید اگر عرض نمایم با این توقیف برای تعقل بنده، و دست نگاهداشتن در نشر بعضی مقالات در غیر عصرهای مقتضیه و برخلاف افکار عمومی، کفایت می‌نماید.

ولی ضمناً خودم را مجبور می‌بینم خاطر انور حضرت اشرف را به این نکتهٔ مهم معطوف سازم که، از نقطه نظر وجدان و انصاف، نباید این بنده را زیاد مقصر بشناسند زیرا نویسنده مقاله شخص دیگری می‌باشد که به من اظهار داشته است حاضر می‌باشد از طرف مدیر جریدهٔ نوروز وکیل گردیده و با هر کس که مدعی و مخالف نگارشات و عقیدهٔ او می‌باشد محاکمهٔ علمی و قانونی و رسمی بنماید. این نکته فقط محض اطلاع حضرت اشرف عرض گردید که اگر مایل باشند من آن وکیل را معرفی نمایم والا حضرت اشرف قطعاً مطلع شده‌اند که این بنده در این خصوص تقصیرکار نبوده‌ام فقط مرتکب یک اشتباه شده‌ام. و به علاوه این، خودم هم اعتراف می‌نمایم چقدر این اشتباه بزرگ بوده است.

در این صورت از مراتب لطف و شفقت حضرت اشرف مستدعی است: اولاً رفع توقیف فدوی را امر فرمایند؛ ثانیاً - اگر مقتضی باشد - و سایل جبران این اشتباه را که پس از آن همه سوابق ملی و محبوبیتها بدون هیچ‌گونه گناه مستقیم متوجه بنده شده است، به خود فدوی واگذار نمایند که برای رفع آن و ترمیم آن قادر خواهم بود. منوط به لطف و عطف حضرت اشرف است.

در مجلس نظمیه مورخهٔ عصر روز چهارشنبه

فدوی | میرزا یحیی خان ریحان |

[۲۳۴۸ و ۲۳۴۷ - ن]

[۶۵]

تلگراف نصرت السلطنه مبنی بر توقیف یک شماره روزنامه عصر آزادی
به خاطر توهین به سردار سپه

ریاست وزراء
ورقه تلگرافی

نمره ۹۴۷

به تاریخ ۲۵ میزان ۱۳۰۰
استخراج تلگراف شیراز

خدمت حضرت مستطاب اشرف اجل اکرم آقای رئیس الوزراء دامت شوکته
روزنامه عصر آزادی^۱ نسبت به حضرت وزیر جنگ خبری در شماره ۱۰ مورخه ...
درج کرده بود از طرف اینجانب پس از تکذیب نمره فوق جمع شد. حضرت اشرف هم
مقرر فرمایند شماره مزبور را در پستخانه توقیف نمایند.
مدیر روزنامه مزبور غالباً در انتشار اخبار بی اصل اسباب زحمت می شود چنانکه در
نمره های دیگر شرحی خارج از نزاکت بر ضد قنسول انگلیس نوشته و اسباب اعتراض
قنسول انگلیس شده است. ۱۰ صفر نمره ۳۷۲۰
نصرة السلطنه
[۶۱۹۲۱ - ن]

[۶۶]

دستور توقیف یک شماره از روزنامه عصر آزادی شیراز

ریاست وزراء

مورخه ۲۶ برج میزان ۱۳۴۰

خیلی فوری است

نمره ۱۱۱۹۵

وزارت جلیله پست و تلگراف

قدغن فرمایید نمرات (۱۰) روزنامه عصر آزادی را که در شیراز طبع شده است پس از
ورود پست فارس توقیف نموده از انتشار آن ممانعت نمایند. [۶۱۹۲۰ - ن]

۱. هفته نامه اجتماعی که به وسیله میرزا جوادخان آزادی ملقب به مدیرزاده منتشر می شد. این نشریه کلاً در سه
دوره در طول ۲۲ سال منتشر شد. از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۱.

۲. تاریخی درج نشده بود.

[۶۷]

[شکایت مدیر روزنامه مینواژ رئیس معارف]

اداره روزنامه یومیه مینوا طهران
 اخبار وارده بدون تعطیل در ظرف
 ۲۴ ساعت منتشر می شود.
 نمره ۱۱۷

مقام مقدس بندگان حضرت اشرف مشیرالدوله رئیس الوزراء دامت شوکته
 در تکمیل عریضه رسمی که به مقام مقدس راجع به اجازه روزنامه برای این جانب
 شده است لزوماً متذکر می شود؛ عریض مفصل است فقط یک جمله قناعت می نمایم:
 در تمام ملل متمدنه مرسوم است امر مقام مافوق را مادون بایستی اطاعت نماید.
 اینک امر و حتی دستخط آن مقام با تأییدی که از طرف وزارت معارف برای رئیس
 معارف شده برای ... خشتی می نماید؛ این مطلب را کجا باید گفت؟

رئیس معارف شخصی است که قانون مطبوعات را نخوانده و نمی داند که نوشتن
 روزنامه محتاج به خواستن اجازه نیست؛ در ادوار فترت این بدعت را مرسوم نموده اند.
 بنده که خمیره مطبوعاتم و بزرگ شده روزنامه ام تحمل شنیدن این اباطیل را ندارم و فقط
 برای امثال اوامر آن رئیس تمنا می کنم حکم مؤکدی صادر فرمایند که اجازه داده شود.

علی سهیل
 مدیر روزنامه مینو
 [۱۲-۱۳۷۲]

[۶۸]

[تلگراف مصدق السلطنه به وزارت داخله]

وزارت داخله
 سواد تلگراف رمز ایالت آذربایجان
 مورخه ۸ سرطان ۱۳۰۱
 نمره ۲۳۱

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته
 حکومت اردبیل تلگرافاً راپورت می دهد که اخیراً انتشار بعضی اخبار اردو و

۱. روزنامه خبری، سه شماره در هفته. مدیر آن میرزا علی خان سهیل بود. وی روزنامه ایران امروز که طرفدار
 کارگران بود را نیز منتشر می کرد.
 ۲. در سند بدین شکل آمده است.

انقلابات دیگر که از روزنامه‌جات میان عشایر می‌رسد موجب هیجان اشرار و تجری طوایف شده است، و درخواست نموده که ورود هر نوع روزنامه‌جات به صفحات اردبیل ممنوع شود. بنده برای حفظ نظم و انتظام و امنیت جواباً به حکومت نوشتم که به رئیس پست اردبیل بپارند روزنامه‌جات را توقیف نماید. از مرکز نیز همین اقدام اگر مقتضی باشد البته خواهند فرمود.

[در حاشیه:] پس از برداشتن سواد عین تلگراف را به وزارت داخله بفرستید ۴/۱۳
[۲۸-۱۳۴۱]

[۶۹]

[تعیین نماینده‌ای از وزارت معارف برای بازبینی مطالب جراید]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۶۷۷۷

تاریخ ارسالی ۷ سنبله ۱۳۰۱

وزارت جلیله معارف و اوقاف

در تعقیب نمره ۲۹۳۵ تأکیداً زحمت می‌دهم که قدغن فرمایید از طرف آن وزارت جلیله یک نفر معین شده با مأموری که از طرف نظمیه تعیین شده است همه روزه مطبوعات و جراید را به دقت مطالعه و هر روزنامه که برخلاف مقررات قانون مطبوعات رفتار نموده باشد مطابق بیانیه ۳۱ جوزا نسبت به او اقدام نماید؛ و همچنین مراقبت شود اشخاصی که امتیازات متعدد دارند اگر روزنامه آنها مطابق مقررات قانونی توقیف شد از طبع و انتشار امتیاز دیگر ممنوع باشند؛ و نیز مأمورین معارف و نظمیه مواظبت نمایند صاحبان امتیاز روزنامه بدون اجازه و اطلاع وزارت جلیله معارف امتیاز خودشان را به دیگری انتقال ندهند.

مطالب فوق برحسب تصمیم هیئت وزراء به آن وزارت جلیله اظهار می‌شود؛ باید قدغن اکید فرمایند فوراً به اجرای آنها اقدام نمایند.
[۵-۱۳۷۵]

[۷۰]

[اعتراض کارگران چاپخانه از اداره نظمیه]

سواد عرضحال مدیر اتحادیه کارگران مطابع

ریاست محترم دارالشورای ملی شیدالله ارکانه

اداره نظمیه دیشب با عده زیادی از آژانها چندین نفر از کارگران مطابع اجباراً به زور

ته تفنگ مجبور به چیدن جراید ستاره ایران و گلشن و تجارت ایران و ایران کرد دو نفر را هم حبس کرده است.

از آن مقام محترم متوقعیم که کارگرانی را که الساعه در مطبعه روشنائی و مجلس نظمیة محبوس هستند خلاص و آزاد نمایند چون که این اقدام برخلاف آزادی شغل و شخص و برضد قانون اساسی است. اقدام عاجل را خواستارم.

مدیر اتحادیه کارگران مطابع

[۲۸۲-۱۳۴۱]

[۷۱]

[نامه مؤتمن الملک به قوام السلطنه]

مجلس شورای ملی

نمره ۱۱۰۹۹

مورخه ۱۶ برج سنبله ۱۳۰۱

ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکتهم

جمعی از کارگران مطابع متظلم هستند که با عدم میل به کار کردن آنها را مجبور نموده‌اند که اخبار جراید ستاره ایران، گلشن، نجات ایران و ایران را بچینند و چون مشارالیهم استنکاف نموده‌اند چند نفر از آنها در نظمیة حبس شده‌اند.

مدیر اتحادیه کارگران مطابع نیز در این باب شرحی نوشته؛ با ملاحظه سواد آن که لفاً ارسال می‌شود صحت و سقم و سابقه قضییه استعمال و ضمناً یادآور می‌شود که در صورت صدق اظهارات آنها اگر مایل به چنین کارکردنی نباشند نمی‌توان مجبور به کارکردن آنها نمود و مقتضی است به طریقی که صلاح دانسته و زودتر در اسکات و آسایش متظلمین اقدام نموده و نتیجه را اعلام فرمایند.

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملک

[۲۸۱-۱۳۴۱]

[۷۲]

[عدم التزام برخی جراید به مواد جدید قانون مطبوعات]

نظمیة طهران

مورخه دوم شهر ربیع‌الثانی مطابق ۳۰ برج عقرب ۱۳۴۱
نمره ۳۸۵

مقام منبع ریاست محترم وزراء عظام

از قرار راپورت واصله از کمیساریای نمره ۱ ناحیه ارک درخصوص دو ماده قانون مطبوعات مصوبه مجلس مقدس شورای ملی که مقرر شده بود از مدیران مطابع و جراید التزام اخذ شود که برخلاف مقررات آن رفتار نکنند فقط مدیران جراید ذیل، وطن، گلشن، زنبور، جنت، او | قانون از سپردن التزام امتناع دارند. اینک مراتب را به عرض رسانیده به هر طوری که امر و مقرر فرمایند اطاعت شود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

وستداهل

[۴۱-۱۳۷۵]

[۷۳]

[نامه مدیر روزنامه گلشن و شکایت از عدم ارسال روزنامه بوسیله پست]

تاریخ ۲۲ ج ۱ ۱۳۴۱

«طهران»

«اداره روزنامه گلشن»

محترماً به عرض می‌رساند:

قوام‌السلطنه، برخلاف تمام قوانین دنیا، سه ماه محرمانه به پستخانه امر نمود که روزنامه گلشن^۱ را برای رساندن به مقصد تحویل بگیرند اما نرسانند، در صورتی که روزنامه ممنوع از انتشار نبود و در طهران آزادانه منتشر می‌گشت. و او به وسیله این اقدام خائنانه هم به پستخانه دزدی آموخت و هم سی‌شماره روزنامه گلشن را از بین برد و اینک هم با بودن هیئت منصفه و محکمه مطبوعات بدون محاکمه با کمال خودسری فقط به اراده خویش روزنامه گلشن را توقیف نموده. چون این روزنامه گناهی سوای آن که تابع اراده او نشده ندارد و پس از آن خساراتی که خائنانه وارد آورده طاقت خسارت توقیف باقی نمانده و ناچار برای حفظ حیات خود باید به هر تشبیهی متشبث گردد؛ و چون ممکن است بعضی اقدامات منافی مصالح عمومی باشد و حضرت عالی یکی از افراد میرز این

۱. مجله و هفته‌نامه خبری به مدیریت آفاسید محمدرضا امیررضوانی به جای روزنامه سروش ایران هم منتشر شد. سه دوره منتشر شد از ۱۲۹۶ تا ۱۳۱۳ و مدتی توقیف شد.

مملکت و در خیر و شرآن سهیم و شریک هستید لذا خاطرتان را مستحضر داشته که اگر می‌توانید قوام السلطنه را از این‌گونه اعمال خودسرانه به وسایلی منع فرمایید والا کارکنان این اداره به هر اقدامی مبادرت ورزیدند ملامتشان ننماید. محمدرضا امیررضوانی [۱۹-۱۳۴۱]

[۷۴]

[شکایت رضاخان سردار سپه از مطالب یک روزنامه]

وزارت جنگ
فوری است

تاریخ ۲۶ برج ثورثیل

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

در مورد روزنامه‌ای که لفاً به نظر محترم می‌رسد بنده نمی‌خواهم اظهار عقیده بنمایم و موکول می‌دارم به نظر حضرت اشرف عالی، ولی از اظهار این نکته ناگزیریم که در حالی که دولت ایران دارای حکومت ثابتی است و زمامداران حالیه هم خیال مداومت در کار داشته باشند آیا با این ویژه و اسلوب دوام حکومت ممکن است یا خیر؟ و آیا با این فساد که اخلاق محیط را فرا گرفته و با این شدت بساط هرج و مرج را تبلیغ می‌کنند امکان مداومت برای هر حکومت ثابتی باقی می‌ماند یا خیر؟ متشکر خواهم شد از اینکه در این مورد نظریه حضرت اشرف را به بنده مرقوم فرمایند.

[سردار سپه]

[۹۷۸۱ - ن]

[۷۵]

[عفو مدیر روزنامه اقدام از سوی احمدشاه]

ریاست وزراء

نمره عمومی ۸۶۴۴

تاریخ ثبت ۳۰ برج سنبله ۱۳۰۲

وزارت جلیله معارف و اوقاف

به طوری که مسبوقید در نمرات اخیر روزنامه اقدام مقالاتی مندرج شده که نسبت به مقام سلطنت عظمی توهین شده و عدلیه مدیر آن را تعقیب و شروع به محاکمه کرده و



شیخ علی دشتی و جمعی از روزنامه‌نگاران در سال ۱۳۹۸ شمسی ردیف وسط از چپ: محمد زره، نقر سوم حسن دستگردی، علی دشتی، علی اکبر دهخدا، محمدتقی بهار، زین‌العابدین رهتما و رشید یاسمی | ۱۱-۱۳۹۷

روزنامه هم توقیف بوده. چون بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده به اقتضای عواطف خسروانه از این موضوع گذشت و عفو فرموده‌اند دیگر مانعی روی انتشار روزنامه مزبوره نیست؛ قدغن نمایند اداره نظمیۀ مانع طبع و انتشار آن نباشند. [در حاشیه:] و همچنین به وزارت عدلیه هم اطلاع داده شود.

[۹۶۰۴ - ن]

[۷۶]

[شکایت زین‌العابدین ره‌ما از سانسور بی‌قاعده]

تهران

روزنامه یومیه ایران

نمره ۷۱۳

تاریخ ۱۵ برج سنبله سنه ۱۳۰۳

توسط حضرت اشرف آقای ذکاءالملک مقام محترم هیئت وزراء عظام دامت شوکتہ چنانکه خاطر محترم وزراء عظام مسبوق است استقرار حکومت نظامی برای جلوگیری از پاره‌ای دسایس و انتریک‌هایی بود که دولت ناگزیر از آن بود. پس از استقرار حکومت نظامی از طرف نظمیۀ مفتش در مطابع گذاشته شد که مطبوعات را کنترل نمایند. ماده ۸ قانون مزبور راجع به جراید است که حق ندارند بر علیه دولت انتشاراتی بدهند. در تمام این قانون اسمی از سانسور برده نشده است. مع‌ذالک از نقطه نظر لزوم سانسور برقرار گردید. حالا مأمور سانسور هم حقیقتاً جنبه افراط را گرفته است و اسباب شکایت تمام شده است. روزنامه ایران^۱ در این شکایات شرکت نکرده است ولی از نقطه نظر علاقه به دولت لازم می‌داند که مراتب را به اطلاع آن هیئت محترم برساند تا جلوگیری نموده و نگذارند بیهوده مردم را برنجانند:

ما به مأمور سانسور اظهار کردیم که آنچه ممنوع است بگویید تا ما خودمان ننویسیم و اسباب زحمت ما و شما نشود. اظهار داشت:

راجع به گاومیری، خرابی زراعت، سیل، برف، حریق اینها ممنوع از نوشتن است. اخیراً بر این مسئله اضافه شده است که نطق و کلاء را راجع به مسائل اقتصادی سانسور

۱. روزنامه پرسابقه سیاسی خبری که از سال ۱۲۵۲ روزنامه رسمی و جانشین هفته‌نامه‌های علمی، دولت ایران و ملت سینه گردید. دارای شش دوره انتشار است که در دوره چهارم آن یعنی از سال ۱۳۰۲ که صاحب امتیاز آن میرزا زین‌العابدین‌خان ره‌ما گردید یک هیئت تحریری به ریاست آقا‌شیخ یحیی کاشانی به وجود آورد. از این پس از دولت کمک گرفت ولی کماکان روزنامه رسمی تلقی می‌شد. ره‌ما در سال ۱۳۱۶ به عراق تبعید شد و دوره پنجم انتشار آن به کمک عبدالمجید موقر آغاز شد.



زین‌العابدین رهنما، مدیر روزنامه ایران | ۵۷۷-۴

می‌کنند. روزنامه ایران می‌نویسد، قند و چای چون زیاد وارد می‌شود مردم باید متوجه زیان آن باشند. در اینجا هم اظهار می‌کنند که نوشته نشود زیرا عامه مضطرب خواهند شد.

برای اطلاع هیئت وزراء عظام مطالب عرض و قضاوتش بسته به نظر آن آقایان محترم است. به عقیده این اداره ممکن است از مسائلی که برعلیه دولت انتشار می‌یابد جلوگیری کنند ولی جلوگیری از مسائل اقتصادی و مسائل مربوط به امور مالی خیلی عجیب به نظر می‌آید؛ دیگر بسته به نظر وزراء عظام است.

رهنما

[در حاشیه: سواد برای نظمیه فرستاده، تأکید در صحت سانسور کرده و توضیح خواسته شود.]

[۸۶۵ - ن]

[۷۷]

[نامه سردار سپه در مورد چگونگی اعمال سانسور]

ریاست وزراء

نمره ۶۲۵۷

به تاریخ ۱۹ برج سنبله ۱۳۰۳

اداره تشکیلات نظمی

سواد مکتوب آقای رهنما نماینده محترم مجلس شورای ملی را تلوأ ملاحظه می‌نماید. مقصود از سانسور جراید جلوگیری از انتشار مطالبی است که مخالف سیاست دولت یا موجب تهییج و اغتشاش بشود. در این صورت از درج مقالاتی که راجع به فلاح و تجارت و سایر مسائلی که مربوط به سیاست جدید نیست نباید جلوگیری نمود. به هر حال با ملاحظه سواد مراسله آقای رهنما لازم است به مأمورین سانسور تعلیماتی بدهید که، برخلاف تربیت، مزاحم ارباب جراید نشده و در آن مورد به خصوص توضیح نمایند که مطلب از چه قرار بوده است.

[۸۶۴ - ن]

[۷۸]

[نامه نظمی در مورد چگونگی اعمال سانسور در جراید]

I IS I I U

S

وزارت داخله

اداره تشکیلات نظمی ایران

۵۳۵/۱۵۴

۲۶ سنبله ۱۳۰۳

اداره جلیله کابینه ریاست محترم وزراء عظام

در جواب مرقومه مطاعه به نمره ۶۲۵۷، متضمن سواد مراسله آقای رهنما مدیر جریده ایران و نماینده محترم دارالشورای ملی راجع به شکایت از مأمور سانسور جراید، لزوماً به عرض می‌رساند که سانسور جراید تاکنون به میل و نظر شخصی واقع نشده بلکه، بالعکس، هر قسمتی را که مأمور مزبور سانسور نموده بنا به دستوری است که قبلاً

در دست دارد. با این کیفیت، بدیهی است نمی‌شود استرضای خاطر مدیران جراید را فراهم ساخت.

و اما اینکه می‌نویسند چیزهای غیرلازمی سانسور می‌شود که ابداً مربوط به سیاست نیست این مطلب به کلی مخالف با واقع است زیرا سانسور جراید در روی کاغذ است و اگر متشکیان فی الحقیقه در اظهار خود محق می‌باشند خوب است عین آن مطالب را در کمیسیونی که در این باب تشکیل شده و می‌شود مورد مذاقه قرار داده و تجاوز مأمور را اطلاع دهند. پرواضح است در صورت صدق مدعا فوراً جلوگیری از نظایر آن خواهد شد.

و اما اینکه مدعی هستند که از مأمور مذکور سؤال کرده‌اند که چه مطالبی باید در جراید درج شود جواب کافی نداده این قضیه محتاج به عرض نیست، که اگر بنا باشد عین دستور مرجوعه و نظریات خود را مأمور سانسور به مدیران جراید اظهار بدارد این قضیه بر مصالح دولت معکوس نتیجه بخشیده و اشکالاتی حاصل خواهد شد که بالمال برخلاف منظور دولت واقع می‌گردد و به طور کلی هم عین مذاکرات مطروحه مجلس بدون حشو و زواید در جراید معمولاً سانسور نشده مخصوصاً نطق آقای دولت‌آبادی که در کلیه جراید هم درج شده؛ این است مأخذ شکایت مدیران جراید از مأمور سانسور.

با این ترتیب تصور نمی‌رود که مأمور مزبور در اجرای وظیفه خود تخطی یا تجاوزی کرده باشد. به هر تقدیر، برای خاتمه دادن به همین شکایت، بنا به تقاضای این اداره کمیسیونی در حکومت جلیله نظامی تشکیل شده که در چنین موارد به شکایات طرفین رسیدگی نموده و از روی حکمت موضوع را حل و عقد نمایند. رئیس کل تشکیلات نظمیه. [در حاشیه:] از طرف کابینه به آقای رهنما بنویسید بر اثر شکایتی که از طرز سانسور فرموده بودید حکومت نظامی کمیسیونی برای رسیدگی به سانسور جراید تشکیل داده است تا هر وقت اختلافی بین مأمورین سانسور و متصدیان جراید یا شکایتی از ناحیه جراید به عمل بیاید در آنجا محل تحقیق و رسیدگی درآید.

۲۹ سنبله

[۸۷۸ و ۸۷۷ - ن]

[۷۹]

[تشکیل شعبه مطبوعات در وزارت داخله]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۰۰۴۱

تاریخ ارسال ۲ میزان

نظر به مقتضیات اداری مقرر است از این تاریخ شعبه‌ای به نام شعبه مطبوعات در وزارت داخله تشکیل و به وظایف مرجوعه که اساس آن از قرار ذیل است تصدی نماید:

مطالعه تمام جراید پایتخت و ایالات و ولایات و دقت نظر در مقالات و مندرجات آنها که مخالف نظم و امنیت یا مورث توهین مقامات خارجی و داخلی باشد؛ و همچنین مندرجاتی که با مواد قانون مطبوعات مخالفت داشته باشد و تطبیق مندرجات با مقررات قانون و راپورت فوری آن به مقام وزارت.

شعبه مزبور، مرکب از یک نفر رئیس شعبه، که ضمناً متصدی امور ترجمه نیز خواهد بود، و یک نفر منشی درجه سوم که از تاریخ صدور این حکم مشغول خدمت خواهند شد. [۲۳۲-۱۶۶۶]

[۸۰]

[نحوه سانسور وقایع خوزستان در جراید]

وزارت جنگ

حکومت نظامی طهران و توابع

نمره ۳۸۴۲

تاریخ ۲۷ برج عقرب ۱۳۰۳

مقام محترم وزارت جلیله مالیه دامت شوکتہ

در جواب مرقومه مورخه ۲۶ برج جاری تصدیع می‌دهد: علت اینکه از طرف حکومت نظامی درج وقایع خوزستان در جراید ممانعت شده بود برای این نکته بود که اخبار غیر صحیح و افواهی انتشار پیدا نکند. بدیهی است چنانچه اخبارات متکی به مراکز مربوطه بود و در صحت آنها تردیدی نباشد از طرف مأمورین حکومت نظامی جلوگیری نخواهد شد. همین قسم هم به اداره نظمیہ دستور داده شد که از انتشار اخبار صحیح ممانعت ننمایند.

سرتیپ [۹]

[۸۶۳ - ن]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع [۸۱] انسانی

[درخواست کمک مالی علی کافی مدیر ماه‌نواز سردار سپه]

طهران

اداره جریده ملی «ماه نو»

نمره خصوصی

ضمیمه ندارد

تاریخ ۸ شهر رجب ۱۳۴۳

مقام مقدس حضرت اشرف اعظم آقای سردار سپه رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا دام عظمه و شوکتہ در تعقیب عرایض حضوری و وعده صریحی را که در بذل مراحم توسط بندگان آقای

مدیرالملک فرموده بودید، فقط مختصراً تذکر داده و دیگر هیچ لازم نمی‌داند که عرض کند مدت‌های مدید، یعنی در حدود هفده سال، در مطبوعات خدمت کرده و مؤسسه بنده که در خیابان لاله‌زار است در اوایل زمامداری حضرت اشرف به شهادت همه دارای یک هزار تومان سرمایه بود که حالیه فنا شده‌ام.

فقط و فقط با قبول صریح حضرت اشرف خود را دلخوش داشته و حالیه ایفای آن را از روح پاک و آستان مقدست تمنا می‌نمایم. فدوی آستان حضرت اشرف، علی کافی مدیر ماه نو^۱ و جریده طبیعت و قرائتخانه [۲۹۴-۱۶] (در حاشیه: ضبط شود).

[۸۲]

[نامه ابوالقاسم اعتصام زاده مدیر ستاره ایران و تقاضای کمک از سردار سپه]

اداره جریده یومیة

ستاره ایران - طهران

مرکز ...

S I

به تاریخ ۱۱ حوت ۱۳۰۳

نمره خصوصی است

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت عظمة

پس از تقدیم مراتب جان نثاری و دولتخواهی جسارت می‌ورزد: البته بندگان حضرت اشرف دامت عظمة ملاحظه فرموده‌اند که فدوی، خواه در حیات مرحوم صبا و خواه بعد از فوت آن مرحوم، در صفحات روزنامه ستاره ایران^۲ قلم خود را همیشه صرف دفاع سیاست وطن‌پرستانه آن ذات مقدس کرده و، وجود این، تا امروز توقع و استدعایی از حضور مبارک ننموده است. در این یک ماه و نیم اخیر نیز که مسئولیت اداره ستاره ایران به عهده فدوی واگذار شده چون به موجب قراردادی که با ورثه مرحوم صبا منعقد گردیده فدوی متعهد شده‌ام قریب دوهزار تومان قروض مرحوم صبا را پرداخته و به علاوه ماهی پنجاه تومان تا پنج سال به ورثه آن مرحوم بپردازم و به واسطه اینکه امور اداره پیشرفت نمی‌کند فدوی در این مدت تمام دارایی خود را صرف این کار کرده و مبلغی نیز مقروض شده‌ام.

۱. هفته‌نامه اجتماعی به مدیر مسئولی علی کافی بین سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۱ منتشر می‌شد.

۲. وی علاوه بر روزنامه بالا که بین سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۷ منتشر می‌شد مدیر مسئولی روزنامه ستاره جهان و مدیر سیاسی روزنامه ژورنال دو تهران را نیز بر عهده داشت.

آقای امیرلشکر مرکز به خوبی می‌دانند اولین سرمایه‌بنده از چه ممری بوده، یعنی از فروش اثاثیه منزل خود، تا بتوانم با عشق سرشاری که به خدمت داشتم در انجام وظیفه بکوشم. اینک چون دیگر سرمایه و اعتباری باقی نمانده مستدعی است مقرر فرمایند مدد خرجی به طور مستمری ماهیانه، یا یک دفعه، به ستاره ایران مرحمت شود به اندازه‌ای که بتواند چند ماهی دوام کند. بدیهی است با نظر مرحمتی که نسبت به ستاره ایران دارند از بذل این توجه مخصوص دریغ نفرموده، و بندگان حضرت اشرف روحانفاده راضی نخواهند شد که صمیمی‌ترین جان نثار حضرت اشرف که در بعضی مواقع نیز داوطلبانه پیشقدم بوده و خواهد بود دچار عسرت و تنگدستی گردیده و روزنامه ستاره ایران به محاق تعطیل بیفتد. باقی بسته به میل و امر مبارک است.

جان نثار، ابوالقاسم اعتصام‌زاده

مدیر ستاره ایران

[۸۷۱ - ن]

مطبوعات و سیاست خارجی (۴)

[۸۳]

[نامه سفارت انگلیس به قوام‌السلطنه و شکایت از برخی نشریات ضد انگلیسی]

۱۹ میزان ۱۳۰۰

۱۲ اکتبر ۱۹۲۱

جناب اشرف ارفع

پس از وصول پیغام دوستانه که جناب اشرف محبت فرموده به توسط کلنل گری به دوستدار فرستاده بودند و نهایت قدردانی را از آن داشتم، چنانکه جناب اشرف به خاطر خواهند داشت، جواب دادم که اگر روابط فیما بین انگلستان و ایران بایستی اصلاح شود به نظر دوستدار بهتر این است که جناب اشرف مراقبت فرمایند که لحن شدید بعضی از جراید برضد انگلیس تخفیف یابد. یقین دارم جناب اشرف این نکته را به خاطر خواهند داشت و مایلم در این موضوع خاطر محترم را مراجعه دهم به بعضی از روزنامه‌های شیراز که عصر آزادی و گلستان و عدالت^۱ و اصطخر^۲ می‌باشد که به طور خشونت به دولت

۱. هفته‌نامه خبری به صاحب امتیازی حسین عدالت در دهه اول ۱۳۰۰ش منتشر می‌شد.

۲. روزنامه و هفته‌نامه سیاسی و اجتماعی به مدیر مسئولی محمدحسین استخر. این نشریه در سه دوره انتشاراتی منتشر شد که دچار وقفه‌های طولانی نیز گردید. بین سالهای ۱۲۹۷ تا ۱۳۳۸.



سر در سفارت بریتانیا | ۲۸۵-۱۴۳-الف

انگلیس و قشون جنوب و قونسول انگلیس بی‌احترامی نموده و آنها را متهم می‌سازند و می‌گویند که آنها عمداً مهیج اغتشاش ایران می‌باشند.

عصر آزادی در یک مقاله می‌گویند که بعضی سرفتهای پست به تحریک مستر چیک^۱ (قنسل انگلیس در شیراز) اتفاق افتاده است. امیدوارم جناب اشرف اقدامات لازمه برای رفع فوری این گونه اشاعات که اسباب تلخی روابط فیما بین در مملکت است به عمل آورند.

ر. بریجمن^۲

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

[۶۱۹۲۴ - ن]

۱. هربرت جورج چیک وی مدت‌های طولانی در ایران به کارهای مختلف سفارت

انگلیس مشغول بود. در این زمان مسئول کنسولگری شیراز از بیست و سوم مارس ۱۹۲۱ گردید و در صفحات جنوبی کشور منشأ اثر زیادی بود.

۲. ریچینالد فرانسس اورلاندو بریجمن رایزن سفارت تهران از

اول نوامبر ۱۹۲۰ تا پانزدهم ژوئیه ۱۹۲۱. کاردار از دوم اکتبر تا نوزدهم دسامبر ۱۹۲۱.

اشکایت سفارت انگلیس به قوام السلطنه از برخی نشریات فارس]

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس - طهران

۲۶ میزان ۱۳۰۰

جناب مستطاب اشرف ارفع

شرف دارم خاطر جناب اشرف را مراجعه دهم به مراسله خود مورخه ۱۹ میزان (۱۳ اکتبر)؛ در آن مراسله خاطر محترم را جلب نموده بودم به اشاعتی که بعضی از مطبوعات شیراز برضد انگلیس می دهند. قونسول انگلیس مقیم شیراز اطلاع می دهند که مدیر عصر آزادی در یک مقاله می نویسد که بعضی سرقتهای اخیر که در راهها اتفاق افتاده نتیجه مسافرت و تحریرات مستر چیک بوده است.

سه مسافرتی که مستر چیک در این اواخر نموده به اطلاع و تصدیق دوستدار و فقط برلی ترتیب دادن ملاقاتی فیما بین نمایندگان کمپانی نفت انگلیس در ایران با خوانین کشکولی بوده است که قراردادی برای کار نفت در اراضی آنها امضا نمایند.

امیدوارم جناب اشرف مناسب دانند که حکم فرمایند روزنامه مزبور این تشویقات تخطی آمیز را در روزنامه تکذیب و قصد از مسافرت مستر چیک را توضیح نمایند و مدیر آن از مستر چیک نیز معذرت به قاعده ای بخواهد. قونسول جنرال انگلیس مقیم اصفهان راپرت می دهند که روزنامه بهار فارس که در شیراز طبع و در اصفهان منتشر می شود شرحی نگاشته و می گوید خلاصه یکی از روزنامه های انگلیس است و مفاد آن این است که لرد کرزن در یک نطق خود اظهار داشته اند که ممکن است دولت انگلیس به واسطه اغتشاش مملکتی بنادر خلیج فارس را تصرف نماید. فساد این تهمت را لازم نیست به جناب اشرف خاطر نشان بنمایم. مستر کرو نیز خاطر دوستدار را جلب نموده اند به روزنامه منقش ایران و صدای اصفهان روزنامه های مزبور مقالات شدیده برضد انگلیس و قشون جنوب داشته اند و دوستدار خیلی ممنون خواهم شد که جراید مزبور را متنبه سازند که در لحن خود برضد انگلیس تخفیفی بدهند.

ر. بریجمن

موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه را تجدید می نماید

[۶۱۹۲۲ - ن]

[۸۵]

[تلگراف نصرت السلطنه به قوام السلطنه]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از شیراز به طهران نمره قبض ۱۵۳۲ نمره تلگراف ۱۴۰ تاریخ وصول ۲۵ عقرب [۱۳۰۰]

خدمت حضرت مستطاب اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ

در جواب تلگراف عالی راجع به مندرجات روزنامه عصر آزادی نسبت به قنسول انگلیس و شکایات قنسول مزبور اینکه تا به حال تصدیق نداده مشغول مذاکره و حل قضیه بوده تا اینکه پس از زحمات زیاد و روز قبل مجلس در حضور خود این جانب در ارگ ایالتی با حضور قنسول و مدیر روزنامه عصر آزادی فراهم نموده، مدیر مزبور استرضای خاطر قنسول را فراهم، رفع کدورت شده و به کلی این قضیه ترمیم و چنانچه امر فرموده بودید به سایر روزنامه‌ها نکات و دقایق را حالی نموده که دولت را دچار مشکلات نمایند. محض استحضار خاطر عالی تصدیق داده.

نمره ۴۶۹۱ نصرت السلطنه

[۳۸۰۱۷ و ۳۸۰۱۶-ن]

[۸۶]

[نامه سفارت انگلیس به قوام السلطنه در مورد اصلاح مطبوعات]

۱۳ قوس ۱۳۰۰

۵ دسامبر ۱۹۲۱

جناب اشرف ارفع

نظر به مذاکراتی که در این اواخر در خصوص حملاتی که روزنامه‌های فارس مخصوصاً عصر آزادی به قونسول انگلیس مقیم شیراز آورده بودند شرف دارم خاطر جناب اشرف را مستحضر سازم که از قرار خبر واصله از قونسول مشارالیه برحسب امر فرمانفرمای فارس مجلسی در حضور نواب معظم‌له انعقاد یافته و در آنجا مدیر عصر آزادی اظهار داشته بود که در مقالاتی که مورد شکایت بوده چیز تکذراً آمیزی نبوده است. اعلانی برای طبع از طرف مدیر مزبور به میل خود او مسوده می‌شود.

فرمانفرمای فارس آن را اصلاح نموده و به مستر چیک می‌دهد و مشارالیه نیز بعضی تغییرات در آن پیشنهاد می‌نمایند. مدیر مزبور مجدداً همان الفاظی را که مورد ایراد بوده

به امید اینکه در آتیه دولت ایران برای حفظ شئونات خود در روابط فیما بین انگلیس و ایران برای جلوگیری از مطبوعات شیراز اقدامات به عمل آورند به اظهار این نکته مبادرت نمود.

در هر حال، با وجود اینکه به طوری که حق انتظار داشتیم این مسئله خاتمه نیافته است نمی‌خواهم این واقعه را افتتاح نمایم. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

ر. بریجمن

[۶۱۹۲۵ - ن]

[۸۷]

[تلگراف اسدالله دیهیم در مورد شکایت متر چیک]

وزارت امور خارجه

اداره رمز از شیراز

مورخه ۱۷ دلو ۱۳۰۰

نمره ۷۶۵

دیروز ایالت جلیله بنده را احضار و می‌فرمودند به واسطه بدگویی [ای] که روزنامه‌های فارس از متر چیک قنسول انگلیس می‌کنند...^۱ کرده و جلوگیری از آنها را تقاضا نموده. در قانون مطبوعات که دستوری نیست در این موقع از روی آن اقدام شود. خارج از فصول قانون هم اگر اقدامی بشود موجب شکایت در باب جراید و هیجان اهالی و غیره خواهد شد و اگر جلوگیری هم نشود هر روز چیزی می‌نویسند و اسباب گله قنسول و وسیله پروتست^۲ می‌شود. خوب است کارگزاری هم این مسئله را به عرض وزارت متبوعه خود برساند که از مرکز دستورالعملی که مقتضی است بدهند تا مطابق آن ایالت بتواند جلوگیری از جراید بکند.

نمره ۳۹۶ اسدالله دیهیم [۶۱۹۲۳ - ن]

[۸۸]

[تلگراف نصرت‌السلطنه به مشیرالدوله در خصوص مقالات ضدانگلیسی جراید فارس]

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاریخ وصول

از شیراز نمره قبض ۲۱۸۳

۲. در متن «پروتست»

۱. ناخوانا

به طهران نمره تلگراف ۸۸

۲۱ دلو [۱۳۰۰]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکته

تلگراف محترم رمز، نمره ۱۷۵۸ راجع به مقالات روزنامه‌های شیراز و مخصوصاً روزنامه عصرآزادی عز وصول بخشید و از توافق نظری که در این موضوع حاصل شده است نهایت خوشوقتی حاصل گردید لازم آمد خاطر حضرت اشرف را مستحضر دارد تاکنون در خودداری...^۱ از مقالات روزنامه‌ها و حفظ روابط دولتی آنچه لازمه نصیحت و مواعظ بوده به عمل و کاملاً مضرت و مفسد را برای مدیر عصرآزادی و سایر روزنامه‌ها تشریح و از هیچ اقدامی فروگذار نکرده‌ام. مع‌هذا مفید نشده است و از طرفی هم قنسول انگلیس در کمال سختی پروتست کرده و جداً جلوگیری از اینها و اعاده شرافت خود را می‌خواهد و از طرفی دیگر تأخیر جلوگیری بالاخره منجر به تیرگی روابط دولتی و برای دولت و مأمورین دولت تولید مشکلات خواهد کرد.

بنابراین مقدمات فوق، در تلگراف قبل، از حضرت اشرف تکلیف خواستم و جناب عالی هم لازم است مقرر فرمایند وزارت امور خارجه و وزارت جلیله معارف به کارگزاری و نمایندگی معارف دستورالعمل بدهند موافق قانون مطبوعات اقدام و قضیه را در تحت رسیدگی آورده و از تولید مشکلات سیاسی برای دولت جلوگیری نماید. و این مسئله نهایت درجه اهمیت را داراست. و از این به بعد هم ترتیبی داده شود که مدیر آن روزنامه برای...^۲ خود متشبث به این اقدامات نشده و اسباب زحمت دولت را فراهم نکنند. منتظر دستور فوری هستم.

۱۱ جمادی‌الثانی نمره ۶۷۶۷

نصرت السلطنه

[۶۱۹۲۹ تا ۶۱۹۲۷-ن]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

[۸۹]

انامه قوام السلطنه به وزارت معارف در مورد حمله جراید به دولت انگلیس |

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۷۵۱۸

کارتن ۱۹ دوسیه $\frac{۱۲}{۱۰}$

تاریخ ارسالی ۲۶ دلو ۱۳۰۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف

چندی است روزنامهجات شیراز مقالاتی انتشار می‌دهند که مخالف مصالح دولت است. برای اینکه از نتایج این‌گونه شایعات جلوگیری به عمل آید لازم است به نماینده آن وزارتخانه در شیراز تلگرافاً تعلیمات بدهید که مطابق مقررات قانونی اقدام و این قبیل جراید را به وظایف قانونی خودشان متذکر نمایند. ایالت جلیله فارس در این موضوع اطلاعات کامل دارند؛ لذلقتضاء به ایشان باید مراجعه شود.

[۶۱۹۲۶ - ن]

[۹۰]

نامه رئیس معارف فارس به وزارت معارف در خصوص جراید فارس

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سواد تلگراف رئیس معارف ایالت فارس

به تاریخ ۸ حوت

نمره ۱۵۶

مقام منبع وزارت جلیله معارف دامت عظمة

تعقیب دستخط تلگرافی نمره ۵۰۶۵، مستدعی است اسم جریده و نمره [ای] که

خلاف مصالح مملکتی قلم فرموده اظهار تا حسب الامر جلوگیری نماید. نمره ۷۵۶

فدوی، رئیس معارف فارس

حیات

[۶۱۹۳۲ - ن]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی [۹۱]

[نامه وزارت معارف به مشیرالدوله در خصوص جراید فارس]

وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

اداره معارف

دایره مراسلات

نمره ۵۲۰۱

تاریخ ۱۷ برج حوت ۱۳۰۰

ضمیمه دارد

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته

پس از وصول مرقومه نمره ۷۵۱۸ راجع به مندرجات جراید شیراز حسب الامر تلگرافاً به نماینده معارف دستور داده شد از نشریات مخالف مصالح مملکتی از مندرجات در جراید شیراز جلوگیری نماید. اینک سواد جوابی که از نماینده معارف آنجا رسیده لغأ تقدیم می‌دارد تا هر قسم مقرر فرمایند برطبق آن رفتار و به نماینده معارف فارس دستور داده شود.

[در حاشیه: آقای دبیر مخصوص

جواب بدهید تلگراف رئیس معارف شیراز که در محل است و از طهران در باب مندرجات جراید شیراز استعلام می‌کند خیلی امیدبخش است [!] در هر حال اسامی جراید را از شاهزاده محمدعلی میرزا بخواهید از دوسیه استخراج خواهند نمود. [!]

۱۳۰۰/۱۲/۱۸

[۶۱۹۳۱ - ن]

[۹۲]

نامه مشیرالدوله به وزارت معارف در خصوص تخلفات جراید فارسی]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۱۸۸۲۴

تاریخ ارسالی ۲۳ حوت ۱۳۰۰

وزارت جلیله معارف و اوقاف

مشروحه جوابیه نمره ۵۲۰۱ به ضمیمه سواد تلگراف نماینده معارف فارس واصل گردید. استعلام نماینده مزبور از نشریات غیرمقتضیه جراید فارس با اینکه خود در محل است و بهتر باید مسبق باشد امید بخش است [!] در هر حال جواب بدهید جراید ذیل است که از حدود رعایت مصالح و مقتضیات موقع تجاوز نموده‌اند:

عصر آزادی نمره ۱۰-۱۱-۱۶-۱۷

عدالت نمره ۷

استخر نمره ۲۴

و لازم است به مدیران آنها خاطر نشان کنند از این طرز نگارش و اسلوب یا غیرنویسی که موجب شکایت پاره‌ای مقامات [؟] شده است خودداری نمایند.

[۶۱۹۳۰ - ن]

[شکایت سرپرسی لورن به قوام السلطنه از مندرجات روزنامه حیات ایران]

سفارت انگلیس قلهک

۶ سرطان ۱۳۰۱

جناب اشرف ارفع

به وسیله این مراسله، جناب اشرف را تهنیت می‌گوییم از برای اعلامیه‌ای که صادر فرموده‌اید و راجع است به مجازات جراید و مدیران آنها که از حدود قوانین معینه آزادی مطبوعات ممالک متمدنه خارج می‌شوند. در بیشتر ممالک روزنامه نویسی کار محترمی است و از اقداماتی که جناب اشرف فرموده که آن را نیز در ایران محترم فرمایند قدر می‌دانم.

اگر به مراسله خصوصی اول سرطان دوستدار مراجعه فرمایید ملاحظه خواهید فرمود که از مقاله مندرجه در نمره ۲ حیات ایران^۱ شکایت نموده‌ام. حال هم باید این شکایت را تجدید نمایم و نظر به اعلامیه جناب اشرف این اقدام را رسماً نموده خاطر محترم را مراجعه می‌دهم به نمره ۳ حیات ایران مورخه جمعه ۲۶ شوال.

مقاله مزبور در تحت عنوان «ما و انگلیسیها» نوشته شده و دوستدار آن را رکیک و مورد اعتراض می‌دانم؛ نه فقط به انگلیسیها عموماً حمله آورده بلکه به یک نفر از اجزای سابق و یک نفر از اعضای حالیه سفارت حمله برده است. فصل ۳۲ و ۴۱ اعلامیه جناب اشرف جریمه و مجازات این قبیل تقصیرات را معین نموده؛ و به موجب این مراسله محترماً از جانب اشرف خواهشمندم که این قانون را کاملاً درباره این روزنامه و شخص یا اشخاصی که مسئول این جملات شماتت‌آمیز می‌باشند به موقع اجراء گذارند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن^۲

[۸۰۹-۱۱۸۷/۵]

۱. روزنامه سیاسی و خبری در هفته دو شماره منتشر می‌شد. ارگان غیررسمی فرقه دموکرات تهران، به مدیر مسئولی ناصر سیف و میرزا حسن خان منشی‌زاده تبریزی. در سه دوره مختلف منتشر می‌شد از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴.

۲. سرپرسی ایهام لورن، S فرستاده ویژه و وزیرمختار در تهران از اول اکتبر ۱۹۲۱.

[۹۴]

اشکایت سفارت انگلیس به قوام السلطنه از مطالب یک روزنامه محلی چاپ رشت |

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس قلهک

۲۲ اسد ۱۳۰۱

آقای رئیس الوزراء

از ویس قنصل موقتی انگلیس مقیم رشت به دوستدار اطلاع رسیده که یکی از روزنامه‌های محلی به تاریخ ۱۸ اسد یک مقاله فضاحت‌آمیزی برضد انگلیس نوشته و به اندازه‌ای مقاله مزبور مضر بوده است که ویس قنصل مشارالیه خود را مجبور دیده که پروتست^۱ مؤکدی به حکمران گیلان بفرستد.

سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کراراً خاطر اولیای دولت علیه را به اثرات سوء مناقشات تهمت‌آمیزی که مطبوعات مختلفه ایران برضد انگلیس پیش گرفته‌اند متوجه ساخته است که حال برای دوستدار لازم نیست آن را تکرار نماید و امیدوارم به حکمران مزبور دستورالعملی داده شود که به پرتسط مستر برنان توجه کاملی بنمایند. موقع را مغتنم شمرده، احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

[۱-۱۳۴۱]

[۹۵]

نامه سرپرسی لورن به قوام السلطنه و شکایت از مطبوعات |

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس - قلهک

۳۰ اسد ۱۳۰۱

آقای رئیس الوزراء

بدبختانه برای دوستدار لازم شده که در چندین مورد شخصاً و رسماً خاطر دقایق شناس جناب اشرف را مراجعه دهم به مسلک خصومت‌آمیز مطبوعات طهران نسبت به مملکت و دولت خودم و تا اندازه‌ای که می‌توانسته‌ام موانعی را که این مسلک برای اصلاح روابط فیما بین انگلیس و ایران (که جناب اشرف کراراً به دوستدار اطلاع داده‌اند

۱. در متن «پرتسط»

که آرزوی حقیقی شخصی و دولتی که در تحت ریاست آن جناب می‌باشد این است که این روابط اصلاح گردند) پیش می‌آورد خاطر نشان نمودم.

مع‌ذالک، افسوس دارم از اینکه مشاهده می‌نمایم که از وقت تجدید ریاست وزرایی جناب اشرف آهنگ مطبوعات تلخ‌تر و مضرتر و خصمانه‌تر شده است. در موافقی که محترماً خاطر شریف را به خصومت و کینه شدید مطبوعات متوجه ساخته‌ام اگر اقدامی در این باب شده خیلی جزئی بوده و هیچ ندیده‌ام یک دفعه مجازاتی را که خود جناب اشرف در ماه ژوئن گذشته اعلان فرموده‌اید درباره مقصر به موقع اجرا گذارده شود. حال یک مقاله که بیشتر از همه مضر و برضد اعتبارات انگلیس بوده است، در روزنامه شفق سرخ^۱ نمره ۶۰ مورخه ۲۳ اسد مشاهده نموده‌ام و به اطلاع جناب اشرف می‌رسانم. در این مقاله به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و نمایندگان آن در ایران تهمت زده که عمداً محرک رعایای ایران هستند که بر ضد دولت علیه طغیان نمایند و مسئولیت حادثه‌ای که در این اواخر برای یک دسته قشون ایران در خاک بختیاری رخ داده برعهده سیاست دولت انگلیس وارد می‌آورد. علاوه بر این دولت انگلیس را متهم می‌سازد که سیاست آن دولت این است که مملکت ایران تقسیم شود در حالی که وقایه تمامیت و استقلال ایران در قرون عدیده نقطه اصلی سیاست انگلیس بوده است.

اگر به طوری که غالباً به دوستدار اطمینان داده‌اید دولت ایران حقیقتاً قدر و قیمتی به ایجاد و قایه روابط دوستانه با دولت انگلیس می‌دهند متعجبم که چرا خود دولت ایران برای اشاعه این مقاله محنت‌آور و افتضاح‌آمیز بر ضد شفق سرخ اقدامات ننموده‌اند؟ مع‌هذا چون در قوانین حالیه ایران قانونی نیست که جریده مزبور را در تحت محاکمه درآورند بایستی خواهشهای ذیل را رسماً بنمایم:

ثانیاً، شفق سرخ معذرتنامه کاملی برای اتهامات ساختگی و فتنه‌انگیز خود درج نماید و اگر قدرت دولت ایران به اندازه نیست که انتشار چنین معذرتی تحصیل نماید خود دولت علیه معمولیت و فتنه‌انگیزی این اظهارات را که جناب اشرف به طور صحت از آنها اطلاع دارند علناً اعلان نمایند علاوه براین، بایستی جناب اشرف را آگاهی دهم که برای صبر و تحمل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حدی هست و دولت مشاؤونیها جائز نخواهد داشت که اسم و شهرت آن حتی به واسطه یک رشته محقر مطبوعات برای مدت نامحدودی لکه‌دار شود و اگر دولت ایران نتواند در این مورد ترضیه کامل در عمل آورند مجبور خواهم شد به دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع دهم که

۱. روزنامه سیاسی. صاحب امتیاز آن شیخ علی دشتی به مدیر مسئولی میرزا بدالله‌خان مایل تویسرکانی، از بانفوذترین روزنامه‌های دوران خود بود. در سه دوره منتشر شد از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳.

دولت ایران نمی‌تواند یک دولت دوست خارجه را از بی‌احترامی و افتراء و فحاشی حفظ نمایند و نیز به دولت متبوعه خود پیشنهاد نمایم که به هر نحو صلاح می‌دانند این وضع اسف‌انگیز را که از مراسلات فیما بین دوستدار و دولت ایران در این خصوص مشهود است به هر دو پارلمان انگلستان و عموم ملت انگلیس اطلاع دهد. موقع را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن

[۱۱۱۷۲ تا ۱۱۱۶۹ - ن]

[۹۶]

نامه سرپرسی لورن به مستوفی‌الممالک و شکایت از شفق سرخ و
اقتصاد ایران و ایران آزاد

نشان حکومت انگلیس

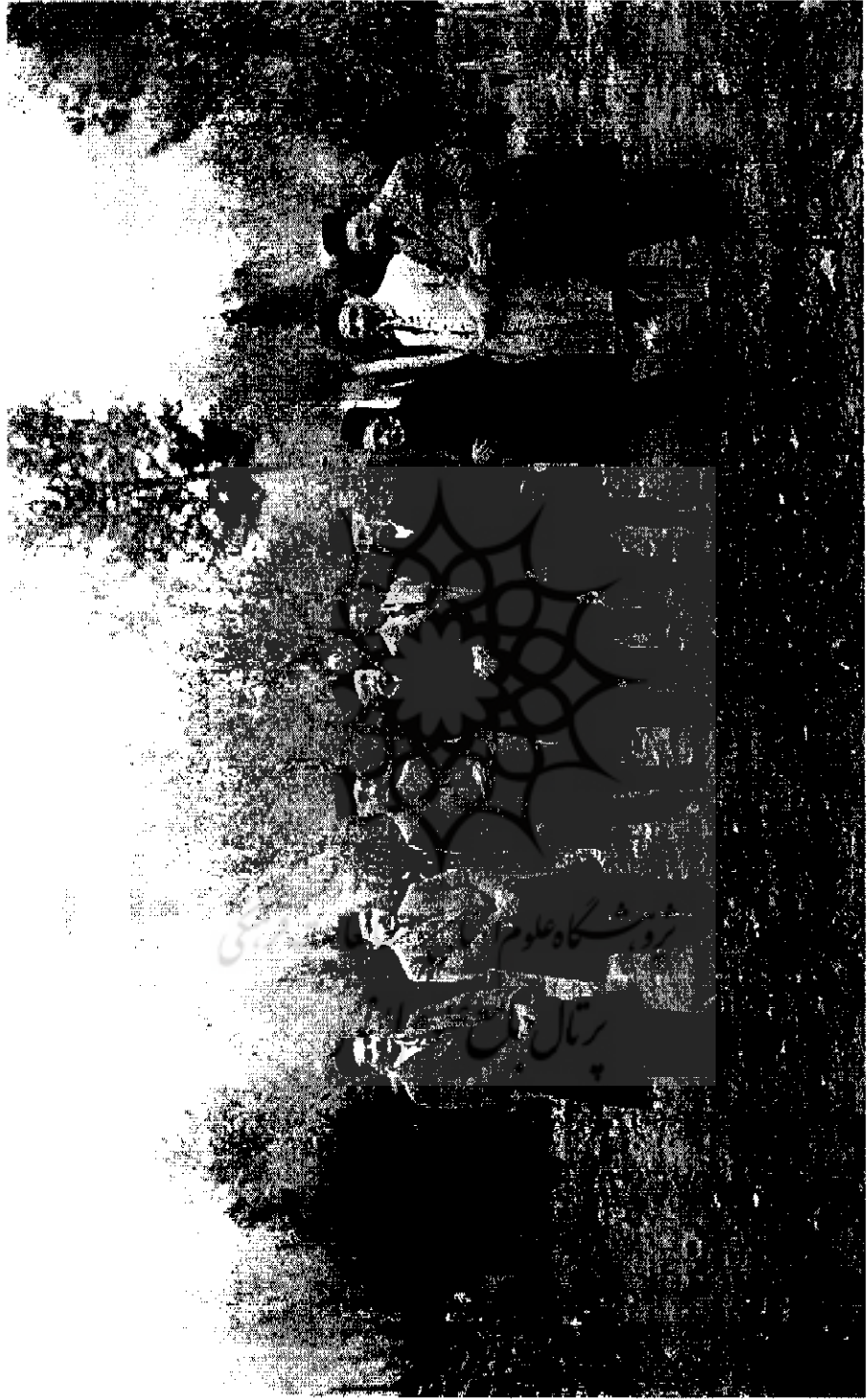
سفارت انگلیس - قلعهک

۳ سنبله ۱۳۰۱

آقای رئیس‌لوزراء

به موجب مراسله خود مورخه ۲۲ اوت (۳۰ اسد) خاطر جناب اشرف را محترماً به یک مقاله تهمت‌آمیزی که بلايهانه مورد ایراد و در روزنامه شفق سرخ مندرج می‌باشد مراجعه دادم و از جناب اشرف خواهش نمودم که به موجب اختیاراتی که هیئت دولت در تحت ریاست جناب اشرف دارا می‌باشند با این‌گونه تقصیرات معامله فرمایند. بی‌نهایت متأسفم که حال باید خاطر جناب اشرف را جلب نمایم به مقالاتی که در اقتصاد ایران^۱ نمره ۲۴ مورخه ۲۹ اسد و ایران آزاد نمره ۷۷ مورخه ۲۸ اسد و نمره ۷۸ مورخه ۳۰ اسد درج است. تمام این سه مقاله مورد ایراد می‌باشد خصوصاً روزنامه اولی که اقتصاد ایران بوده باشد که به همان اندازه تهمت‌آمیز است و بنابراین بایستی رسماً از جناب اشرف بخواهم که قبول زحمت فرموده همان اقداماتی را که درباره جریده شفق سرخ خواهش نموده بودم به عمل آورند درباره آنها نیز معمول دارند. از اطلاعات و تجربیاتی که جناب اشرف دارند و اطلاعاتی که دوستدار به جناب اشرف و سایر وزرای دولت ایران داده‌ام به خوبی مسبوق می‌باشند که این اتهامات و

۱. روزنامه فنی و اقتصادی به صاحب امتیازی حاج حسین اقتصادی و سردبیری میرزا حسن ناجی. دو دوره منتشر شد که در دوره دوم مدیریت آن با ابوالفضل لسانی بود.



حسن مستوفی الممالک رئیس الوزرای احمدشاه به همراه عددهای از مقامات دربار در قصر فرح آباد | ۱۳۶۱-۱۳۶۱

تهیجیات و اسناداتی که در این مقالات مضحکه‌آمیز بر ضد دولت دوستدار و نمایندگان آن مندرج است به کلی بی‌مأخذ و عمداً فسادآمیز است و یقین دارم که ملتفت لزوم آن خواهند بود که علناً جبران این اشاعات به عمل آید. برای دوستدار نهایت افسوس است مشاهده نمایم که این اوراق که خود را هادی عقاید عمومی در این مملکت باستانی (که از حیث شئونات خود و احترامات نسبت به خارجه‌های سکنه آن سابقاً مشهور بوده است) معرفی می‌نماید حال به حسیض اتهامات و عدم رعایت احترام که از این مقالات مشاهده می‌شود تنزل یافته است.

مجدداً از روی احترام به جناب اشرف آگاهی می‌دهم که اشاعه این قبیل مقالات سدّ سدید در مقابل تجدید روابط دوستانه، که کراراً به دوستدار اطمینان داده شده که جناب اشرف و دولت ایران بلانهایه آن را ذی‌قیمت می‌دانند، ایجاد خواهد نمود. موقع را مغتنم شمرد، احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن
[۲۳-۱۱۸۷/۵]

[۹۷]

[نامه قوام‌السلطنه به سرپرسی لورن]

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۶۵۲۹

به عنوان وزیرمختار انگلیس مورخه ۳ سنبله ۱۳۰۱

مراسله محترمه آن جناب مستطاب مورخه ۳۰ اسد مشعر به مندرجات روزنامه شفق مورخ نمره ۶۰ زیب و وصول بخشید. زاید می‌دانم آن جناب مستطاب را متذکر سازم که انتشار مقاله مزبور بیش از آنچه بر خاطر شریف تأثیر کرده است بر دوستدار ناگوار و مؤثر واقع گردیده زیرا، چنانکه کراراً به استحضار آن جناب رسانیده‌ام، مقصد و مسلک دولت دوستدار همواره بر حفظ و تکمیل روابط حسنه بین دولتین بوده و همیشه جلب مزید مودت را منظور نظر داشته و قدر می‌دانستم؛ و بدیهی است با این عقیده نمی‌توانم از اظهار تأسف خودداری کنم که تا چه اندازه از این پیشامد که در نتیجه عدم تکمیل قانون مربوطه به آن به ظهور رسیده است متألم و متأثر می‌باشم.

اما اینکه اظهار فرموده‌اند از زمان تجدید ریاست وزراء دوستدار آهنگ مطبوعات تلخ‌تر و خصمانه‌تر شده است بهتر می‌دانم به اطلاعات شخصی آن جناب مستطاب مراجعه نمایم و انصاف بطلبم و چنانچه عطف نظری به جراید سابقه بفرمایید تصدیق

خواهید داد که آهنگ مطبوعات قبلاً سخت‌تر و مضرتر بوده و پس از تشکیل کابینه جدید ملایم‌تر و معتدل‌تر شده‌اند و مخصوصاً در یکی دو مورد که برخلاف بیانیه دوستدار انتشاراتی داده چنانکه خاطر شریف مستحضر است جلوگیری به عمل آمده. اما اینکه نسبت به نمره ۶۰ روزنامه شفق سرخ اقدامی تاکنون به عمل نیامده برای این بود که انتظار قوی داشتیم قانونی که به موجب آن باید مطبوعات محاکمه شوند و چندی قبل به مجلس پیشنهاد کرده‌ام به زودی از تصویب مجلس گذشته و پس از آن مجازات کامل مطابق قانون نسبت به جریده مزبور اجرا شود.

اینکه که معلوم می‌شود این انتظار شاید به واسطه تعطیلهای محرم بزودی انجام نشود و از طرف دیگر بی‌نهایت علاقه‌مند هستم که موجبات ترضیه خاطر محترم را به عمل آورده باشم لهذا بعد از اطلاع به مراسله آن جناب مستطاب قدغن کردم روزنامه مزبور را توقیف نمایند زیرا تنها حقی که دولت در بیانیه مزبور به خود داده است توقیف جراید است. همچنین دستور دادم من بعد دقت لازم را در تمامی مطبوعات به عمل آورند که این رویه تکرار نشده و در صورت تکرار به دلیل بیانیه اینجانب مورخه ۲۹ و ۳۱ جوزا عمل شود.

امیدوارم احساسات دوستانه و صمیمانه این جانب را که همیشه در حفظ روابط حسنه و تزئید و تکمیل آن داشته‌ام به حسن قبول تلقی نموده و یقین بدانند که در مراعات این مقصود از بذل مساعی بنده به هیچ وجه فروگذار نخواهم نمود.

[۱۱۶۸ - ن]

[۹۸]

[تلگراف به قوام‌السلطنه در مورد تعطیلی و اخطار به روزنامه‌های اقتصاد ایران و ایران آزاد]

ریاست وزراء
ورقه تلگرافی

نمره ۶۸۵۵

به تاریخ ۸ سنبله ۱۳۰۱

مراسله آن جناب مستطاب مورخه ۳ سنبله دایر بر مندرجات جراید اقتصاد ایران و ایران آزاد عز وصول داد. دوستدار ضمن اظهار تأسف در مندرجات جراید مزبوره احتراماً خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که مقاله مندرجه در روزنامه اقتصاد ایران نظر

به اینکه مشمول بیانیه دوستدار مورخه ...^۱ بود توقیف گردید و به مدیر روزنامه ایران آزاد نیز اکیداً توصیه شد که به در آتیه از انتشار مقالاتی که اسباب تکذیر روابط بین دولتی را فراهم سازد قویاً احتراز جوید. [۱-۱۱۸۷/۵]

[۹۹]

[نامه سرپرسی لورن به مستوفی الممالک و شکایت از شفق سرخ]

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس طهران

۷ حمل ۱۳۰۲ نمره ۱۰۳

آقای رئیس‌الوزراء

محترماً خاطر جناب اشرف را مراجعه می‌دهم به جریده شفق سرخ نمره ۱۳۰ مورخه یکشنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۱. در صفحه اول این جریده صورت مراسله که دوستدار به سلف جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه به تاریخ ۲۲ جدی گذشته نگاشته بودم درج شده است. در نمره ۱۲۶ شفق سرخ مدیر جریده مزبور سابقاً اعلان نموده بود که سوادى از این مراسله از طرف یک نفر از جوانان آزادیخواه به او داده شده است. ولی گمان می‌کردم که این مسئله لاف و گزاف است زیرا که نمی‌توانستم باور کنم که یک نفر صاحب منصب از هیئت وزراء یا وزارت امور خارجه مرتکب چنین بی‌قاعدگی شدیدی شده و از حدود نزاکت رسمی و احترام معمولی تجاوز نماید که سواد یک مراسله رسمی را که نماینده یک دولت به رئیس‌الوزراء مملکت که به آنجا مأمور است به یک نفر روزنامه‌نگار بدهد. دادن این نوشته بدون اجازه بیشتر مورد ایراد است زیرا که مفاد مراسله مزبور شکایت از خود آن روزنامه‌نویس بوده است.

فقط چنین تصور می‌کنم که این مسئله به واسطه جهات اسف‌آور یکی از مأمورین دولت ایران از قوانین شرافت بوده است زیرا اگر غیر از این باشد چنین شخصی نسبت به مملکت خودش خائن و همچنین مسئول سوءاستفاده عمدی از وضع محرمانه مکاتبات فیما بین دولت و یک نفر نماینده خارجه می‌باشد.

از تفسیراتی که مدیر روزنامه شفق سرخ درخصوص این مراسله می‌نماید صرف‌نظر می‌نمایم زیرا که فقط تفسیرات مشارالیه چیزی است که باید از چنین شخصی منتظر بود ولی اکیداً از رفتار مأموری که مسئول این رفتار بی‌قاعده فوق‌العاده بوده است پرتست

۱. در سند به همین شکل نوشته شده است.

می‌نمایم و از جناب اشرف باید بخواهم که مقرر فرمایند تحقیقات دقیقه در این مسئله به عمل آورده و شخصی که مرتکب این خیانت شده معین و به طوری که سزاوار است با او رفتار شود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائمه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن

[۶/۱۶۸۲-۱۰۲]

[۱۰۰]

[نامه سرپرسی لورن به مستوفی الممالک و شکایت از شفق سرخ]

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس - طهران

نمره ۱۱۴

۱۷ حمل ۱۳۰۲

آقای رئیس الوزراء

در تعقیب مراسله خود مورخه ۲۸ مارس (۷-حمل) نمره ۱۰۳ به عنوان جناب اشرف محترماً یک نسخه روزنامه شفق سرخ نمره ۶ مورخه ۱۱ حمل را لفاً ارسال داشته و خاطر جناب اشرف را مراجعه می‌دهم به مکتوبی که خطاب به مدیر روزنامه در تحت عنوان (آیا انگلیسیها ملخ ارزاق و سبب قحطی هستند) در آن درج شده است.

در ضمن اینکه مقاله مزبور را به استحضار خاطر محترم جناب اشرف می‌رسانم مجدداً مجبورم که اظهارات اولیه خود را تکرار نموده و خاطر جناب اشرف را معطوف می‌سازم به نتایج تأسف‌انگیزی که حاصل خواهد شد از اینکه دولت می‌گذارند مکاتبات رسمی یک سفارتخانه خارجه به دست روزنامه‌نویسان فرومایه برسند. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائمه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن

[۶/۱۶۸۲-۳]

[۱۰۱]

[نامه سرپرسی لورن به سردار سپه و شکایت از روزنامه فکر آزاد]

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس - تهران

۲ قوس ۱۳۰۲

نمره ۳۲۳

مقامت انگلیس لندن

۱۷ مهر ۱۳۰۲

۱۱۲

British Legation,

Tehran,

۱۱۲۴

April 7th 1923.

Monsieur le Président,

With reference to my Note to Your Highness No. 103 of March 28th last, I have the honour to transmit to Your Highness herewith copy of the newspaper Shafaq Sarkh No. 6 of the 11th Hamal (1st April 1923) and to draw the attention of Your Highness to a letter therein addressed to the Editor and entitled "Are the British locusts and causes of famine?"

In bringing this article to the notice of Your Highness I am again compelled to reiterate my former statements and draw the attention of Your Highness to the deplorable results of the Government allowing the official communications of a foreign Legation to reach the hands of unprincipled journalists.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Highness the assurance of my highest consideration.

Percy Foran

His Highness
Moatafi-ul-Mamalek
President of the Council of Ministers.

مقامت انگلیس لندن
در تقیبات روزنامه شافاق سرخ شماره ۶ (۱۷ مهر)
روز ۱۱ محرم ۱۳۰۲ که در آنجا به طرفت من یک مقاله نوشته شده
مبنی بر اینکه من و دولت انگلیس در ایجاد فقر و آوارگی
دولت ایران سهیمیم و در این مقاله به طرفت من یک خطابه
بر روی روزنامه شافاق سرخ (که در آنجا به طرفت من
در یک مقاله نوشته شده) درج شده است
در این مقاله به طرفت من و دولت انگلیس در ایجاد فقر و آوارگی
دولت ایران سهیمیم و در این مقاله به طرفت من یک خطابه
بر روی روزنامه شافاق سرخ (که در آنجا به طرفت من
در یک مقاله نوشته شده) درج شده است
Percy Foran
مقامت انگلیس لندن
در تقیبات روزنامه شافاق سرخ شماره ۶ (۱۷ مهر)
روز ۱۱ محرم ۱۳۰۲ که در آنجا به طرفت من یک مقاله نوشته شده
مبنی بر اینکه من و دولت انگلیس در ایجاد فقر و آوارگی
دولت ایران سهیمیم و در این مقاله به طرفت من یک خطابه
بر روی روزنامه شافاق سرخ (که در آنجا به طرفت من
در یک مقاله نوشته شده) درج شده است

جناب اشرف ارفع

نظر به محاورات روز ۲۱ نوامبر (۲۸ عقرب) در موضوع نشریات ضدانگلیسی که مدیر روزنامه فکرآزاد^۱ منطبعه در مشهد موسوم به میرزا احمدخان دهقان انتشار می‌دهد مبادرت نمود. اینک به رسم نمونه از مطبوعات ضدانگلیسی مزبور دو نمره از آن جریده لفاً ایفاد می‌دارم.

در یکی از نمرات مزبور لایحه‌ای در تحت عنوان «حوادث مهم در ایران» درج شده که مقصود نویسنده این است که انگلیسیها با قوام‌السلطنه در سوء قصد بر علیه سردار سپه دخیل بوده‌اند.

نمره دیگر محتوی لایحه‌ای است که به امیر فیصل مستند است و مشحون از اتهامات توهین آور نسبت به انگلیسیها در ایران و در عراق می‌باشد.

در تاریخ ۲۸ صفر (۱۰ اکتبر) جریده فکرآزاد مراسله‌ای به عنوان سردار اسعد طبع نمود و در آن شخص اخیر الذکر را متهم کرد که «طرفداران معروف دولت انگلیس را که یک دولت ظالم و جبار و مضمحل کننده عالم اسلام می‌باشد به تصویب هیئت نظار انتخابات معین نموده است».

معهدا میرزا احمدخان دهقان در اقدامات ضدانگلیسی خود کفایت به مندرجات جریده خود ننموده است. در تاریخ ۱۶ صفر (۲۸ سپتامبر) در شماره فوق‌العاده فکرآزاد اعلانی درج شده بود که عموم را به میتینگ در تلگرافخانه دعوت می‌کرد. در میتینگ مزبور دهقان نطقی ادا نمود، ضمناً اظهار داشت که «هر روزه صد الی دویست نفر دهاتیان فقیر به اجبار به شهر سوق شده آنها را به مسجد برده و تعرفه‌های رأی به آنها داده می‌شود، سپس آن تعرفه‌ها از قرار یکی دو قران از آنها ابتیاع میگردد. تمام این عملیات از طرف انگلیسیها به عمل می‌آید و مقصود آنها این است که مملکت ایران را در وضعیات اسف خیز فعلی آن نگاهدارند که ممالک دیگر نتوانند به هندوستان حمله و بر آن استیلا نمایند».

مشکل است نشریاتی که بیش از این عمداً دارای روش خبیث طینت و مهیج باشد پیدا نمود که فی‌المثل انگلیسیها متهم شوند که در سوء قصد بر علیه جناب اشرف شرکت داشته‌اند. به هم چنین دخالت در انتخابات که به انگلیس نسبت داده می‌شود قضیه‌ای

۱. هفته‌نامه ادبی و خبری به صاحب امتیازی میرزا احمدخان دهقان کرمانی ملقب به بهمنیار. در دو دوره منتشر شد بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴.

است که به طوری که جناب اشرف متصورند دوستدار نهایت اهمیت را به آن می‌دهم. بنابراین، برحسب خواهش جناب اشرف اطلاعات فوق را تقدیم نموده و اطمینان دارم که اقدامات لازمه جهت خاتمه دادن به عملیات شریانه میرزا احمدخان دهقان به عمل خواهید آورد. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن

[۹۵۱۳ تا ۹۵۱۱ - ن]

[۱۰۲]

[نامه سرپرسی لورن به سردار سپه و شکایت از روزنامه ستاره ایران]

۲۴ ژانویه ۱۹۲۴

۴ دلو ۱۳۰۲

آقای رئیس‌الوزراء

اینکه دولت ایران نتوانسته‌اند رضایت دوستدار را در موضوع اینکه روزنامه ستاره ایران^۱ بی‌ادبانه ابلاغیه رسمی دوستدار را تکذیب نموده است تحصیل نمایند چنین تصور می‌نمایم که حضرت اشرف نمی‌خواهند اطمینانهایی را که شخصاً به دوستدار دادند که استرضای کامل به عمل خواهد آمد مجری دارند.

بنابراین به محض اینکه هیئت جدید دولت انگلیس مشغول وظیفه خود شدند مسئله را به آن اطلاع خواهم داد. می‌دانم که حضرت اشرف قصد دارند اقداماتی برای جلوگیری از این قبیل وقایع بنمایند و امیدوارم که به زودی این اقدام را مؤکداً و تعجیلاً به موقع اجرا گذارند. مع‌هذا این مسئله به حمله‌ای که ستاره ایران مستقیماً به دوستدار نمود و از آن بابت ترضیه خواسته نشده و ترمیمی به طوری که از حضرت اشرف خواسته بودم به عمل نیامده است مربوط نمی‌شود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نمایم.

سرپرسی لورن

[۹۵۰۴ - ن]

۱. روزنامه سیاسی به صاحب امتیازی میرزا حسین‌خان صبا ملقب به کمال‌السلطان. سردبیر آن شیخ علی دشنی بود. این روزنامه توقیف شد. انتشار آن از ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۷ ادامه داشت.



علی دشتی در دفتر روزنامه شفق سرخ واقع در کوچه عشقی | ۴۳۷۳-۱۱

[۱۰۳]

[نامه سرپرسی لورن به سردار سپه و شکایت از روزنامه ستاره ایران]

ژوبشگاه نشان حکومت انگلیس تبریزی
پرتال جامع علوم انسانی

سفارت انگلیس - طهران

نمره ۲۱

۸ دلو ۱۳۰۲

آقای رئیس لوزراء

مراسله مورخه ۶ دلو حضرت اشرف شرف وصول بخشید. اجازه می‌خواهم توضیح نمایم که از بابت اقداماتی که برای جلوگیری از تکرار قضیه که ستاره ایران اسباب آن شده یا برای مجبور ساختن مدیران جراید که در آتیه اقدامات نمایندگان خارجه را به آن طوری که شایسته مقام آنهاست مراعات نمایند شکایتی ننموده بودم و مجدداً اظهار امید می‌نمایم که نظر به مصالح دولت ایران و مصالح خود نمایندگان خارجه این اقدامات

مؤثر واقع گردد. مجبوراً مشاهده می‌نمایم که ستاره ایران را مانع نشده‌اند از اینکه در شماره ۱۱۰ مورخه ۵ دلو مجدداً به طور بی‌ادبانه اعتراضات بر ضد سیاست انگلیس بنمایند.

با وجود اینکه کاملاً مراتب را، چه به وسیله پیغام به توسط مستر هوارد در دوازدهم ژانویه و چه خودم در ۱۶ آن ماه، شفهاً، برای حضرت اشرف توضیح نموده‌ام چیزی را که ظاهراً هنوز ملتفت نشده‌اند این است که هنوز برای بی‌احترامی شدید که نسبت به شخص دوستدار در ۷ ژانویه شده و حال سه هفته از آن می‌گذرد استرضایی از طرف ستاره ایران به عمل نیامده است. مدیر روزنامه مزبور ظاهراً خواسته بود که حقیقت یک ابلاغیه رسمی عمومی را که در بیان واقع از طرف دوستدار شده بود مورد شبهه قرار دهد.

آنچه که به اسم (تکذیب) بعد در ستاره ایران درج شده بود مسئله را بدتر از سابق ساخته و چنانچه برای حضرت اشرف توضیح کردم (تکذیب) مزبور به کلی غیر مکفی بوده و جسارت ورزیده و اظهار داشته بود که عادت دولت انگلیس بر نشر جعلیات است.

بنابراین لازم است به حضرت اشرف اطلاع دهم که تا استرضای شخصی دوستدار برای این بی‌احترامی به طوری که مقبول دوستدار باشد و قبلاً خود دوستدار آن را تصویب نموده باشم به عمل نیاید هرگونه روابط یگانگی و صمیمیت فی‌مابین دوستدار و دولت ایران به کلی غیر ممکن است.

از مدیر ستاره ایران کارتی به مستر هوارد رسیده که می‌گوید مایل است مشارالیه را بر حسب دستورالعمل حضرت اشرف ملاقات نماید؛ اگر مقصود مشارالیه از این ملاقات این است که ترضیه بخواهد مسلم است که اولاً این ترضیه باید از دوستدار خواسته شود نه از مستر هوارد و ثانیاً قبل از اینکه ترضیه آقای صبا پذیرفته شود لازم است که ترتیب این ترضیه قبلاً معین گردد و بایستی ترضیه مزبور در روزنامه مشارالیه در جای نمایانی درج گردد.

قبل از اینکه بگذارم هیچ‌یک از اجزای خودم آقای صبا را بپذیرند خواهشمندم به دوستدار اطلاع دهند که دستورالعملی که می‌گویند از طرف حضرت اشرف به او داده شده است چیست؟

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می‌نمایم.

سرپرستی لورن

[۱۱۱۷۵ تا ۱۱۱۷۳ - ن]

[۱۰۴]

انامه سرپرسی لورن به سردار سپه و اظهار رضایت از پوزشخواهی مدیر ستاره ایران |

نشان حکومت انگلیس

سفارت انگلیس - طهران

نمره ۳۰

۱۶ دلو ۱۳۰۲

آقای رئیس الوزراء

نظر به مراسله خود نمره ۲۶ مورخه ۲۸ ژانویه گذشته (۸ دلو ۱۳۰۲) محترماً خاطر حضرت اشرف را مستحضر می سازم که میرزا حسین خان صبا مدیر جریده ستاره ایران به اتفاق جناب عدل الملک صبح چهارشنبه سی ام ژانویه (۲۳ جمادی الثانیه) به ملاقات دوستدار آمده برای اینکه اظهاراتی را که به سمت رسمی خود به دولت علیه نموده بودم که انتشار دهد و ایشان تکذیب نموده بودند معذرت بخواهند.

پس از آنکه میرزا حسین خان صبا شفاهاً معذرت خواستند اظهار داشتیم که آن را قبول و به محض اینکه معذرت دیگری در جریده خود برای اطلاع عامه بخواهند قضیه را خاتمه یافته خواهم شمرد.

معذرت مزبور در صفحه اول جریده ستاره ایران به شماره ۱۱۴ مورخه ۲۴ جمادی الثانیه (۳۱ ژانویه ۱۹۲۴) درج گردیده است.

طلب رضایتی که در این خصوص کرده بودم حال به عمل آمده است و از اینکه به وضع مؤثری حیثیات و شرافت نماینده یک دولت معظم دوستی را حفظ و وقایه فرموده اند از حضرت اشرف اظهار امتنان می نمایم. موقع را معتمن شمرده احترامات فائقه خود را تجدید می نمایم.

سرپرسی لورن

| ۱۱۱۷۵/۲ و ۱۱۱۷۵/۱ - ن |



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی